

مجموعه میرزا طاهر اسنجی قندهاری

...وی مستوفی قندهار و به گواهی این اوراق مردی دانشمند و آشنا بهمه گونه علوم از ادب و فقه و حدیث و تاریخ
...د خود نیز دارای طبع شعر و از اوان سالهای ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۸ در سفر و حضر چه تنها و چه در سفرهای دولتی همراه
...باره و محمدعلی خان بیگلربیگی مرو یا التزام رکاب شاه عباس ثانی (ص ۲۴۰) در مازندران و استراباد و مشهد و سمنان و ری و کاشان
و اصفهان و قزوین همه جا همیشه این مجموعه را در دست داشته و آنچه از نظر (دیده نگاه داشته و از) گذرانده و از صدها کتاب بمطالب ادبی
و با علما و بزرگانی که برخورد نموده استفاضه کرده و بعضی صفحات را بخط و آثار آنان مزین و موشح کرده
فوائد عاید از اینمجموعه بسیار است که انحصاراً به پاره‌ئی از آنها اشاره میشود - اول آنکه با اینکه معاصر با نصرآبادی بوده
نامش در آن تذکره نیست و بذریعه اینمجموعه بنام و اثر خود اسنجی و چند شاعر دیگر که از قلم نصرآبادی و دیگر تذکره‌نویسان افتاده
آگاه میگردیم ۲ - معلوم و محقق میگردد که شعرا و علمای کشور ما معدود و منحصر به آنان نیست که در تذکره‌ها و منابع
اطلاع آمده و تنها راه دست یافتن بآنها و همچنین بعضی کتابها و نام و اثرشان فقط و فقط همین گونه مجموعه‌ها است که
نویسنده آنها نوعاً از فضلا و دانشمندان هستند نه کاتبهای حرفه‌ئی و احیاناً بیسواد ۳ - اینگونه مجموعه‌ها بهترین
...سیل زنده و گواه ارزنده است بر فضل پروری و روح پاکیزه و سلیقه مهذب و نوع سرگرمی و تفنن علمی پیران
...بسا ممکن و روا است که بعضی مطالب را از منابع و کتابهائی نقل و استنساخ کرده باشند که اصل آنها از بین رفته یا تحولاتی
را در آنها راه یافته و بمرور ایام منقلب گردیده و صاحبان اینمجموعه‌ها بواسطه قرب زمانی و مکانی اصل صحیح و موثق آنها را در دست
...سه و اینک و مطلب تخصصی ... روشن و شبهه‌ها را مرتفع و مبرهن میسازد ۵ - نگارنده دو صفحه فهرست ترتیب دادم ولی کاملاً
انصافاً کامل و شامل نیست و اینمجموعه‌ها مانند دریا و کان است که هر چه بیشتر خوض و غوص و غور شود گوهر بیشتری بدست میاید از
کثرت و تنوع مطالب

۱

ارسنج از روستاهای قزوینست که بذریعه این مجموعه بنامش آگاه و آشنا میشویم برای
نخستین بار، و از تصادفات اینکه در همین اوان نسخهٔ از تذکره دولتشاه سمرقندی
بدست آوردم که بخط یکی از همشهریانش (اگر ارسنج را شهر بدانیم والا هم ده و فیه لطف
و ایهام لاتغفل) بنام حاجی غازی ارسنجی که تحریر و کتابت آن نیز داستان شیرین و
در خور توجه دارد و یکی از جریانها و کارهای عرفی و اداری العصر را روشن میکند یعنی
که در زمان شاه صفی بفرمان او هیئتی مرکب از سه نفر برای ساختن کاروانسرای یام مرند
مأمور میشوند و اوقات فراغت را برخلاف معمول و مأمول برخی مأموران کنونی بجای عرق و ورق
بمطالعه و احیاناً باستنساخ کتب علمی و ادبی میپرداخته اند و باز اتفاقاً مصادف میشود با
حدوث زلزلهٔ بنیان کن تبریز که چگونگی آنرا هم در یکی دو جا از حواشی همان تذکره نگاشته اند
برای معرفی این هیئت چه بهتر که عین خاتمه کتاب را که واقع مقصود است بتمامه نقل کنیم و هی هذه
بتاریخ دوشنبه بیستم شهر صفر ختم ثمان و اربعین و الف ١٠٤٨ در مقام کاروانسرای مبارکه یام مرند که حسب الحکم
جهان مطاع آفتاب شعاع مقرر بود سرکاری رفعت و معالی دستگاه جمشید بیگا غلام خاصه شریفه و
رفعت پناه نادر العصری حاجی الحرمین الشریفین حاجی یوسف شاه معمار اصفهانی و اشراف بنده بیمقدار حاجی
غازی ارسنجی من اعمال دار السلطنه قزوین بنده کمترین در مقام یادگاری بجهة رفعت پناه معمار الملکی
مرقوم گردانید — (شرح راجع بزلزله بخط یوسف معمار) ابتدا مقداری راجع به بنای
تبریز و زلزله هائیکه در گذشته ها در آنشهر رخ داده بوده و سپس آغاز نموده: روز جمعه چهارم ذیقعده
سنه ١٠٥٠ هنگام عصر بود که زلزله عظیم واقع شد قریب هزار خانه خراب شد و حمام و بازارها
و در شهر و نواحی قریه از خسروشاه و دهخوارقان وغیره بیش از چهل و نه هزار نفس بشهادت
رسیدند و عمارات عظیمه استادکار و شاگرد و منار مسجد جهانشاه و حسن پادشاه و دو منار بلند
سرخاب و گنبد غازان خراب شدند و آثار زلزله تا یکسال بود که بنده ملاحظه مینمود.

شعرا و کسانیکه مطالبی بخط خود در این مجموعه نگاشته اند

ماده تاریخ فتح قندهار از طبع میرزا طاهر ارسنجی که خود در آن واقعه گویا همراه اردو بوده و در حاشیه صدر صفحه ٢٥٦ نگاشته
در سبع منبع دیده شد و دلیل جهة نمودن
میزان طبع شاعر نقل میشود
شاهنشه زمین و زمان آنکه قدر او
بالاتر از نهم فلک از ارتفاع بود
بگرفت قندهار چو از پادشاه هند
بر روی روزگار در خرمی گشود
تاریخ فتح جستم از هاتفی و غیب
آمد ندا که دست ولایت هند گشود
١٠٥٩

فهرست رسائل و بعضی مطالب نادر

توضیح - مجموعه پر از مطالب علمی و ادبی مهم است که از صدها کتاب انتخاب شده که حاجت فهرست نموده ها ورق اخیان آن ندارد زیرا این مجموعه مدت قریب ده سال از دست مردی فاضل و ذو الفنون بوده و در مسافرتهای از قندهار تا خراسان و استرآباد و سمنان و ری و اصفهان و قزوین همراه بوده و از هر چمن خوشه برداشته و اینگونه مجموعه ها نقل است علاقمندی مرا ان ها در قرون گذشته بعلم و ادب نمونه و حتی در اثنا مسافرتها و آن هم مسافرتهای آن اعصار از آن غافل نبوده اند خوبه الله رحم الله معشر الماضین

2

مقایسه شعر ابن المعتز درباره ابریق با شعر یکی از شعرای فارسی زبان در همین موضوع و ترجیح شعر فارسی بر تازی ۲۸

قصه ی ابن سینا بر صحت کیمیا در رساله حقایق الاشیاء ۴۹

قصه های مشابه که در بین ایرانیان بوده و نظائر آن در اعراب هم پیدا و شایع شده مانند کیکاوس از ایران و نمرود از اعراب و سیاوش و سودابه و یوسف و زلیخا و ابراهیم و بیژن در داستان رفتن در چاه افتادن و محمد در آتش رفتن در تازیان از ما گرفته اند ۱۵۸

توضیح اینکه محمد طاهر اراسنجی صاحب کتاب مجموعه خاتم گویا مجموعه دیگری نیز داشته که او را بنام حاصل عمر موسوم نموده ۱۱۳

نام و معرفی کسانی که در مجموعه مطالب و آثاری از خویش یا دیگران نگاشته اند

۱ - محمد جعفر قندهاری در شهر قندهار و سنه ۱۰۸۰ ۲۴۴

۲ - رضی الدین محمد لاهیجی ۲۴۵

۳ - مهدیقلی بیک نواده قرچغای خان ۴۵

نام شاعران

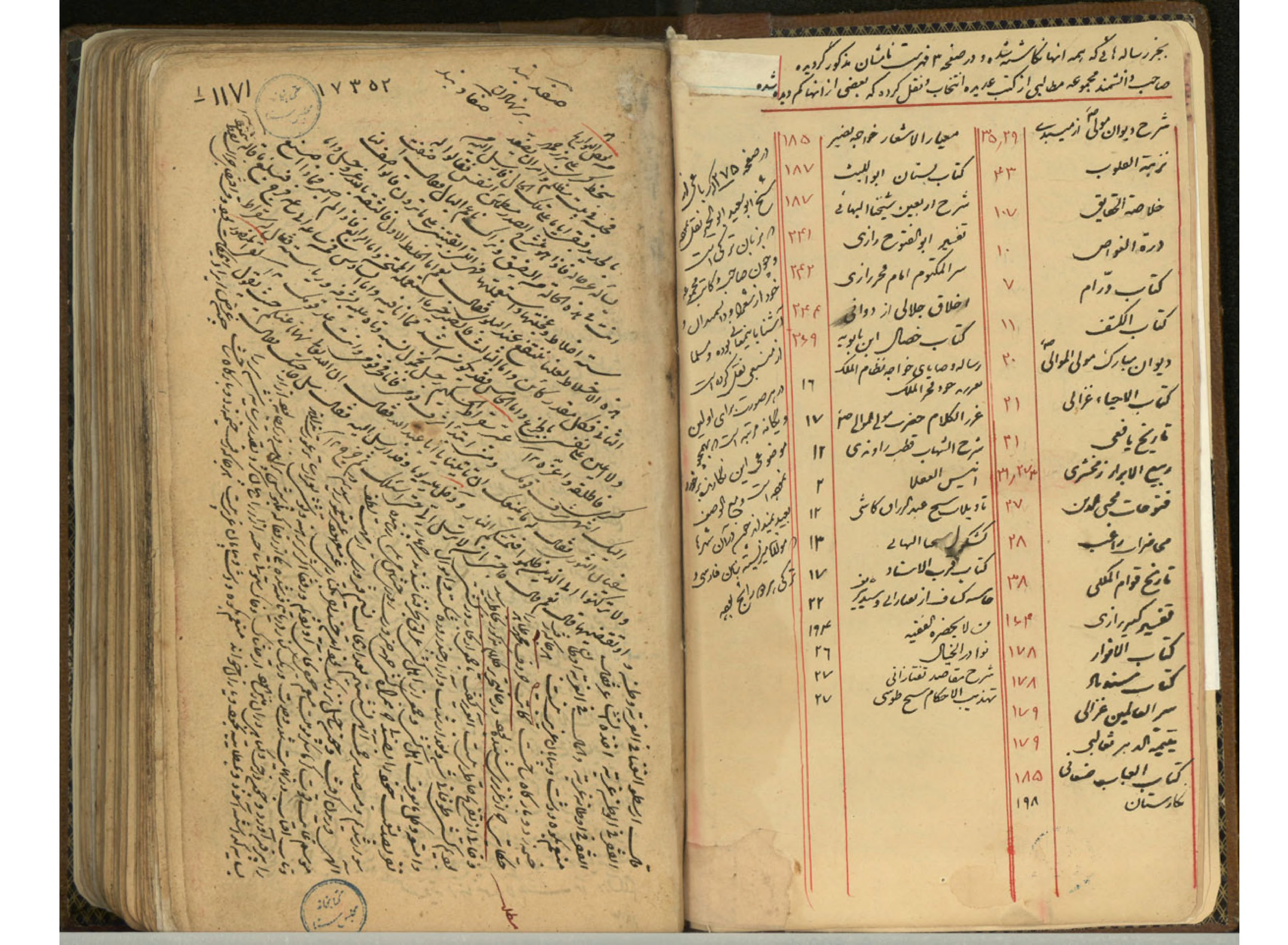
نام	صفحه
محمد طاهر اراسنجی قزوینی	۴۱
آقا رضی قزوینی	۴۰
واعظ قزوینی	۴۰
ایما - میرزا اسمعیل تاجر اصفهانی	۴۵
محتشم کاشی	۲۹۳، ۲۷۸/۴۴
سعیدا سرمد	۲۴۳
ملا محمد قاسم مشهدی	۲۴۳
صادق آقای صامت	۲۷۴
سیفی بلخی	۲۷۶/۲۷۴
ملا حاجی محمد حاجی تخلص کلانتر	۲۷۴
ابوسعید ابوالخیر (رباعی ترکی)	۲۷۵ ۲۰۳
ملا میر حسین نشابوری	۲۵۶
اصفی	۲۷۶
ملا خلف هروی	۲۷۶
ملا صاحب	۲۷۶
ملا جلال الدین مشهدی	۲۷۶
ملا احمد	۲۷۶
مانی کرمانی	۲۷۶
ملا میرزا جان	۲۷۷
فصیح	۲۷۷
ملا عطائی	۲۷۷
میر قاسم رفیعانی	۲۷۷
	۲۰۳

نام	صفحه
ملا شاه علی شغال	۲۸۲
شهاب معمائی	۲۸۰
شرف الدین علی یزدی	۲۸۵
علینقی کمره ئی	۲۸۷
ملا میر علی خوشنویس	۲۸۹
ملا شاه حسین کامی	۲۸۹
ملا محمد بدخشی	۲۸۹
میر کمال الدین حسین ابیوردی	۲۸۹
میر حیدر معمائی کاشانی	۲۹۱
محمد خان بیگ داغستانی	۲۹۱
مسیحا کاشانی	۲۹۳
ضیا تبریزی	۲۹۴
آقا حسین خونساری	۲۹۴
امیر علیشیر	۲۹۴
ملا فخر	۲۹۴
ملا نصرالله	۲۹۴
فکری - ملا غیاث الدین شوشتری	۳۰۰
میر عین علی جرباذقانی	۳۰۴
محمد باقر مشهدی	۳۰۴
قدسی مشهدی	۳۰۴
بابا طاهر	۳۰۴
کمال	۳۰۳
مسیحا فسائی	۲۹۳

۳۰

نام	صفحه
دارا شکوه	۳۰۳
سحابی نجفی	۳۰۳
میرزا علیخان شیخ الاسلام (کلبا نکا)	۲۴۳
اخوندی آقا رضا	۲۹۹
ملا جلیل قزوینی	۳۰۶

(از حضرت آقای ... نقل ... صمیمی محمود دراق و غیره هم اشعاری وارده که ... ابن ... علی ... ابیات ... نیست ...)



بجز رساله‌ها که همه انها نگاشته شده و در صفحه ۳ فهرست نامشان مذکور گردیده
صاحب دانشمند مجموعه مطالبی از کتب عدیده انتخاب و نقل کرده که بعضی از انها کم دیده شده

کتاب	صفحه
شرح دیوان مولی ص از میبدی	۳۵، ۲۹
نزهة القلوب	۴۳
خلاصة الحقایق	۱۰۷
درة الغواص	۱۰
کتاب ورّام	۷
کتاب الکشف	۱۱
دیوان مبارک مولی الموالی ص	۲۰
کتاب الاحیاء غزالی	۲۱
تاریخ یافعی	۳۱
ربیع الابرار زمخشری	۲۷۴، ۳۶
فتوحات محیی الدین	۲۷
محاضرات راغب	۲۸
تاریخ قوام الملک	۳۸
تفسیر کبیر رازی	۱۶۴
کتاب الانوار	۱۷۸
کتاب مسند ما	۱۷۸
سر العالمین غزالی	۱۷۹
یتیمة الدهر ثعالبی	۱۷۹
کتاب العجائب صنعانی	۱۸۵
نگارستان	۱۹۸

کتاب	صفحه
معیار الاشعار خواجه نصیر	۱۸۵
کتاب بستان ابو اللیث	۱۸۷
شرح اربعین شیخ البهائی	۱۸۷
تفسیر ابو الفتوح رازی	۲۴۱
سر المکتوم امام فخر رازی	۲۴۲
اخلاق جلالی از دوانی	۲۴۴
کتاب خصال ابن بابویه	۲۶۹
رساله وصایای خواجه نظام الملک عربه حود فخر الملک	۱۶
غرر الکلام حضرت مولی الموالی ص	۱۷
شرح الشهاب قطب راوندی	۱۲
انیس العقلا	۲
تاویلات شیخ عبد الرزاق کاشی	۱۲
کشکول شیخ البهائی	۱۳
کتاب قرب الاسناد	۱۷
حاشیه کشاف از تفتازانی و سید شریف	۲۲
من لا یحضره الفقیه	۱۹۴
نوادر الخیال	۲۶
شرح مقاصد تفتازانی	۲۷
تهذیب الاحکام شیخ طوسی	۲۷

قال بعض الحكماء لان اترك بعدي لاعدائي احب الي من ان احتاج الى اصدقائي ١٢ [illegible] اول ما ينبغي للعبد
[illegible] للعبادة وليستيقظ من سنة الغفلة وتتوق نفسه الا الى الآخرة في سلك السعداء ويحول بحضرة سماوية وجذبة الهية وتحريك ربانية وتوفيق سبحاني فهو على نور من ربه والمشار اليه في كلام صاحب الشرع صلى الله عليه بقوله ان النور اذا دخل القلب انفسح وانشرح فقيل يا رسول الله هل لذلك علامة يعرف بها فقال التجافي عن دار الغرور والانابة الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل نزوله ١٢

يوم العدل على الظالم اشد من يوم الظلم على المظلوم ١٢

سئل بعض الحكماء ما الزهد فقال هو ان لا تطلب المفقود حتى تفقد الموجود ١٢

من كتاب انس العقلاء كان من عادة الملوك الفرس انه اذا غضب احدهم على عالم حبسه مع جاهل ١٢

ومن كلام بعض الحكماء عدو عاقل خير من صديق جاهل

روى عطاء [illegible]

روى محمد بن علي الباقر عن ابيه عن ابيه عن امير المؤمنين عليهم السلام قال كان في الارض امانان من عذاب الله سبحانه وقد رفع احدهما فدونكم الآخر فتمسكوا به اما الامان الذي رفع فهو رسول الله صلى الله عليه وآله واما الامان الباقي فالاستغفار قال الله جل من قائل وما كان الله ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون قال صاحب نهج البلاغة وهذا من محاسن الاستخراج ولطائف الاستنباط ١٢

قال في الكشاف عن ابن عباس الصغيرة التبسم والكبيرة القهقهة ١٢

قال بعض الحكماء لا سرف في الخير كما لا خير في السرف

ودخل على ابن عمر بن الخطاب فوجده على حصير قد اثرت في جنبه فبكى لذلك فقال مهلا يا عمر انظنها كسروية انها نبوة لا ملك ١٢ والسلام

١٩١٤

٣

[illegible]

قال بعض الحكماء [illegible] احد المنصفين ١٢ وقال الفضل بالعقل والادب لا بالاصل والنسب لان من ساء ادبه ضاع نسبه ومن قل عقله ضل اصله ١٢ وقال الادب يستر قبح النسب وهو وسيلة الى كل فضيلة وذريعة الى كل شريعة ١٢

في الحديث اذا بلغ الرجل اربعين سنة ولم [illegible] مسح ابليس على وجهه وقال بأبي وجه لا يفلح ١٢

[illegible]

[illegible] خير ما [illegible] الحجامة [illegible]

كل حيوان يتنفس باستنشاق الهواء فهو انما يتنفس من الفم فقط الا الانسان فانه يتنفس من انفه وفمه معا وسبب ذلك ان الانسان يحتاج الى الكلام بتقطيع حروف يخرج بعضها من الانف فيحتاج الى نفوذ الهواء فيه وقد فتح بيطار فرس بآلة شدت منخره فمات على المكان والانسان لضعف شمامه بالحيوانات فهو يحتال على ادراك الرائحة بالاستنشاق تارة وبالتقعيز الاجزاء اخرى وعند على [illegible] وعند اقصى الانف منفذان وثقبان جدا ينفذان الى داخل العينين بحذاء الموق وفيهما تنفذ الروائح الحادة الى داخل العينين فلذلك يتضرر العينان برائحة الضالة وتدمع عند شم مثل البصل ونحوه ومن هذين المنفذين تنفذ الفضول الغليظة التي في داخل العينين وهي التي تجد عند الافراج بالدموع واذا احدث لهذين المنفذين انسداد وكان في الرأس كثرة الفضول فكثرت امراض العين لذلك

الامام الرازي في تفسيره الكبير في تفسير قوله تعالى يوصيكم الله في اولادكم للذكر مثل حظ الانثيين بعد ان نقل الحديث الذي رواه ابو بكر نحن معاشر الانبياء لا نورث ما تركناه صدقة صلة لا نورث والتقدير ان الشيء الذي تركناه صدقة لا نورث ويجوز المراد ان الانبياء اذا عزموا على التصدق بشيء فبمجرد العزم يخرج ذلك عن ملكهم فلا يرثه وارثهم

الدهر لا يبقى على حالة لكنه يقبل او يدبر فان تلقاك بمكروهة فاصبر فان الدهر لا يصبر [illegible] لكاتب الاوف عن الشيخ صاحب الكشكول بعد ان هذا الموت يكرهه كل من يمشي على الغبراء وبعين العقل لو نظروا لرأوه الراحة الكبرى

[illegible marginal notes]

٥

ومن كلام [illegible] الروح [illegible]
بطليموس [illegible] حسن [illegible]
حسن الدنيا [illegible] الطبيب [illegible] الحكمة [illegible]
كان [illegible] الاخلاق [illegible] لا ينفع [illegible]
فهو [illegible] فان [illegible] لا ينتفع [illegible] الخير [illegible]
ومن ذكره على الحجة [illegible]
ومن كلام بعض العارفين [illegible]
يقول [illegible] الانفس [illegible] المسلم [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible] الوقت [illegible]
[illegible] المطلق [illegible]
لا تتعدى [illegible] المتكبر [illegible] التواضع [illegible]
ومن كلامهم التواضع [illegible] المتواضع [illegible]
ومن كلام بعض العارفين [illegible]
هو الذي [illegible] الفقر [illegible] عقوبته [illegible]
[illegible] كل موجود [illegible] الوجود [illegible] العدم [illegible] المطلق [illegible]

زهد العامة ... العالم يعرف الجاهل لانه كان

... جاهلا والجاهل لا يعرف

... العالم لانه لم يكن عالما

... عمر الدنيا اقصر من ان يطال الاحتجاج

... من انس الله استوحش من الناس

قال الرشيد لابن السماك عظني فقال احذر

ان تقدم على جنة عرضها عرض السموات والارض

وليس لك فيها موضع قدم قال ابو سليمان

الدارانى لو لم يبك العاقل فيما بقى من عمره الا على فوت

ما مضى منه فى غير طاعة الله لكان خليقا ان يحزنه ذلك الى الممات

فكيف من يستقبل ما بقى من عمره بمثل ما مضى من جهله قيل لبعض

العارفين كيف ... [illegible]

... قال ابن مسعود لا يكن احدكم جيفة ليله قطرب نهاره

قال بعض العارفين لبعض اخوانه ... اوصنى

... بوصية جامعة فقال اوصيك بوصية الله

رب العالمين للاولين والآخرين قوله تعالى ولقد

وصينا الذين اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم ان

اتقوا الله ولا شك انه تعالى اعلم بصلاح العبد من كل

احد ورحمته ورافته به اجل من كل رحمة ورافة فلو كان

فى الدنيا خصلة هى اصلح للعبد واجمع للخير واعظم فى القدر واعرق

فى العبودية من هذه الخصلة لكانت هى الاولى بالذكر والاوفق بان يوصى بها عباده

فيما اقتصر عليها علم انها جمعت كل نصح وارشاد وتنبيه وسداد وخير وافاد

... [illegible]

... [illegible]

7

قيل الدنيا ... فقال حكيم هل ... فيه ... وجنتها ...

... ينبح ... ومن ... بنيت ... فى زيادة ...

... [illegible]

... قال ... وانظر الى ... ما قال

جاء رجل الى ابى ... فقال يا رسول الله اوصنى

قال احفظ لسانك قال

يا رسول الله اوصنى قال احفظ

لسانك قال يا رسول الله اوصنى قال

احفظ لسانك ويحك هل يكب الناس

على مناخرهم فى النار الا حصائد السنتهم

وفى الحديث ... قال بعض الحكماء مسكين ابن آدم لو خاف من النار كما يخاف من الفقر لنجا منهما

جميعا ولو رغب فى الجنة كما يرغب فى الدنيا لفاز بهما جميعا ولو خاف الله فى

الباطن كما يخاف خلقه فى الظاهر لسعد فى الدارين جميعا قال الخليل ... الدنيا

مختلفات ما تألف ومؤتلفات تختلف قال بعض العارفين هو الله الواحد

الجامع المانع قال بقراط الاقلال من الضار خير من الاكثار من النافع

جاء رجل الى ابراهيم بعشرة آلاف درهم

... التمس منه ان يقبلها فابى عليه فالح الرجل فقال

... يا هذا اتريد ان تمحو اسمى من ديوان الفقراء

بعشرة آلاف درهم لا افعل ذلك ابدا

... [illegible]

من كلامهم في الاخلاص قال سهل
[illegible] الاخلاص ان يكون سكون العبد وحركاته لله
[illegible] فاقة وقال الاخلاص اشد شيء على
النفس لانه ليس لها فيه نصيب وقال الاقوى الاخلاص
في العمل ان لا يريد صاحبه عليه عوضا في الدارين
وقال المحاسبي الاخلاص اخراج الخلق عن معاملة الرب
وقال [illegible] الاخلاص [illegible] المراقبة ونسيان الحظوظ كلها
وقال الجنيد الاخلاص تصفية العمل عن الكدورات قال يحيى بن معاذ
الطاعة خزانة من خزائن الله مفتاحها الدعاء واسنانها لقمة حلال
وقيل لبشر الحافي من اين تاكل فقال من حيث تاكلون ولكن ليس من ياكل وهو يبكي
كمن ياكل وهو يضحك من كلام بعض العارفين اذا صحت المحبة لم يبق
من المحب ولا حبه مر رجل ببعض العارفين وهو ياكل بقلا وملحا فقال يا عبد الله
ارضيت من الدنيا بهذا فقال العارف الا ادلك على من رضي بشر من هذا فقال
نعم قال من رضي بالدنيا عوضا من الآخرة

[illegible]

بجای من چه اگر صد هزار گونه جفاست

٩

[illegible]

روایت است از شهرستانی بسوی عدم ارتحالشان توافق اللهم اغفر لنا

وفات الجوهري سنة ٣٩٣	ابو نصر الفارابي سنة ٣٣٩	الوزير ابن العميد سنة ٣٦٥	صاحب بن عباد [illegible]
ابن سينا سنة ٤٢٨	السيد المرتضى سنة ٤٣٦	اخوه السيد الرضي سنة ٤٠٦	ابو العلاء المعري [illegible]
امام الحرمين سنة ٤٧٨	الشيخ ابو حامد الغزالي سنة ٥٠٥	اخوه ابو الفتوح سنة ٥٢٠	جار الله الزمخشري ٥٣٨
محمد الشهرستاني سنة ٥٤٨	الشيخ المقتول سنة ٥٨٧	الامام الرازي سنة ٦٠٦	الشيخ ابن الفارض سنة ٦٣٢
الشيخ محيي الدين عربي سنة ٦٣٨	ابن الحاجب سنة ٦٤٦	ابن البيطار سنة ٦٤٦	القاضي البيضاوي سنة ٦٩٢
المحقق الطوسي سنة ٦٧٢	العلامة الشيرازي سنة ٧١٠	الشيخ عبد الرزاق الكاشي ٧٣٥	الجاربردي سنة ٧٤٦
المحقق التفتازاني سنة ٧٩٢	العلامة الحلي سنة ٧٢٦	ميثم البحراني سنة ٦٧٩	الشاطبي سنة ٥٩٠
ابن الجوزي سنة ٥٩٧	ابو البقاء سنة ٦١٦	جلال الدين القزويني سنة ٧٣٩	[illegible] سنة ٦٢٦
البديع الهمداني سنة ٣٩٨	الآمدي سنة ٦٣١	الجعبري سنة ٦٨٢	[illegible]

قال الصفدي جماعة رزقوا السعادة لم يات بعدهم من نالها منهم علي ابن ابي طالب
في القضاء ابو عبيدة في الامانة ابو ذر رض في صدق اللهجة ابي بن كعب في القرآن
زيد بن ثابت في الفرائض ابن عباس رض في تفسير القرآن الحسن البصري في التذكير
وهب بن منبه في القصص ابن سيرين في التعبير نافع في القراءة ابو حنيفة في الفقه
قياسا ابن اسحاق في المغازي مقاتل في التاويل الكلبي في قصص القرآن ابن الكلبي
في النسب ابو الحسن المدائني في الاخبار محمد بن جرير الطبري في علوم الاثر
الخليل في العروض فضيل بن عياض في العبادة مالك بن انس في العلم
الشافعي في فقه الحديث ابو عبيد في الغريب علي بن المديني في علل الحديث
يحيى بن معين في الرجال احمد بن حنبل في السنة البخاري في نقد الصحيح الجنيد في
التصوف محمد بن نصر المروزي في الاختلاف الجبائي في الاعتزال الاشعري
في الكلام ابو القاسم الطبراني في العوالي عبد الرزاق في [illegible]
ابن منده في سعة الرحلة ابو بكر الخطيب في سرعة الخطابه سيبويه في النحو
ابو الحسن البكري في الكذب اياس في التفرس عبد الحميد في الكتابة والواقدي

[illegible] صاحب الكشاف قد [illegible]
عبد الملك [illegible] الانكار على الصوفية وقد اكثر
[illegible] في الكشاف من التشنيع عليهم في مواضع
[illegible] عديدة وذلك في تفسير قوله تعالى ان
كنتم تحبون الله والآية في سورة آل عمران
[illegible] ما صورته واذا رايت من يذكر محبة الله ويصفق
[illegible] بيديه مع ذكرها ويطرب وينعر ويصعق فلا تشك في
انه لا يعرف ما الله ولا يدري ما محبة الله وما تصفيقه و
طربه ونعرته وصعقته الا انه تصور في نفسه الخبيثة صورة
مستملحة معشقة فسماها الله بجهله ودعارته ثم صفق وطرب
ونعر وصعق على تصورها وربما رايت المني قد ملأ ازار ذلك المحب عند
صفقته وحمق العامة حواليه قد ملأوا اردانهم بالدموع لما رققهم من حاله ١٢

[illegible]

هو العصمة عن تعذر المعاصي ١٢

ابو مسلم الخراساني في علو الهمة والحزم. الموصلي النديم في الغناء. ابو الفرج صاحب الاغاني في المحاضرة. ابو معشر في النجوم. الرازي في الطب. الفضل بن يحيى في الجود. جعفر بن يحيى في التوقيع. ابن زيدون في سقة العبارة. ابن القرية في البلاغة. الجاحظ في الادب والبيان. الحريري في المقامات. البديع الهمداني في الحفظ. ابو نواس في المطايبات والهزل. ابن حجاج في سخف الالفاظ. المتنبي في الحكم والامثال. الزمخشري في تعاطي العربية. النسفي في الجدل. جرير في الهجاء الخبيث. حماد الراوية في شعر العرب. معاوية في الحلم. المأمون في حب العفو. عمرو بن العاص في الدهاء. ابو الوليد في نثر الخبر. ابو موسى الاشعري في سلامة الباطن. عطاء السلمي في الخوف من الله. ابن البواب في الكتابة. القاضي الفاضل في الترسل. العماد الكاتب في الجناس. ابن الجوزي في الوعظ. اشعب في الطمع. ابو نصر الفارابي في نقل كلام القدماء ومعرفته وتعريفه وتفسيره. حنين بن اسحاق في ترجمة اليونانية الى العربية. ثابت بن قرة في تهذيب ما نقل من الرياضي الى العربية. ابن سينا في الفلسفة وعلوم الاوائل. الامام فخر الدين في الاطلاع على العلوم. سيف الدين الآمدي في التحقيق. نصير الدين الطوسي في المجسطي. ابن الهيثم في الرياضي. نجم الدين الكاتبي في المنطق. ابو العلاء المعري في الاطلاع على اللغة. ابو العيناء في الاجوبة المسكتة. مزبد في البخل. القاضي احمد بن ابي داود في المروة. جحظة في التقاضي. ابن المعتز في التشبيه. ابن الرومي في التطير. الصولي في الشطرنج. ابو محمد الغزالي في الجمع بين المعقول والمنقول. ابو الوليد بن رشد في تلخيص كتب الاقدمين الفلسفية والطبية. محي الدين بن عربي في علوم التصوف. والسلام على من اتبع الهدى ١٢

[illegible]

[illegible] مع ما رواه [illegible] النبي عبد
[illegible] الرزاق الكاشي في قصة مريم
[illegible] انما تمثل لها [illegible] الحق
[illegible] حسن الصورة لتتأثر نفسها فتتحرك
[illegible] على مقتضى الجبلة ويسري الاثر من الخيال في الطبيعة
[illegible] فتتحرك شهوتها فتنزل كما يقع في المنام من الاحتلام
[illegible] وانما امكن تولد الولد من نطفة واحدة لانه ثبت في
العلوم الطبيعية ان مني الذكر في تولد الولد بمنزلة الانفحة في
الجبن ومني الانثى بمنزلة اللبن اي العقد من الذكر والانعقاد من الانثى
لا على معنى ان مني الذكر ينفرد بالقوة العاقدة ومني الانثى بالقوة المنعقدة بل
على معنى ان القوة العاقدة في مني الذكر اقوى والمنعقدة في مني الانثى اقوى
والا لم يمكن ان يتحدا شيئا واحدا ولم ينعقد مني الذكر حتى يصير جزء الولد
فعلى هذا اذا كان مني الانثى قويا ذكوريا كما يكون في امزجة النساء الزكية
النفس القوية القوى وكان مزاج كبدها حارا كان المني المنفصل عن كليتها
اليمنى اقوى كثيرا من المني المنفصل عن كليتها اليسرى فاذا اجتمعا في الرحم وكان مزاج
الرحم قويا في الامساك والجذب قام المنفصل من الكلية اليمنى مقام مني الرجل في
شدة قوة العقد والمنفصل من الكلية اليسرى مقام مني الانثى في قوة الانعقاد
فيتخلق الولد هذا خصوصا اذا كانت النفس متأيدة بروح القدس متقوية
بسريان اثر اتصالها الى الطبيعة والبدن ويغير المزاج ويمد جميع القوى في افعالها
بالمدد الروحاني فيصير اقدر على افعالها بما لا ينضبط بالقياس والله اعلم

[illegible]

[illegible]
[illegible] من كلام بعض الاعلام
ان العزلة بدون عين العلم
زلة وبدون زاد الزهد علة
من كلام [illegible] الاعداء فلم ار
عدوا اعدى من النفس [illegible] الشجعان والسباع
فلم يغلبني احد كصاحب السوء [illegible]
الحال فلم ار الداء [illegible] الصبر
[illegible] الاقران وبارزت الشجعان فلم اغلب
من المرأة السليطة [illegible] بالسهام [illegible] فلم [illegible] من كلام
السوء [illegible] تصدقت بالاموال والذخاير فلم ار صدقة انفع
من رد [illegible] الملوك [illegible] فلم ار احسن [illegible]

[illegible]

[illegible]

قال بعض الابدال مررت بجبل والقلوب على طيب والارض ... يعلم

على ... فتقدمت اليه وقلت يا ... رحمك الله فتأمل في وجهي ثم قال خذ عروق

الفقر وورق الصبر مع اهليلج التواضع واجمع الكل في اناء اليقين وصب عليها ماء

الخشية واوقد تحته نار الحزن ثم صفه بمصفاة المراقبة في جام الرضا وامزجه بشراب

التوكل وتناوله بكف الصدق واشربه بكاس الاستغفار وتمضمض بعده بماء

الورع واحتم عن الحرص والطمع فان ذلك ... لشفيك ان شاء الله تعالى

[illegible]

قال بعض العباد اجعل الآخرة رأس مالك فما اتاك من الدنيا فهو ربح

عن غلام محمد بن الحنفية ... كانت عليه ...

قال افلاطون العشق قوة غريزية متولدة من وساوس الطمع واشباح التخيل

للهيكل الطبيعي يحدث للشجاع جبنا وللجبان شجاعة ويكسو كل انسان عكس طباعه

قال بعض الحكماء الحسن مغناطيس روحاني لا يعلل جذبه للقلوب لعلة سوى

الخاصية وقال بعضهم العشق الهام شوقي افاضه الكريم على كل ذي روح لتحصيل ...

[illegible]

لئلا يأكلوا من طعامه صدقت والله ...

[illegible]

[illegible] ... ع الدلو ... [illegible]

بنفسه ... الا بمطالب ... [illegible]

... والشركة في الراي يودي الى الصواب [illegible]

اخرج من كل شيء ... [illegible] ... من الاخوان ...

تخليص النية من الفساد ... [illegible]

... او ابيض اسود ... [illegible]

... [illegible] ... الفرق بين الهوى و ...

والفاقها في الدلالة والمدلول ... [illegible]

مخصص بالآراء والاعتقادات والشهوة ...

... بنيل المستلذات فصارت الشهوة من نتائج الهوى

وهي اخص والهوى اصل وهو اعم ...

من كلام ... [illegible] ... الاضداد ... [illegible]

... لا ... [illegible] ... كان ... [illegible]

... [illegible] ...

[illegible]

در رساله ... [illegible]

... [illegible] ... تدارک آن ... [illegible]

[illegible]

عن امر العرب هل … قيل لبعضهم كيف صحبت … اللؤلؤ والمرجان قال البحر فاذا ابرها فنفع … قال الصحت والدنانير والاثر … قيل للصوفية ما ضياعكم فقال حسن الظن بالله وسوء الظن بالناس … لا تمرر بعضك وان … قال بعض الحكماء ذو التوقف وفاء الرسل … فانظر الا حيلة اخوان … ولكن …

وعن كلامهم كما ان الذباب تتبع موضع الجرح فيمسكها وكذلك الشرار تتبع معايب الناس فيذكرونها … من كتب ارسطاطاليس الى الاسكندر ان الرعية اذا قدرت ان تقول قدرت ان تفعل فاجتهد ان لا تقول الشر من ان تفعل ‖ سئل الاسكندر اي شيء نلته بملكك انت اشد سرورا به قال قوتي على مكافات من احسن الي باكثر من احسانه ‖ سئل سولون الحكيم اي شيء اصعب على الانسان قال الامساك عن الكلام بما لا يعنيه ‖ شتم رجل انسان الحكيم فامسك عنه فقيل له في ذلك فقال لا ادخل حربا الغالب فيها اشر من المغلوب ‖ من كلام علي عليه السلام انعم على من شئت فانت اميره واحتج الى من شئت فانت اسيره واستغن عمن شئت فانت نظيره



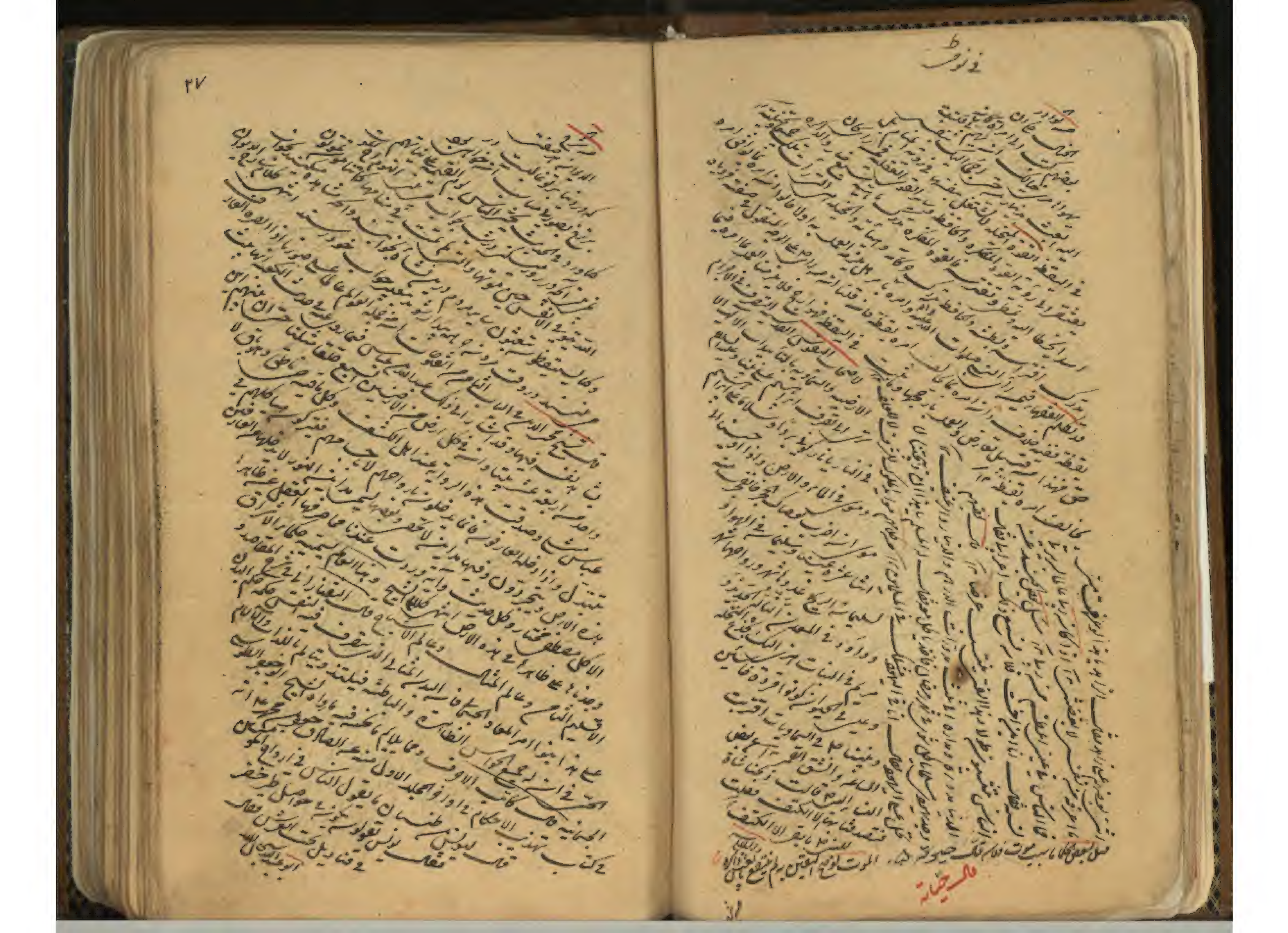
انّ ... نهرا وقنوات فاردت ان تعرف
صعود مكانه الامكانه والخفاضه عنه فلك ...
طرق احدها انه تعمل صفحة من نحاس او غيره ...
الاجب ... الثقيله وتضع على طرفيها لبنتين كما في عضادة
الاسطرلاب وفي موضع العمود منها خيط رقيق في طرفه ثقالة
فاذا اردت الوزن ادخلت الصفيحة خيطا طوله عشر ذراعا و
... الصفيحة في حاق الوسط منه وطرفاه على خشبتين طول كل ... اشبار ...
غاية التقوم بيد رجلين وكل منهما في جهة والبعد بينهما بقدر طول الخيط وانت
تنظر في ... الميزان فان انطبق على المنتجم فالارض معتدلة وان مال عنها فالى
عندها هي العليا وتعرف كمية الزيادة في العلو بان تحط الخيط ...
ان يطابق ... ومقدار ما نزل الخيط هو الزيادة ثم ينقل احد الرجلين
الميزان الى ... تريد وزنها ومثبت الاول الى ان يتم العمل وتحفظ
مقدار الصعود ... على حده وكذا مقدار الهبوط ثم تلقي القليل من الكثير فالباقي
هو تفاوت ما ... في الارتفاع ... ما شق نقل الماء ... نزلت
ما وقع اليها الثقل سهل ذلك وان علت امتنع وهذه صورة الميزان

والآت الوزن وقد يستغنى عن الصفيحة بالانبوبة التي ... فيها الماء
... فان قام من طرفيها على السواء ... التعادل والا فالاعلى ... كما عرفت

[illegible]

٦ ‏ ٢٨ ‏ ٤٩٦ ‏ ٨١٢٨

التام وهو ما كانت اجزاؤه مساوية له فلو اولها
كان عدد الايام التي خلقت فيها السموات والارض
هو الستة كما نطق به الذكر الحكيم واما العدد الزائد او الناقص
فما زادت عليه اجزاؤه او نقصت كالاثني عشر فانه
زائد والسبعة فانها ناقصة اذ ليس لها الا السبع قال في الانموذج
وقد نظمت قاعدة في تحصيل العدد التام فقلت چو باشد فرد اول
ضعف الزوج كم واحد بود مضروب اش تام ورنه ناقص و زائد ومعناه انه
يوخذ زوج الزوج وهو زوج لا يعده من الافراد سوى الواحد وبعبارة اخرى عدد
لا يعده عدد فرد وهذا مبني على ان الواحد ليس بعدد كما مر في المقالة الاولى
ويضعف حتى يصير اربعة ويسقط منه واحد حتى يصير ثلثة وهو فرد اول
لانه لا يعده سوى الواحد فرد آخر وهو المراد بالعدد الاول فيضرب الثلثة في الاثنين
الذي هو زوج الزوج فيصير ستة وهو العدد التام وقس عليه مثلا ناخذ الاربعة
وهو زوج الزوج وتضعفه حتى يصير ثمانية ونسقط منها واحدا فيبقى سبعة وهو
فرد اول فتضرب في الاربعة فيصير ثمانية وعشرين وهو ايضا عدد تام ومن
خواص العدد التام انه لا يوجد في كل مرتبة من الآحاد والعشرات وما فوقها
الا واحدا فمثلا لا يوجد في مرتبة الآحاد الا الستة وفي مرتبة العشرات الا الثمانية
والعشرين فقس عليه واستخرج البواقي كما عرفت ... والكلام



رأيت في بعض الكتب ان الشطرنج انما وضعوا
الحكماء لملوك الروم والفرس لانهم لم يكن
لهم علم وكانوا لا يطلبون الجلوس مع العلماء
لجهلهم واذا اجتمعوا مع امثالهم تلاحظوا الكلام لاحظ
السوء فوضعوا لهم ذلك ليشتغلوا به واما ملوك اليونان و
قدماء الفرس والروم فكان لكل منهم كعب عال في العلم وكانوا
لا يتفوهون عنه لا شتغال بهذه الامور الواهية انتهى
قال الفاضل الميبدي في شرح الديوان صوفيه گويند ذات متعدد از حضرت
عدم محض ونفي صرف قدم بمنزل شهود وموطن موجودي نهد و صاحب علوم
محض رنگ وجودي نپذيرد آينه موجود حقيقي هم رنگ عدم نگيرد
ذات هيچ چيز را معدوم نمی‌توان ساخت مثلاً اگر چوب را باتش
بسوزي ذات او معدوم نشود بلكه صورت مبدل گردد و در هيئت ديگر ظهور كند
و بهذا الشيخ لطائف تو هر ذرهٔ عالم جز عالم نيست زمين و آسمانها عرض است
چو آنرا گهي دركند ز نهانست زمين و آسمان او نهانست
بعض الحكماء على ان الفلزات المتطرقة انواع مندرجة تحت جنس وصيرورة
نوع نوعا آخر محال عنده واصحاب الكيمياء وبعض الحكماء على ان الا...
اناس مرضى دوا رهم الاكسير قال بعض المحققين وعلى تقدير تسليم
كونها انواعا لا يلزم استحالة الانقلاب فان فساد صيرورته النواة
عقربا والشيخ الرئيس بعد ما تصدى لابطال الكيمياء في كتاب الشفا
الف في صحتها رسالة سماها حقائق الاشياء ... والعلم حقائق الا...

الكرم ... اذا
ذلك ... بالوبل ... فوق ذلك

فقالت اما انا فلا ارى ...

فقالت والصابرون ...

قال رجل لابن عباس ادع الله ان ...

قال رجل لابن عباس ان الناس يغتاب بعضهم بعضا

رايت في بعض الكتب ان الشطرنج انما وضعها
الحكماء لملوك الروم والفرس لانهم لم يكن
لهم علم وكانوا لا يطلبون الجلوس مع العلماء
لجهلهم واذا اجتمعوا مع امثالهم تلاحظوا الا كما تلاحظ
البقر فوضعوا لهم ذلك ليشتغلوا به واما ملوك اليونان و
قدماء الفرس والروم فكان لكل منهم كعب عال في العلم وكانوا
لا يتعزون عنه لا شك هذه الامور الواهية التي تكثر النقل ومن يكار الناس
قال الفاضل الميبدي في شرح الديوان صوفيه كويند كه معدوم از اعتبار
عدم محض ونفي صرف قدم بمنزل شهود و موطن موجود ننهد وصاحبه معلوم
محض رنگ وجود نپذيرد آئينه موجود حقيقي هم رنگ عدم نگيرد
ذات هيچ چيز را معدوم نميتوان ساخت مثلا اگر چوب را با آتش
بسوزى ذات او معدوم نشود بلكه صورت متبدل گردد و بهيئة خاكستر ظهور كند
وهكذا الشيخ نظامى تو پنداري كه عالم جز همين نيست زمين و آسمانها غير از اين نيست
چو آن كرمى كه در گندم نهانست زمين و آسمان او همانست ١٢
بعض الحكماء على ان الفلزات المتطرقة انواع مندرجة تحت جنس وصيرورة
نوع نوعا آخر محال عنده واصحاب الكيمياء وبعض الحكماء على ان الاجساد
اجناس مرضى دوارهم الاكسير قال بعض المحققين وعلى تقدير تسليم
كونها انواعا لا يلزم استحالة الانقلاب فانا نشاهد صيرورة النواة
عقربا والشيخ الرئيس بعد ما تصدى لابطال الكيمياء في كتاب الشفا
الف في صحتها رسالة سماها حقائق الاشياء ١٢ والله اعلم بحقائق الاشياء

كاتب ابو تمام يعقد كلامه فقيل له لم لا تقول ما يفهم فقال لم لا تفهم ما يقال

من دعاء رام الاسكندر للاسكندر رزقك الله حظا يخدمك

به ذوو العقول ولا رزقك عقلا تخدم به ذوي الحظوظ

قال ابو يزيد البسطامي ليس الزاهد من لا يملك شيئا انما الزاهد من لا يملكه شيء

قيل لبزرجمهر ...

ما السعادة فقال ...

...

قال الكركي لبوذرجمهر ما علامة الظفر بالامور المطلوبة المستصعبة فقال ملازمة الطلب والمحافظة على الصبر وكتمان السر ١٣

بعضهم الصبر مر لا تتجرعه الا حر ١٣ الصبر على ما تحب اشد على النفس من الصبر على ما تكره

سواد الوجه في الدارين هو الفناء في الله بالكلية بحيث لا وجود لصاحبه ظاهرا وباطنا دنيا وآخرة وهو الفقر الحقيقي والرجوع الى العدم الاصلي قاله في الاصطلاحات

صام بعض العباد اربعين سنة لم يعلم به احد من الاباعد والاقارب كان يأخذ غداءه فيتصدق به في الطريق فيظن اهله انه اكل في السوق ويظن اهل السوق انه اكل في البيت ١٣ عن الصادق عليه السلام كلما ازداد العبد ايمانا ازداد ضيقا في معيشته

عن الصادق عليه السلام قال ... الزم ما لا يفرك من شيء فلا تشغله مع غيره شيء منقول من الكافي ١٣ سأل شقيق البلخي رجلا كيف يفعل فقراؤكم قال ان وجدوا اكلوا وان فقدوا صبروا قال كلاب بلخ هكذا قال فانتم قال ان وجدنا آثرنا وان فقدنا شكرنا ١٣

قال يحيى بن معاذ من اكل حتى يشبع عوقب بثلاث القاء الغطاء على قلبه والنعاس على عينه والكسل على بدنه ١٣ اكل رجل من العرب عند معوية فرأى على لقمته شعرة فقال خذ الشعرة من لقمتك فقال وانت كنت تلاحظني ملاحظة من يرى الشعرة والله لا واكلتك بعد هذا ابدا ١٣

لبعض الصوفية فقال [illegible] قال العاجب رأيت
فارسي في المنام قبل [illegible]
يقول رأيت في المنام كأن لابس
قلنسوة وكأني قلت له القلنسوة
رأيته فقال [illegible] كلا لا ل
فارسيتها كلاه وقلبه هلاك قال
فما كان اليوم الثالث الا وقد [illegible] ١٢
قال رجل لابن سيرين رأيت كأني
[illegible] فاتما وانا اختم
[illegible]
الناس فقال انك مؤذن [illegible] تؤذن في
رمضان قبل طلوع الفجر فتمنع الناس
[illegible] وقال آخر رأيت كأني
[illegible] في الزيتون فقال له فتش عن
[illegible] زوجتك فانها امك
وقال آخر رأيت [illegible] فقال ان امرأتك
حامل من غيرك وقال آخر رأيت كأني آكل خبيصا في الصلاة فقال الخبيص حلال
ولا يجوز أكله في الصلاة ١٢

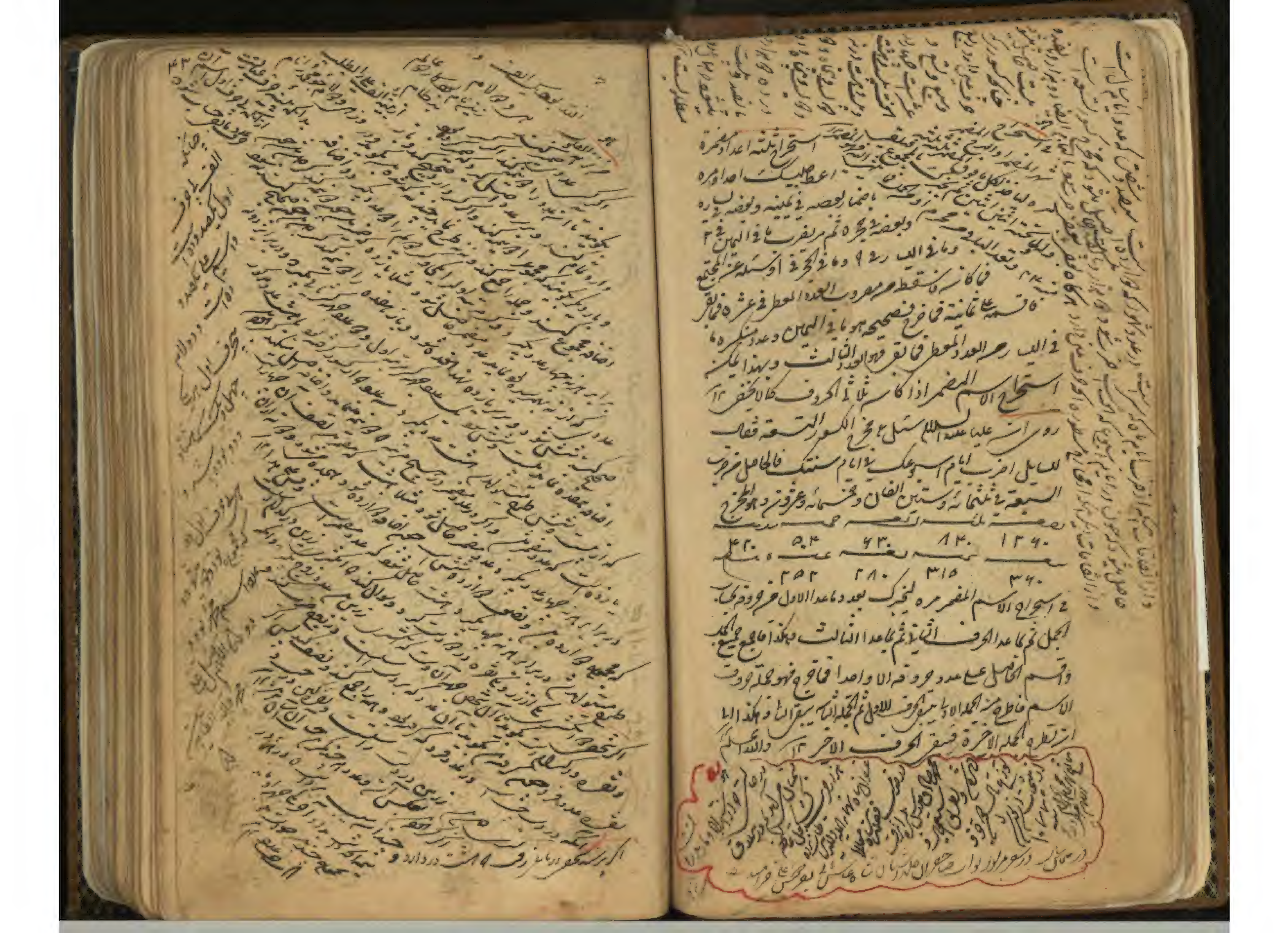
من بعض الصوفية ببغداد [illegible]
بسوق بغداد الخيار عشرة بدرهم
فلطم الصوفي وجهه [illegible] وقال اذا
كانت الخيار عشرة بدرهم فكيف [illegible]
في وصية النبي لأمير المؤمنين يا علي [illegible]
[illegible] في الآخرة [illegible]
قال بعض الحكماء [illegible]
القضاء هو وجود جميع الموجودات في اللوح المحفوظ اجمالا والقدر
تفصيل ذلك الاجمال بايجاد المواد الخارجية واحدا بعد واحد في وقت
تعلق العلم الازلي ١٢
فالفرق بين الحديث القدسي والقرآن باختصاص القرآن بسماع [illegible]
من الروح الامين ١٢ واما الحديث
القدسي فهو من جملة الالهام والنفث
في الروع وامثال ذلك كما سمعه ليلة الاسراء
وغيره والقرآن العزيز مسموع بهذه العبارة
بعينها وهي مشتملة على الاعجاز بخلاف الحديث القدسي
اذ لا مدخل له في خصوص العبارة بل المقصود نفس المعنى ١٢



غبار راه از جهور قشیدم کیوان دیدم فخور خاکی بر باد دادن

... يسئل زين العابدين ٢
... وفضل الامهات
انه تقنع بالقوت وتلزم
السكوت وتصبر على الاذية و
... تقدم على الخطيئة ومن كلامه عليه السلام
من لزم الصمت هابته العيون وحسنت فيه
الظنون ١٢

في قوله ص انا ابن الذبيحين
كان عبد المطلب قد رأى في المنام انه يحفر زمزم
ونعت له موضعها فقام يحفر وليس له ولد الا الحرث
فنذر لئن ولد له عشرة ثم بلغوا النحر ان احدهم لله عند الكعبة
فلما تموا عشرة اخبرهم بنذره فاطاعوه وكتب كل منهم اسمه في قدح
فخرج على عبد الله فاخذ عبد المطلب الشفرة لينحره فقامت قريش
من انديتها وقالوا لا تفعل حتى تعذر فيه فانطلق الى عرافة فقالت
قربوا عشرة من الابل اضربوا عليه وعليها القداح فان خرجت على
صاحبكم فزيدوا من الابل حتى يرضى ربكم فقربوا عشرة فخرجت على عبد الله
ثم زادوا عشرة فخرجت على عبد الله فلم يزالوا يزيدوا حتى صارت مائة
فخرجت القداح على الابل فنحرت ثم تركت لا يصد عنها انسان
ولا سبع فلذلك قال ص انا ابن الذبيحين ١٢ وعلى الله توكلنا



استخراج المضمر ... استخراج الثلثة اعداد المضمرة

اعط اليك اعدادا مره

بالضمائر بعضه في تلمينه ولونه ... [illegible]

وبعضه في جزه ثم من يفرب ما في اليمين في ٣

ومافي اليد ... في الحرف او سكه عن المجتمع

فما كان فاسقط من مضروب العدد المعطي في عشره فما بقي

فاقسمه علي ثمانية فما خرج فصحيحه هو ما في اليمين والعدد منكسره ما

في اليد من العدد المعطي فما بقي فهو العدد الثالث وبهذا يمكن

استخراج الاسم المضمر اذا كان ثلاثة الحروف كان الخفي ١٢

روي ان عليا عليه السلام سئل عن مخرج الكسور التسعة فقال

للسائل اضرب ايام اسبوعك في ايام سنتك فالحاصل من ضرب

السبعة في ثلثمائة وستين الفان وخمسمائة وعشرون وهو المخرج

نصف ثلث ربع خمس سدس

١٢٦٠	٨٤٠	٦٣٠	٥٠٤	٤٢٠
٣٦٠	٣١٥	٢٨٠	٢٥٢	

سبع ثمن تسع عشر

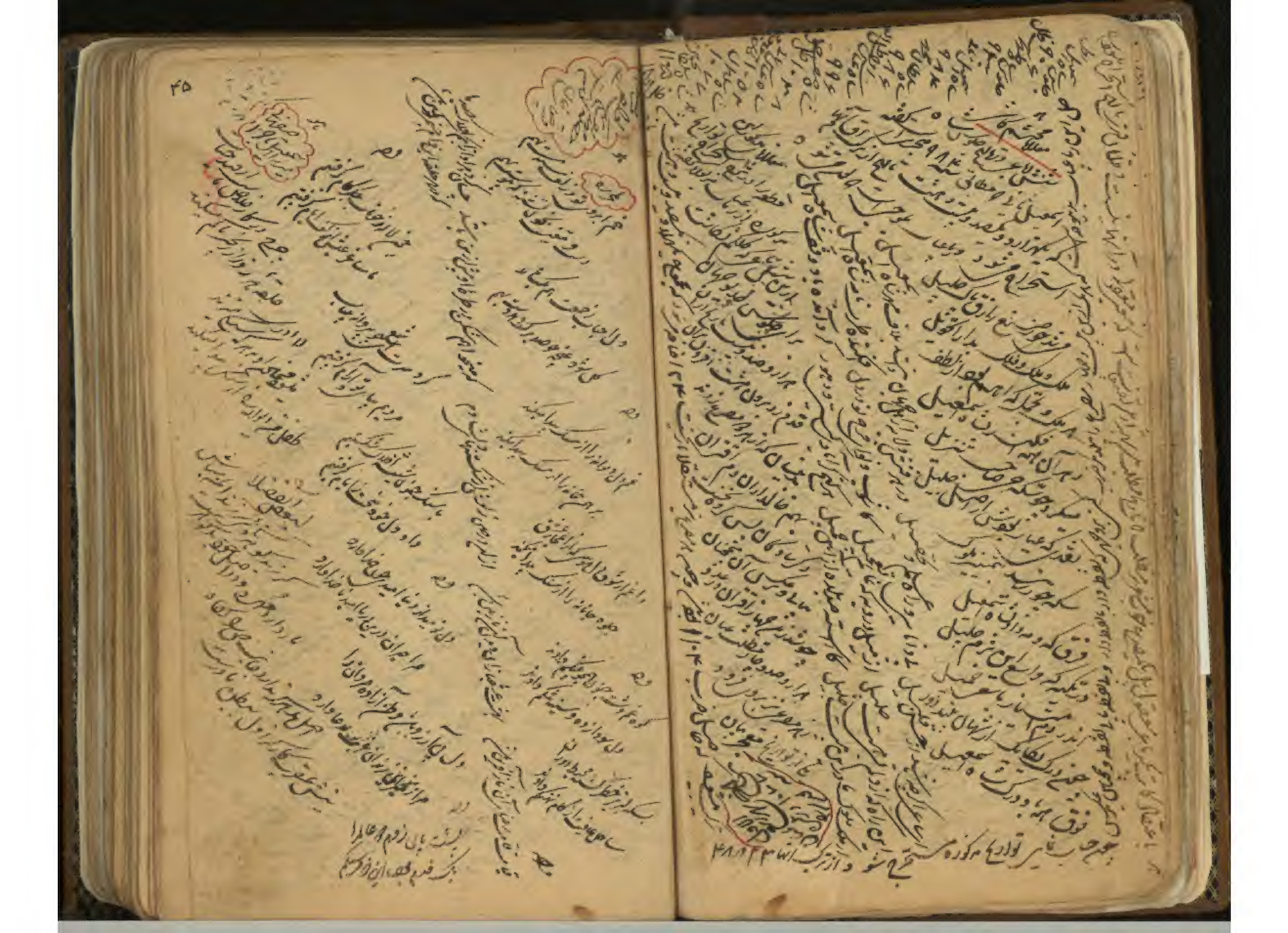
في استخراج الاسم المضمر مره ليخرج بعد ما عد الاول عن حروف ابجد

الجمل ثم ما عد الحرف الثاني ثم ما عد الثالث وهكذا فاجمع جميع الكل

واقسم الحاصل علي عدد حروف الا واحدا فما خرج فهو جملة حروف

الاسم فاطرح منه الجملة الاولي فيبقي الحرف الاول ثم الجملة الثانية فيبقي الثاني وهكذا الي

ان تطرح الجملة الاخرة فيبقي الحرف الاخر ١٢ والله اعلم



من كتاب الامثال ... حسن
السيد ... العالم ... الفصل الاول
الشهرياني ... الحسين ... النبي صلى الله عليه وآله

من باب الاول في المفردات من احاديث الاستغفار ... غفلة قبل ... خطوة نية قبل الفاقة ثقة
الاستعداد ... قيل يعني ... قبل ... الاداب ... خطيئة قبل ... شغل صحة
مشتبه ... قيل ... الاوان النعم سعة الاداب وفضل ... فضل من سعة الاداب
مدة الاستعداد للقيامة ... العصيان الاوان البلاء الفاقة واشد من الفاقة مرض البدن
الاوان القناعة ... الشهوة من البلاء الفاقة وظلم لا يترك وظلم مغفور لا يطلب فاما الظلم
البدن وفضل من صحة البدن تقوى القلب الاوان الظلم ثلثة فظلم لا يغفر وظلم لا يترك وظلم ... بعضهم بعضا العفا
مرض البدن مرض القلب الاوان الظلم الذي لا يغفر فالشرك بالله يقول الله تعالى ان الله لا يغفر ان يشرك به وظلم العباد ... عليه السلام
الذي لا يغفر فالشرك بالله ... وكلمة ما استضعف ... معه وقال ... العقل
الظلم الذي يغفر فظلم المرء نفسه عند بعض الهنات ... العشق ... التودد نصف العقل
... ليس ... بالذنب ولا ... بالسياط ... التدبير نصف ... الطباع ... الركة
هنالك تشديد ... العبادة الدين ... الدين ... التضاع ... بالنعم
القرآن هو الدواء الدعاء ... قلة العيال احد اليسارين ... كل ... التودد ... شكر
اللهم ... حسن السؤال نصف العلم خشية الله رأس كل حكمة ... الشباب شعبة من الجنون
مع اكارمكم ... ملاك الامر خواتمه ملاك الدين الورع ... البر حسن الخلق ... القناعة مال
الصوم جنة الرفق رأس الحكمة كلمة الحكمة ضالة كل حكيم الحمى رائد الموت ... لا ينفد
الف ... حبائل الشيطان الخمر جماع الاثم ... الزنا يورث الفقر ... الحياء لا يأتي الا بخير
... لا ينفد الامانة تجر الرزق ... الخيانة تجر الفقر ... آفة العلم
آفة العلم النسيان آفة الحديث الكذب آفة ...
... السخاء ... آفة الشجاعة البغي ...
... آفة ...

خيلاء اول كبر وتكبر اول ...

آفة الجمال
الخيلاء آفة ... آفة الحسب الفخر ... السعيد من وعظ بغيره ... كفارة
الفخر آفة الدين الهوى ... من ... بطن ... وكل ضعيف
وعظ بغيره ... النفس ... المسلمين ... الجمع ... صدقة صدق التطفف
الذنب الذي ... الجمع الجامع ... كفاعله ... الخطيئة ... الناس ... التائب من الذنب
موت الغريب شهادة الدال على الخير كفاعله ... الصدقة ... تطفئ الخطيئة ... اخيه ... الاحياء
غضب الرب ... صلة الرحم تزيد في العمر ... العلماء ... القلب ... خلقه ... المؤمن ... المؤمن مرآة المؤمن
كمن لا ذنب له ... ... العلماء امناء ... المؤمن ... بكل ... في
الجنة تحت اقدام الامهات الدعاء بين الاذان والاقامة لا يرد ... الناس ... علي ... واموالهم ...
الموعظة ... الموطنة المؤمن الف مألوف ... المؤمن من امنه الناس على انفسهم ... الحكمة ضالة المؤمن
معا واحد والكافر ... بكل ... المؤمن ... الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر ... والحلم وزيره
حب ... الله ... المؤمن ... يأكل في معاء ... استعاذة ... العلم ... الخيل ... والصبر امير جنوده ... العزة
والعقل دليله ... والرفق والده ... والبر اخوه ... والصبر ... الايمان كله
... العمل قائده ... البذاذة من الايمان ... الصبر نصف الايمان ... واليقين ...
من الايمان ... الحياء من الايمان البذاذة ... اول ما ينقص ... من الناس ... القنية في
المرء مع دين خليله الناس كاسنان المشط ... الخلق الحسن ... الود يتوارث
الدعاء ... اول ما يحاسب ... الصلوة ... اول ... الميزان الخلق ... طاعة النساء ندامة
والبغض يتوارث ... السفر قطعة من العذاب ... جمال الرجل فصاحة
البلاء موكل بالقول السواك ... مطهرة ...
جمال الرجل فصاحة لسانه

... ثلاثة ... والمعاد ... ابن ... صح

الارواح جنود مجندة فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف

طيب الرجال ما ظهر ريحه وخفي لونه ❊ و التراب [illegible] النظر
طيب النساء ما ظهر لونه وخفي ريحه ❊ الرغبة في الدنيا [illegible] البصر قيل
ربيع الصبيان ❊ الارواح جنود مجندة ❊ [illegible] الوضوء [illegible]
[illegible] والبطالة تقسي القلب ❊ الشؤم في المرأة والفرس والدار ❊ [illegible] وان كان فاجرا
النظر الى المرأة الحسناء يزيد في البصر ❊ دعوة المظلوم مستجابة وان كان [illegible]
الى المرأة الحسناء [illegible] ❊ ويعده [illegible] بعضه بعضا ❊ ومن [illegible]
الطعام [illegible] ❊ ومن [illegible] وضعه الله ❊ ومن [illegible] الله ❊ ومن قتل
من تواضع لله رفعه الله ❊ ومن [illegible] ❊ ومن قتل دون اهله فهو شهيد ❊ ومن اشفق من النار
يصرع [illegible] ❊ ومن قتل دون ماله فهو شهيد ❊ ومن اشتاق الى الجنة سارع الى الخيرات ❊ ومن [illegible] الشهوات ❊ ان
[illegible] فهو شهيد ❊ ومن زهد في الدنيا هانت عليه المصيبات ❊ ومن احب
عن الشهوات ❊ من اتى الى احد معروفا او كافاه ❊ ومن يحمل اخطا او [illegible] فليكن [illegible]
من غشنا فليس منا ❊ من احب ان يكون اغنى الناس فليكن بما في يد الله [illegible]
يكون اكرم الناس فليتق الله ❊ ومن [illegible] كانت له الجنة ❊ ومن لم يشكر
اوثق منه بما في يده ❊ من [illegible] ❊ من تشبه بقوم فهو منهم ❊ من طلب
لم يشكر الكثير ❊ من [illegible] فقد [illegible]
العلم تكفل الله برزقه ❊ من [illegible]
فهو مؤمن ❊ [illegible]

من احب [illegible] اوقرا
على قوم [illegible] ❊ [illegible] ❊ [illegible]
كان يمشي [illegible] ❊ من خاف الله [illegible] ❊ فكتمه [illegible] في الدنيا [illegible]
من [illegible] ❊ من [illegible] ❊ [illegible] علما [illegible] ❊ ومن كان [illegible]
ومن لم يخف الله [illegible] في الدنيا والآخرة ❊ من [illegible] ❊ [illegible] فليكرم جاره ❊ ومن كان [illegible]
من [illegible] ❊ من نظر [illegible] والآخرة ❊ ومن كان [illegible] فليكرم جاره ❊ [illegible] الجنة ❊ فليطلب
جعل [illegible] ❊ [illegible] ❊ من [illegible] ❊ [illegible] الجنة [illegible]
[illegible] الحكمة [illegible] ❊ [illegible] ❊ [illegible] ❊ من [illegible]
[illegible] ❊ [illegible] ❊ ومن [illegible]
بالله واليوم الآخر فليقل خيرا [illegible] ❊ من [illegible] ❊ [illegible] الناس
[illegible] في الآخرة [illegible] وجعل [illegible] فاراد الله [illegible]
الدنيا [illegible] الطعام [illegible] ❊ [illegible] ❊ [illegible] ابن آدم لا
[illegible] ❊ من [illegible] ❊ [illegible] ❊ طوبى لمن [illegible] ❊ [illegible] فليقه [illegible]
[illegible] ❊ وان [illegible] ❊ طوبى لمن ذل في نفسه [illegible] ❊ [illegible]
[illegible] ❊ [illegible] ❊ [illegible] ❊ [illegible] في طاعة الله
[illegible] ❊ [illegible] ❊ من [illegible] الدنيا
تعليل [illegible] ❊ [illegible] ❊ وقوله [illegible] الآخرة

ابتغوا ... غضب من ... الرحيم ولو كلا

عن اعداء عند الله الكريم او مظلوم ... استغفروا

الجنة خير العباد ... اتقوا الظلم فانه ... قبلكم ... استعينوا

عليه وسلم اليه ... اتقوا الشح فان الشح اهلك من كان قبلكم ... مرضاكم ... مثل

قل الحق وان كان مرا اتقوا الشح ... وداووا مرضاكم ... احفظوا في ... لا

اتقوا النار ولو بشق تمرة حصنوا اموالكم بالزكاة ... بالكتمان لها ... لا يشكر الله من لا

على الناس ولو بشق ... استعينوا على انجاح الحوائج بالكتمان ... تخلف عنها غرق ... وعبرة

عن امورهم بالكتمان ... فيها نجا ومن تخلف عنها غرق ... لا حليم الا ذو عثرة

اهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركبها ... لا يزيد في العمر الا البر ... العجب ... لا فاقة

ابل ... لا يرد القضاء الا الدعاء ... ولا وحدة اوحش من العجب ... كالتفكر لا

يشكر الناس ... لا فقر اشد من الجهل ... لا حسب كحسن الخلق ... لا عبادة كالتفكر ... اصرار

لا حكيم الا ذو تجربة ... لا عقل كالتدبير ... لا حسب ... مع استغفار ... لا صغيرة مع ... ان يكون

اوثق من المشاورة ... لا دين لمن لا عهد له ... ولا كبيرة مع ... لا ينبغي للصديق ان

ايمان لمن لا امانة له ... لا ينبغي لمؤمن ان يذل نفسه ... لا يدخل الجنة قتات ... ان

لا يفلح قوم تملكهم امراة ... لا يصلح الملق الا للوالدين والامام العادل ... لا تقوم الساعة

اغنيا عند الله ... لا يرحم الله من لا يرحم الناس ... ومعنى ... عند الله ...

لا تحل الصدقة لغني ... الا على شرار الناس ... الا الصديق ... حتى يقل الرجال و

لا تقوم الساعة الا ... تكثر النساء

لا تزدروا ولو بشق تمرة ... ان من الشعر حكمة ... ان حسن الظن ... الرفقاء

الا بالله ولو ... ان من البيان لسحرا ... ان من الايمان ... ان من الحكمة ... قليل العمل مع العلم

ان من ... ان حسن العهد من الايمان ... ان ... العلماء ورثة الانبياء ... ان من اهل ... قليل

ان اقرب ... ان العلماء ورثة الانبياء ... ان اكثر اهل الجنة البله ... ان اول ... السلام ... احب

حسن العبادة ... ان الله ... ان الحلال ... الكتاب ... الناس ... ليس

الحرام ... ان الحلال بين والحرام بين ... ان الحلال ... ان لكل ... الدين

ان لله عبادا اختصهم لحوائج الناس ... ان الحسد ليأكل الحسنات ... بغير

ان الله يحب العمل مع ... قليل ... ان الرجل ... ليس منا من

كثرة ... العمل ... ان الله ... ان الحسنة ... ان الله عليه ... فالبست ... وقت

ان الله جميل يحب الجمال ... ليس ... وسع الله عليه ... اوليت ... الا

خلق الموت ... ليس ... فاقتنيت ... الا ... من الدار العقف

ليس لك من مالك الا ما اكلت ... ليس له ... خير الناس ... صائم ... خير النكاح

فامضيت ... رب ... طاعم ... اعظم ... اجرا ... خير المجالس اوسعها ... الا ... نيابكم

الجوع والعطش ... رب ... خير العبادة احفاها ... خير ... الكبرى

خير الرزق ما يكفي ... خير الناس انفعهم للناس ... خير ... الا ... خير شبابكم ... المؤمن

اليسر ... خير الناس ... ان ... خير ... اكالكم ... خير نسائكم ... الطامع

البياض ... وذر اموالكم ... القانع ... الطامع

الوحدة خير من جليس السوء والجليس الصالح خير من الوحدة ✱ واملاء الخير خير من السكوت والسكوت خير من املاء الشر ✱ افضل الصدقة اصلاح ذات البين ✱ افضل العبادة قراءة القرآن ✱ العلم [illegible] نعم الادام الخل ✱ [illegible] الدعاء [illegible]

افضل عبادة [illegible] ✱ اطيب الطيب المسك ✱ سيد ادامكم الملح ✱ مثل المؤمن مثل النخلة لا تاكل الا طيبا ولا تضع الا طيبا ✱ العلم [illegible] ✱ مثل المؤمن [illegible] يعرف الدين والمرء [illegible] باخوانه ✱ احوال [illegible] سبيل العيوب [illegible]

[illegible] الاول في المودات ان المرء يعرف [illegible] ✱ افضل [illegible] قال عليه السلام [illegible] الدين ✱ احوال الزمان [illegible]

امير المؤمنين علي ابن ابي طالب عليه السلام ✱ الشكر [illegible] ✱ زينة الدين [illegible] المروة ✱ يطلب المرء [illegible] ✱ اللسان [illegible] العمر

في الشدة ✱ اطهار [illegible] الناس [illegible] ✱ حسن العمل [illegible] ✱ [illegible] الايمان [illegible] ✱ التوكل على الله [illegible] ضعف الايمان ✱ تغافل

البيت [illegible] ✱ ثلاثة [illegible] ✱ الصلوة [illegible] ✱ ثلاثة مهلكات بخل و [illegible]

لا قيمة لها [illegible] ✱ تواضع المرء [illegible] ✱ ثلث الايمان الحياء وثلثه [illegible] ✱ عز الملك [illegible] وثلثه [illegible]

٥٣

ثبات النفس [illegible] ✱ ثبات الروح في الحلم ✱ [illegible] بالقدر ✱ وثبات [illegible] حال المرء ✱ [illegible] الشيطان [illegible] الذهب ✱ [illegible] جليس السوء ✱ [illegible] الكلام ✱ [illegible] الرجال الادب ✱ [illegible] الكلام في [illegible] ✱ [illegible] الطعام ✱ [illegible] المرء [illegible] عقله ✱ [illegible] النفس [illegible] الولد [illegible] الودود [illegible]

[illegible] حسن الخلق [illegible] ✱ [illegible] في سبيل الله ✱ [illegible] القلب ✱ [illegible] المرء فعله ✱ [illegible] العدل [illegible]

خير المال ما انفق في سبيل الله ✱ [illegible] الحرص [illegible] دليل عقل المرء [illegible] ✱ [illegible] الملوك في العدل ✱ [illegible] راس المال ✱ [illegible] رسول الله [illegible]

ودوا النفس [illegible] الحرص ✱ [illegible] الرجل [illegible] ✱ [illegible] الشباب [illegible] ✱ [illegible] الغش [illegible] الانتقام

[illegible] اذل [illegible] الرجال ✱ [illegible] في الطمع [illegible] ✱ [illegible] الحديث ✱ [illegible] العاقل [illegible]

والقناعة [illegible] قليل ✱ ذل المرء [illegible] ✱ [illegible] النفس [illegible] ✱ [illegible] النفس [illegible]

[illegible] الحبيب [illegible] العيش ✱ [illegible] ✱ [illegible] الحق [illegible] ✱ [illegible] العاقل [illegible]

[illegible] الولادة ✱ رزق المرء [illegible] ✱ دليل عقله [illegible] ✱ [illegible] الجنة [illegible] ✱ [illegible] الفقراء

الى رسول الله صلعم [illegible] ✱ [illegible] الحبيب [illegible] ✱ [illegible] الله [illegible] ✱ [illegible] الموفق

[illegible] الدنيا [illegible] ✱ [illegible] الايمان [illegible] ✱ [illegible] التواضع [illegible]

[illegible] الحرام ✱ [illegible] المرء في [illegible] ✱ خير [illegible] العمل [illegible] ✱ [illegible] الفقر [illegible]

أوطأ الأقدام [illegible] الناس [illegible] الظفر [illegible] الأمرار

ترك [illegible] العلقة [illegible] صحبة [illegible] الأشرار [illegible] فمن [illegible] إلى الأمر [illegible]

تقية الناس [illegible] صحبة الأشرار [illegible] الحبيب أوجع [illegible] ضاق صدره [illegible] ضاقت [illegible]

صاحب الأخيار تأمن الأشرار [illegible] ضيق [illegible] اليد [illegible] طلب الأدب [illegible] طلب [illegible]

صل الأرحام تكثر حشمك [illegible] ضيق القلب أشد من [illegible] تعبه [illegible] ظلم الملوك [illegible]

فمن [illegible] الدنيا [illegible] غضب [illegible] طال عمره [illegible] غنيمة [illegible] ظلم المرء [illegible]

ضاقت الدنيا على [illegible] طوبى لمن [illegible] طاعة [illegible] الأمال [illegible] طاعة [illegible] عن الأعمال

طاعة العدو بلاء [illegible] طوبى [illegible] إلى الهلاك [illegible] علو الهمة [illegible]

[illegible] خذلان الرعية [illegible] ظلم الظالم يقوده [illegible] ظل الكريم [illegible] عليك بالحفظ [illegible]

[illegible] ظل الظالم [illegible] عن الأمور [illegible] التقدم [illegible] جاهل [illegible]

ظل السلطان كظل الله [illegible] صديق جاهل [illegible] مسلم [illegible] علامة [illegible]

طويلة [illegible] عدو عاقل خير من صديق [illegible] غنيمة [illegible] بفضله أولى من فخره بأصله

[illegible] الكتب [illegible] عقيب كل يوم [illegible] الحكمة [illegible] المرء [illegible] الحق [illegible]

غضب [illegible] الحق [illegible] غنيمة [illegible] قول المرء يخبر عما في قلبه [illegible] قدر المرء [illegible]

فطنة المرء تدل على [illegible] قسوة القلب من الشبع [illegible] كفران النعمة [illegible]

قاتل الحريص [illegible] قسوة [illegible] الجنة [illegible] مسلم [illegible] كمال العلم الحلم [illegible] كمال الجود

دوا القلب [illegible] كفى بالحسود [illegible] الإعتذار [illegible]

[illegible] تجده [illegible]

لين الكلام قيد القلوب [illegible] لكل عداوة [illegible]

ليس [illegible] العلم [illegible] زوال [illegible] الغضب [illegible] الفرقة [illegible] أسباب [illegible]

ليس [illegible] الأعداء [illegible] حصول الكلام [illegible] ظلم [illegible]

[illegible] الأعداء [illegible] مجالس [illegible] ضيع [illegible] خلقه [illegible]

[illegible] سكت [illegible] الصدق [illegible] ويل [illegible] بقدر [illegible]

[illegible] الوجه [illegible] الزوال [illegible] المرء [illegible] الحريص [illegible] الفاسق

[illegible] [illegible] ويل [illegible] الأوزار [illegible] المرء [illegible] يهلك [illegible] القانع [illegible] الرزق

والأدب [illegible] لا كرامة للكاذب [illegible] لا عيش [illegible]

[illegible] زيادة [illegible] يزيد الصدق [illegible] في العز [illegible] يبلغ المرء

[illegible] السعيد [illegible] الأمر [illegible] الصدور [illegible] السعيد

لا دين لمن لا مروءة له [illegible] في [illegible] الناس [illegible] يصير [illegible]

لا وفاء [illegible] بعد [illegible] القلب [illegible] النفس [illegible] يسعد [illegible]

[illegible] والقناعة [illegible] سيف [illegible]

[illegible] الكبائر [illegible] صاحب [illegible] يسعد [illegible]

بالصدق [illegible] منازل الكبار [illegible] الحلم صاحب [illegible] والبائع [illegible]

وباب [illegible] أمير المؤمنين ع [illegible] وهو جمل [illegible] من باب الأول [illegible]

[illegible] في [illegible] ومن [illegible] وحكماء [illegible]

ومما [illegible] الفصل الثالث [illegible] في بعض العلماء [illegible]

[illegible] فكلم [illegible] الأئمة [illegible]

[illegible]

والكرم بالعفاف احسب

واذا ازداد جمعه الاموال وشغله بنماءه وازداد بالله ثمرة لو ثبته

اليه المال وبسطه الاموال وظلمه العباد الشقوة بزياده نعمته وحارث ربه

وكله الى هواه وركب الف وظلمه اطاح هواه يا [illegible] البخيل جاهل فانه يطلب عيوب

وكله الى هواه وفي عمل من قلبه اياك وفضول الكلام ستخف باخوانه

امل والتوكل على الله وفي الحرص من اخوانه عقله قتل الوال

العلوم العلم بالعلوم خير الناس من زرع المصائب ان فضله وترجمان ما ميل قتل الوال

من كثر اشتهائه بالمواهب اشد ارتياحه بالمصائب كلام المرء ترجمان اجل النوال ما

بالبطن وكرب من عدوك ما سكن من زوال حيرانه اخشى من الاعدام

فذل ومن احتراء على سلطانه قتل ما عز ذل الكرام من بالمروات فمن

من بخل بماله على نفسه جاد به على زوج عرسه من جاد بنفسه ارتقى من جاد وبماله حل و

من طاب صلة ركز فرعه من ضاق خلقه ضاق رزقه الحرام دون

رتبه ورجاء الهمم عظمة في العيون الامم ذو الاموال ما اخذ من الحلال من الاصدقاء

من جاد وبعرضه ذل خير المال ما اخذ من الحلال جود الرجل يحببه من قال ما

على الانام افضل المعروف اغاثة الملهوف وبذل الظالم وتحذل ان ور

وبخله يبغضه الى اوداه شر الناس من يبخل بشر الظالم زيادة في العقل

لا ينبغي سمع ما لا يشترى كثرة التجارة زيادة فيستغن عن الدنيا

الدنيا فهو كمن يطعم النار بالحلفا من اراد ان

الدنيا

شئل الشعبي عن مسئلة فقال لا ادري فقيل له ولا تستحي وانت فقيه

تستحي من قول لا ادري وقد قول الله لا ادري حكيم

فقيل له الا تستحي ان الملائكة لما قال لهم كنت كنا لا نطق

العراقين فقال ان الملائكة ما علمتنا فلم يستحي الله من الاعلم اليها وما يابه

قالت لا علم لنا الا ما علمتنا فقال يا بني تعلم العلماء ما جهلت وتعلم الناس ما علمت لا الصن

نفسه بعد وقتل يا بني تعلم العلماء تكونوا وفي الصلوة تنتقض الباطل

وكلمه يطعن بالخير كاننه تعطف صبورا وفي الرخاء شكورا ولا تقتصر فالكثر

كن في الشدة وقورا وفي المكاره صبورا ولا تلحد ما عليك ولا تصبر على قوم

اطاع الله ولا تكرم من عصت الله ولا تدع ما لا تطيق يا بني ان استعانوا فاعنهم

ولا تستحي من الحق ولا تقل ما لا تعلم ولا تتكلف فان حبسهم واذا استعانوا واحسن اليهم او

استشار تسلم في وجوههم واذا دعوك فاجبهم واذا انتصبوا اعتمد في القصد

رعيتهم يطول الصمت وكثرة البر والصلوة وسخاء النفس بما معك واذا تكلمت

زاد واذا رايت صاحب تشتوك فاشتر معهم في طاعتهم فانزلوا وان استعانوا فانصرهم

ممن هو اكبر منك سنا وان تخير فاترك الطعام حتى يقعد

فقعوا او تامرو واذا قربت من المنزل فانزل عن دابتك وابدء بعلفها

قبل نفسك وان استطعت ان لا تأكل طعاما حتى تبدا بشيء

منه فافعل وعليك بقراءة كتاب الله ما دمت راكبا وبالتسبيح عاملا وبالدعاء خاليا

سئل بعض

العقلاء ما بال الجحود … نصيبه من الناس قال ارسطاطاليس

اشد … قال لان … ذلك عن غيره … الدوله قال ان … نفسه

هموم الدنيا … يعقل الا الدوله … منه ومن … وضعف

… قال … احتمل … يعقل لان … خفف طعامك تامن

قالت فيما عودت الكرام … حلم الحلم … قيل كلم

بطعام الكلام … العمر … عاش … وقالت … خطاه

وقال تعلم الاحمق … اذا قيل طعمه … الحاجه حرصه عليها … خطاه

وقالت … الحكيم … فوت … لا … ربع وسلم فالعقود بالبهائم

قالت … قال بطليموس … الجرم … تكبره

سفاهتك قالت التكبر … غناء قالت لا يعرف العجب لسانه

بالتواضع فقالت … وتحذرك عدوا قالت تقراط العجب … اراد

فانه يستفيد منك … عادة … الامراض اراد الدنيا فعليه بالعلم ومن اراد

قالت افلاطون … البول مرض قالت الوعاظ … قال قطع الرجاء عن الدار

قدوس … سئل بعض حكما … بالقناعة وقال الانس والصحة

الآخرة فعليه بالعمل … قبل السوال قالت … الاحمق المتصل

قالت وما الجود قالت الاعطا قبل السوال … العاقل المدبر … في العلانية و

لا تمس … لعن … يطيعه في السر

قالت الحكيم …

… العقلا … الامرا … بهم … لا … امرا

الفقرا … العفو … الغضب … العقت … تفرقه … كلها … قال لقمان

قالت تقراط … الصحة والاعدو … الغضب … المروة … يتبع … التجار … وقال

لا صدق ادق … لتعرض … الذم … العوان … منهم ان

صلاوة الصحة … القليل … قال … طرس … ضعيف

لا تنجح … الاعطا … قالت … افلاطون … صديقا لغيره

من قل صدقه قل صديقه … نفسه … لقمان

غايت الادب ان يستحي المرء من نفسه وقالت الحكيم … لا يحتمل … صحبه

كتمان … واقوى … عند غضبه … وحين قدرته … لا يوم و

وقالت … المرء في وقت غضبه لا في وقت رضاه … وقالت كفران النعمة … الحكيم

تقرب الى الله … اوليائه وتقرب … يبغض … المعاصي … الحاجة … القلم

اجابت … شوم … وقالت اعظم المصايب شماتة الاعداء واشد منها … الليل جنة … حكام مع

اذا لم يستطع ان تقطع يد عدو … وقبلها … وقالت … الناس و … العلماء

احد الله … من لم … التعليم … الملوك … الجهل ابدا … اياك و … ان عرفانه

الملوك … يطلب … فالادب … يتعلم … الصدق … الريح … اليس

… الكذب … الثياب … لا تحتفر … الربع في الراح

… ونور القلب في وجه الصباح

وقوة

انظر في الدنيا حرص

ولا يهم صحائح [illegible] ساده الناس الكلم [illegible] مدحه

ما وفق حال الدوخ [illegible] وفي الاوه الانقيا [illegible] حنون واوه [illegible] قال ان عصم

في الدنيا الانجاد [illegible] اول الغضب منتقم الان [illegible] عدوه قبل الكلم [illegible] قيل ماله

لتعليل كبر والتسيم للكبر كاف قيل لافلاطون بم [illegible] يميز الداء [illegible] صاحبها فله الا الالفة الى الحال [illegible] العقل

اشد الجهاد وجاهد الغضب وقيل لحكيم [illegible] الحكماء [illegible] الا ان الاشياء صحيحا

يزداد في نفسه تفضلا [illegible] قيل عقله كثير [illegible] بصيرة العقل [illegible] ولم يعاب قولا

الاشياء بعينها قال العقل الاشرار [illegible] على قدر [illegible] الشاعر ولم [illegible] لحاجات

الاشياء [illegible] صعف ليس [illegible] الاشياء بطبعها فالصادق [illegible] او اوعد [illegible] وكلا

قيل حالة الباطل كاية النفس الوهمية [illegible] والصادق وقت [illegible] ولا

[illegible] على حقايقها [illegible] الوارد [illegible] اوابعد [illegible] وان يقول دار الدنيا

[illegible] الاشياء على [illegible] ومن كلامهم [illegible] تقتضيه [illegible] والمسبب [illegible]

واقتضى الفهم التقسيم ومن تلك رقعة مكتوب [illegible] الى الله [illegible] التوكل على الله

وفي حبيبه [illegible] وان تقل الى دار البلاء [illegible] آدم [illegible] الحكمة لما [illegible]

ما لعيش [illegible] ومحبوب ولكن [illegible] التعليل وليس لا [illegible] الاحمق لا يجد لذة الحكمة [illegible]

ما خلقته فلغيرك [illegible] العلم بالعلم [illegible] الناس في قوام [illegible]

القناعة [illegible] الخلق والتدبير [illegible] الحكمة اتقان [illegible] كان محتاجا الى الناس [illegible] العلاقة

الحكمة الاطلاع على الاسرار [illegible] النفس [illegible] المقامات والعقول التي [illegible] الوهم والخيال [illegible]

صاحب الزكاة [illegible] الاحوال لاحد [illegible] نتائج الفكر [illegible] وقيل ما يسلم [illegible] الثواب

لا من المكاسب [illegible] فانها [illegible] والكافر [illegible] بلا سبب

يكون التوكل طلب [illegible]

التوكل

[illegible] الاشياء [illegible]

التوكل في زمان [illegible] الانزعاج عند [illegible] نفسه

سكون القلب عند عدم الاضطراب [illegible] في وكله [illegible] القوة [illegible]

الغيب [illegible] التوكل نفي [illegible] الاحوال [illegible] الى [illegible] عن حاله

[illegible] التوكل هو الاعتصام بالله والانخلاع [illegible] وصل الى [illegible] التوكل عن [illegible]

في مواطن الاسباب [illegible] التوكل ترك [illegible] النفس [illegible] التوكل [illegible] الاضطراب

عدم الاسباب [illegible] التوكل [illegible] قطع الاسباب [illegible] النفس [illegible] قيل [illegible] مسبب و

مع توكله في غيره [illegible] التوكل حال النفس [illegible] يكون بالاضطراب [illegible] صفة الموت

التوكل قطع الاسباب [illegible] التوكل [illegible] ويكون [illegible] التوكل لتسليم

يكون الحق [illegible] هو المتوكل لذلك [illegible] اضطراب [illegible] الاضطراب [illegible] بالكلية والتسليم

[illegible] التوكل [illegible] ويكون بالله [illegible] عدم الاعتماد على الاسباب [illegible]

فلا يمكن [illegible] ان يكون الا بغيره [illegible] التوكل عدم [illegible] اشارة واوضح

الى الله [illegible] خاص [illegible] الخاص [illegible] التفويض [illegible] الطف [illegible] عين

التسليم صفة الخواص والتفويض [illegible] صفة [illegible] الاسباب [illegible] التفويض [illegible] وقوعه وبعده [illegible]

توكيل الحق تعالى في اموره [illegible] التفويض [illegible] والتفويض [illegible] قبل [illegible] التسليم

فالتوكل فان التوكل مع وجود الاسباب [illegible] التفويض [illegible] وسويداء [illegible]

من التوكل [illegible] بين التوكل وقطع دائرة التفويض [illegible] والتسليم توكيل العبد مولاه

الاستسلام [illegible] التوكل عدم الاعتماد على الاسباب [illegible] التفويض [illegible]

الثقة الاعتماد على الله بالكلية [illegible] التوكل طلب [illegible] الاسباب [illegible] من الله دون العبد

في اموره والتفويض ترك [illegible] الخ [illegible] بالطبع [illegible] التوكل [illegible]

من الحيلة [illegible] الثقة [illegible] مالا بد منه التسليم [illegible] اكمل الاحوال [illegible] وقفاء

فلا يتغير ان يطلع على ذلك الراحد [illegible] التوكل الثقة

الا التوكل فانه وجد [illegible] في يد الله والناس [illegible] في

[illegible]

فصل الاول في ...
في ... والمواعظ المروية عن الطاهرين عليهم السلام
فيما ورد عن رسول الله صلى الله عليه وآله ان الله عز وجل قسم الخلق قسمين فجعلني في خيرهما قسماً وذلك قوله عز وجل واصحاب اليمين واصحاب الشمال وانا من اصحاب اليمين وانا خير اصحاب اليمين ثم جعل القسمين اثلاثاً فجعلني في خيرها ثلثاً وذلك قوله عز وجل فاصحاب الميمنة ما اصحاب الميمنة واصحاب المشئمة ما اصحاب المشئمة والسابقون السابقون وانا من السابقين وانا خير السابقين ثم جعل الاثلاث قبايل فجعلني في خيرها قبيلة وذلك قوله عز وجل وجعلناكم شعوباً وقبايل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم فانا اتقى ولد آدم واكرمهم على الله ولا فخر ثم جعل القبايل بيوتاً فجعلني في خيرها بيتاً وذلك قوله عز وجل انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيراً
اخبرنا ... عن ابي هريرة رحمه الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله خصلتان لا تجتمعان ... فيهما احد ... فانه ... صلوة ... وقال صلى الله عليه وآله غريبتان فاحتملوهما كلمة حكمة من سفيه فاقبلوها وكلمة سفه من حكيم فاغفروها وقال صلى الله عليه وآله صنفان من امتي اذا صلحا صلحت امتي واذا فسدا فسدت امتي قيل يا رسول الله ومن هما قال الفقهاء والامراء وقال رسول الله صلى الله عليه وآله ان الجنة ليوجد ريحها من ...

بالكره

٦٣

خصلتان ... عاق والديه ... قيل يا رسول الله ... وما الدنيا ... في الدنيا ...
وقال صلى الله عليه وآله يهرم ابن آدم ويشب منه اثنتان الحرص والامل ...
وقال صلى الله عليه وآله لا يجتمع الشح والايمان في قلب عبد ابداً وقال صلى الله عليه وآله خصلتان لا تجتمعان في مسلم البخل وسوء الخلق وقال صلى الله عليه وآله اقتصدوا ...
ورووا انه ما اجتمع عند رسول الله صلى الله عليه وآله ... قيل ... وقال صلى الله عليه وآله في قوله تعالى مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان قال علي وفاطمة يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان الحسن والحسين ...
وعن انس عن النبي صلى الله عليه وآله ... وقال صلى الله عليه وآله الناس اثنان عالم ومتعلم والباقي همج ... وقال صلى الله عليه وآله اياك ومصاحبة الكذاب فانه يقرب لك البعيد ويبعد عليك القريب وقال صلى الله عليه وآله التواضع مع المتكبرين صدقة ...
قال صلى الله عليه وآله الا ان شر الشر شرار العلماء وان خير الخير خيار العلماء

قال امير المؤمنين عليه السلام [illegible] ولا ادب [illegible] الشهادة والعافية [illegible] الذل سجن

[illegible] والعز [illegible] والمعصية [illegible] والحرص [illegible] الشقاوة قال [illegible]

لا تجعلن اكثر شغلك باهلك وولدك فان يكن اهلك وولدك اولياء الله فان الله لا يضيع اولياءه وان يكونوا اعداء الله فما همك وشغلك باعداء الله

وقال عليه السلام لابنه الحسن ع يا بني لا تخلفن وراءك شيئا [illegible] فانك تخلفه لاحد رجلين اما رجل عمل فيه بطاعة الله فسعد بما شقيت به واما رجل عمل فيه بمعصية الله فكنت عونا له على معصيته وليس احد هذين حقيقا ان تؤثره على نفسك

وقال عليه السلام العقل عقلان مطبوع ومسموع ولا ينفع مسموع اذا لم يكن مطبوع كما لا تنفع الشمس وضوء العين ممنوع

وقال عليه السلام [illegible] بعض الكلام [illegible]

[illegible] العلم علمان علم مطبوع وعلم مسموع [illegible]

[illegible] الرأس [illegible] والعقل [illegible] التجارب [illegible] ان نخاطب الناس على قدر عقولهم [illegible]

روى ابن بابويه في الخصال بسنده عن ابي عبد الله عليه السلام [illegible] امير المؤمنين [illegible] يا [illegible] عرفت ربك

قال بعض الحكماء [illegible] النوم [illegible] فخالف القضاء [illegible]

[illegible] عن ابي عبد الله [illegible]

[illegible] الرزق [illegible] وقال [illegible]

[illegible] العافية والشباب [illegible] الفقر [illegible]

[illegible] الشيخ [illegible] الحلم [illegible]

[illegible] صديقا لغيره [illegible]

قيل لاعرابي كان يطيل السكوت [illegible] الخطأ في الكلام [illegible]

[illegible] قيل لابن عيسى [illegible] ضلال [illegible]

[illegible] الاهواء والآراء [illegible]

لقوله تعالى ... فقال احوال

رب بما اغويتني [illegible] لنفسه [illegible] العز [illegible]

وآدم [illegible] الغواية [illegible] اختار [illegible] يمكن [illegible]

ربنا ظلمنا انفسنا الاية [illegible] والقارئ [illegible] المستمع [illegible] يعرفه

محكمه الله [illegible] المتعلم [illegible] وخلقت على الجليل [illegible] الاتباع

كان ابو الدرداء [illegible] يقول العالم والمتعلم [illegible] الدنيا [illegible] افلح

والدال على الخير كفاعله [illegible] اضيق عليك [illegible] العلوم [illegible] الله

صغر [illegible] متحابين [illegible] داود [illegible] احياء العلوم

[illegible] الاطباء [illegible] العلوم [illegible] احدها [illegible] فالاول

القلب [illegible] العلوم [illegible] طرق التفكر [illegible] يفتح اليه [illegible]

العيث والمطالعة والتجربة [illegible] القلب الحوض [illegible] وادا [illegible]

العلماء والثاني طرق الاولياء [illegible] كان [illegible] والكمال والارواح

فيه الماء [illegible] القلب العين [illegible] الذوق [illegible] طريق العلماء

نقض كذا [illegible] الصوت وكذا الشم [illegible] مملوا [illegible]

[illegible] طرق الاولياء [illegible] لا يفتح اليه [illegible]

حتى ينبع الماء [illegible]

نقصان [illegible]

قال عليه [illegible] تقطع

ع ابن الحسين [illegible] والارادة [illegible] الفارق

الدنيا [illegible] اضغاث احلام [illegible] وطلب العلم [illegible] طلب اللب [illegible] العلم [illegible] السماء

ونحن بينهما اضغاث [illegible] كل [illegible] اصلاح دنياه [illegible] قال [illegible] وارفع ولا

خصلتان [illegible] وطلب اللب [illegible] اصلاح [illegible] البغض [illegible] ربع

طلب العلم [illegible] الشمس [illegible] قدم

لم يطلب [illegible] يقول الناس لصاحب [illegible] الرجال لا [illegible] عليه

رضي الله عنه [illegible] يقول [illegible] صفوه [illegible] قال

وجمع [illegible] التهجد [illegible] الناس [illegible] غضب [illegible] الفرق

يكل بدنه [illegible] الفضل عند الناس [illegible] وان حضر [illegible] العبادة

والايثال [illegible] فضل الثالث [illegible] الاطلاع

الوضوء [illegible] تقطع الصلوة [illegible] العجب [illegible] الرياء [illegible] والتاخر [illegible] والقراءة

التمهيد الاول [illegible] الفرق بين الرياء والعجب [illegible] الفرق بين [illegible] والزيادة

[illegible] الرياء لا [illegible] التقديم [illegible] يتعلق بالبدن [illegible] بالعقل

[illegible] والتاخر [illegible] جمع [illegible] ان

[illegible] يتعلق بالمال [illegible] الفرق بين [illegible] والخشوع

ان الرياء [illegible] الفرق بين [illegible] جمع [illegible] يعقل [illegible] البدن [illegible]

الفرق بين [illegible] الله والاكرام

الله والرتبة ان الرتبة اجلال العزة الفرق بين العلم

بحد ما جاء به النص والرتبة ان الظهور دال العز عندهما فقدان المعلول والقدرة

الفرق بين الظهور والبيان ان الحافظ والسبب ان [illegible] والبيان في العقل والمعلول

عن المدركة فاضة دون الحافظ فقدان العلم الضروري والنسيان مع حصتها عن العقل المستفادات

النسيان بجوار الهوى فقدان الفرق بين الهوى والشهوة مع تختص قبل النعت

بين الهوى والنسيان ان الهوى او كسبيا الفرق بين الاعتقادات والشهوة الفرق بين

مطلق ضرورة كان او كسبيا بالآراء والاعتقادات عسم [illegible] مثل وجوده والذم

في الدلالة والدليل بجوار الهوى تختص والهوى اخص مثل الاول واقع على المدح والذم

فصار الشهوة في نتائج الهوى والنعت فاص يكون الاول وانه يجوز ان يزول عن صاحبه

والصفة بجوار الصفة عام والنعت والصفة ان النعت يكون لتعلم وهذا الانوار

وانها لا تقع الا على الاول الفرق بين النعت والصفة و كذا الجهل بالتعلم والقصر

كالعلم والجهل فان العلم يجوز ان يزول عن الرجل بنسيان كالطويل والقصير

اطلاقه على الله تعالى لان صفاته لا تزول والصفة لا يجوز ان تزول عنه المتحيز متميز

الفرق بين الركام والنزلة ان السيلان المنحدر من الراس ليس ان تنزل في اول

زكام وان النصب الى الصدر والرئة تسمى نزلة وقالت الاطباء في اخر

النزلة قصد وفي آخر النزلة جامع نزلتها بتعب جوابها نعم بمعنى الاقرار الاول

الفرق بين نعم وبلى قيل نعم جواب نفي ودليل جواب نعم الاقرار

الذي ليس فيه نفي لسؤال الذي فيه نفي

وبيان وبلى

ان قيل لك بل جاء زيد واذا قيل الم جل

زيد جوابه بمعنى الاقرار نعم واذا قيل الم قال الله تعالى فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم ويقول الرجل اقرار الكلام قلت

زيد جوابه بمعنى الاقرار وقال الله تعالى الم [illegible] فالوا بلى ونعم لاقول اقرار الكلام قال

بانك زيد فالوا نعم وقال [illegible] بي كان اقرارا وان قال نعم [illegible] قال الست بربكم قالوا بلى

وعد ربكم حقا قالوا نعم فان قال بلى كان اقرارا وان قال لك قالوا بلى كان مؤمنا وان قال

اليس لي عليك الف درهم فان قال المنفي وبلى معناه الرجوع فان قال لك

وفي اول الفصل فقال اقرار الذي كلام الله تعالى الست بربكم قالوا بلى لا نعم

بلى كنت مؤمنا وان قلت نعم كنت كافرا فالاسراف صرف الشيء فيما ينبغي زائدا على ما

نعم كان كافرا الفرق بين الاسراف والتبذير ان الاسراف تقتضي نفي الاثنينية

بمعنى والتبذير صرف الشيء فيما لا ينبغي الفرق بين الواحد والاحد ان الواحد تقتضي نفي

بالنسبة الى الذات والاحد يقتضي نفي التركيب بالنسبة الى الصفات الفرق بين الواجب والفرض

ان الواجب يتعلق بالعقل والفرض يتعلق بالشرع الفرق بين الصفات والكيفيات ان

الكيفيات تتعلق بالصفات والهيئات تتعلق بالذات الفرق بين الهيئات والكيفيات

بجواز الفعل يظهر في الغير الفرق بين الفعل والانفعال

ان الفعل يظهر النفس والفعل يظهر في الغير الفرق بين الواجب المطلق والواجب

المشروط ان الواجب المطلق هو ما لا يتوقف وجوبه الى حصول سبب كالصلاة والزكاة

المشروط ما يتوقف وجوبه آخر عند افتتاح كالزكاة

الفرق بين الآداب والوجوب لان

الغايات والمضروب

تفسير الغايات

خرجه تمام ... [illegible]

ويمان

هو اثر
الضرب . مضروب . فالغفار يغضب . والاثر
هو المورث فيه الضرب . والغضب فانه يغضب . الاثر وهو ان الله تعالى
اسم مشتق لذات وهو حصول الاثر . والكتاب الوجه
معناه هو التاثير والوجوب . فالاول يقال له الادراك . حول مستوفى تبرد وجلاف . فاما
اوجب عليه شيئا وجب . العزم ان العزم لا يعلم التردد فيلك عزم او . اولا لعده
الفرق ان النية . والعزم . والارادة ان الارادة تقول مطلق . تسمل الالدين بعض احكام الفرق
النية فانه لا يشترط فيها ولك فطر ان ارادة . تقول . النعماء . ومثال ذلك
مقارنة فيلك . ما بطن منها فهو النعماء . والفهم الالاوه وهم طوع الطعام
بين الالاء والنعماء فيقال كما ظهر فهو الالاء وما بطن فهو النعماء ولم يكن له قوة
الالاوه وقوة البيت نعماوه والوصل الالاوه وان كان للعبيد حلال ويكونوا نعماوه
نعماوه والرحلين الالاوه والمنسب نعماوه ونظام الالاء وكلاف اعطاق
وقد اعطى الالاء ولم يعط النعماء والعوق . الاستان بكل افراده الكتب
الفرق بين النبي والرسول ان الرسول هو الذي ... العام لا يدخل ... واخريه فكل
فانه لوادله وقيل يجعل له الاثبات . ثم تبليغ ما نسب ... خاتم
الخبر فعيل بمعنى مفعول والرسول هو لا يوحى اللهم صل على محمد وآله النبيين
رسول نبي وليس كل نبي رسولا . خاتم النبيين ... بالكرم
والفرق في

بالنبيين و اقتداء
بالحسب من ابيه نبيين وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
كون الحاكم بينه لاثبت وربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقال
حسنة ويوالاوه حسنة روي عن الصادق ع ان الحسنة في الدنيا المرأة الصالحة وفي الآخرة
شيئان طيب المعاش وحسن الخلق وفي الآخرة الجنة وعنه ع وحسنة في الآخرة رضوان الله
... والعبادة والدنيا والآخرة فانهما لا اذا اوقعتا مثلا يقول وقضيت والا
احسن ... العلم والعبادة في الدنيا ... فقضيت ... فاذا امتثلا تبتليه
الجنة في الفصل ... ادم ... يقول ... الله حسنات فاكتم عليكم سيان
فيه مسكين مسكين مع ... الاوفق ... حمرة وطيبة ... تقبل ... حكاية الامع
فهو ابدا من ... تقبل ... فلاجنبية ... القضاعة ... بعض الوجوه لانه كان لا بد ... فقد تم القدر
في فضائل الدعوة ... لا يتبع لاحد ... بعدها قال ... في تاويل ... ليس ... العلم
رب احيني مسكينا ... مع المساكين ... وان كان قليلا قال رسول الله ص العلم علمان
المساكين ويقول مسكين مع المساكين ... النفس ... خضر وان كان ... وقال ع حصلتان
حسنا قال ... صاحبه وعلم بالقلب وهو النافع على ... عملت ... منهما الترك
علم بالبدن وهو حجة على صاحبه . وانفع للمسلمين وحصلتان لا اثر اخبث منهما
لا تر رفض ... الاعمال بالله ... والتعلق ... يحشر ... المتطبب القراء
بالله والاعتراف للمسلمين ... الرشد وكان ... الطب والعلم
بحذاء الرشد وكان ... الواقد ليس في كتابكم من علم الطب ... وعلم الاديان
علم الابدان وعلم الاديان

فقال له قد جمع الله تعالى الطب في نصف آية من كتابه وهي قوله

عز وجل وكلوا واشربوا ولا تسرفوا فقال العراقي ولا يؤثر عن رسولكم شيء في

الطب فقال قد جمع رسولنا صلى الله عليه وسلم الطب في كلمات يسيرة وهي قوله

المعدة بيت الداء والحمية رأس كل دواء واعط كل بدن ما عودته فقال العراقي ما

ترك كتابكم ولا نبيكم لجالينوس طبا قال بعض العارفين ان الحمية والجوع

النفس ... تغذيه الا ... ان الخبث [illegible] ... وقول ... عليه السلام

والشيء مطرود عن الباب والحدث ... عن باب ... قال الحسن عليه السلام

يحرم عليه مس كتابه مع ان الجنابة ... اكبر النفس قبل الطعام

قذر الحرام وخبث الشهوات لا يوم ... والرب ... وقال عم غسل اليدين قبل الطعام

وغسل الحرام فائدة الرب ... قال بعض ... التي ... قبل الطعام ينفي الفقر وبعده

يقال ... ينفي اللمم ... قال الحسن البصري قبل ... ان رجلا جلس في ... ما يأكل الاول

ينفي الفقر وبعده ... فاتق ... يقف بابه ... يرجع اليه ... فتزوجت بعده

الدراهم لا ينفعانك ... وقف ... روجته ... فتزوجت ... ودجاجة ... واذا

زوجته ... ودجاجة ... اخرج الرجل ... ويقال الرجل لزوجته

بعد ذلك ان الرجل ... بعض الايام ياكل معها وما ... ايتها ... يقال الرجل لزوجته

رجل ... ارفع ... هذه الدجاجة

فرجعت

بها اليه فاذا هو زوجها ... رجعت

الاول قد وقعت اليه الدجاجة ... فاخرجت ... ان زوجها

ومن ... في ... ان ... الدين ... ذلك ... والتوفيق

كان ... وذلك ... الدين ... والمرجع

فقال ... ليس ... المؤمن ... جاء ... رسول الله

وفيما ... الكفاية ... قال ... فقام ... الابرار

فصل في الحب في الله والبغض في الله

ان الله ... وقال ... وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ... قبل

وعن ... فقال انا منهم فقال ... قال رسول الله ... ويقول ... يحب

فقال ... فقال ان الله ... جبريل ... السلام ... عليه السلام ... وقال على

يده ... رسول الله ... وقال ... حب ... الله ... وسلم

رجل ... وقال ... وقال ... على ... الله ... وقال على

عليها ... ولا ... معصية ... وقال ... حب ... الله

طاعته ... معصية ... وقال ... وقال ... على

سلم الله ... حب الله ... عباده ... وبغضه ... لو ...

الايمان ... رسول الله

وهو ع قسيم النار والجنة

وقال ص يا حذيفة ان حجة الله عليكم بعدي علي بن ابي طالب الكفر به كفر بالله
والشرك به شرك بالله والشك فيه شك في الله والالحاد فيه الحاد في الله
والانكار له انكار لله والايمان به ايمان بالله لانه اخو رسول الله
ووصيه وامام امته ومولاهم وهو حبل الله المتين وعروته الوثقى التي لا انفصام لها
وسيهلك فيه اثنان ولا ذنب له محب غال ومقصر قال يا حذيفة لا تفارقن عليا
فتفارقني ولا تخالفن عليا فتخالفني ان عليا مني وانا منه من اسخطه فقد اسخطني ومن
ارضاه فقد ارضاني وقال ص ان الله تبارك وتعالى جعل لاخي علي بن ابي طالب
فضائل لا تحصى عددا غيره فمن ذكر فضيلة من فضائله مقرا بها غفر الله له ما تقدم
من ذنبه وما تاخر ولو وافى يوم القيامة بذنوب الثقلين ومن كتب فضيلة من فضائل
علي بن ابي طالب ع لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقي لتلك الكتابة رسم
ومن استمع الى فضيلة من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع
ومن نظر الى كتاب في فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر وقال ص
النظر الى علي بن ابي طالب عبادة وذكره عبادة ولا يقبل ايمان عبد
الا بولايته والبراءة من اعدائه نقل عن ابن عباس قال اجتمع في
علي بن ابي طالب ع من فضائل لم تجتمع في غيره الا نادرا اجتمع فيه
العلم والعمل بالكمال وقيل ما يكون العالم عاملا واجتمع فيه الفقر
والسخاء

وقيل ما يكون الفقير سخيا و بالكمال
اجتمع فيه الشجاعة ورقة القلب واجتمع فيه الزهد و
وقيل ما يكون الشجاع رقيق القلب وقيل ما يكون الشجاع رقيق القلب
وحسن الخلق بالغضب وقيل ما يكون الحسيب متواضعا فصل في حكم
اجتمع فيه الحسب والتواضع العقل والاذكار وذم الحمق وما اشتهر فيه
في كتابه ومواضع وقد ضرب الله سبحانه الامثال واوضحها وبين انه في
كتابه ومنزل خطابه ويتكلم الليل والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره ان في
ذلك لايات لقوم يعقلون وورد عنه ص اول ما خلق الله العقل فقال له
اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزتي وجلالي ما خلقت خلقا
احب الي منك بك آخذ وبك اعطي وبك اثيب وبك اعاقب واعلم ان العقل
ينقسم الى قسمين قسم لا يقبل الزيادة والنقصان وقسم يقبلهما اما الاول
فهو العقل الغريزي المشترك بين العقلاء واما الثاني فهو العقل التجربي المكتسب
يحصل زيادته بكثرة التجارب والوقايع وما عقب ولهذا قيل ان صاحب التجارب
اكثر عقلا واتم دراية وان صاحب التجارب اكثر عقلا ويفيض عليه
وقد يحصل للعبد بالطاعة من فيض رحمته ونوا فيزداد عقله
ودرايته

فيصيبها ... التجارب والآداب عليهم السلام

رأي في ذلك ... فنقول السعادة

ويدل على ذلك قصة ... كتابه العزيز حيث ... بالقوة ... وفطنة ... وان كان

فيما اخبر الله به في محكم ... من سبقت له ... ان الله ... وكلم ... الاصابة ... داود

اتيناه الحكم صبيا ... والفطنة قلبه ... حيث ... داود

ربانية ... فان ... داود عليه السلام ... وقصة سليمان ... الى ... جلت

السن وقليل التجربة ... في ذلك فما نقله المفسرون ... احدهما الى ... داود

في امر الغنم والحرث ... قيمة ... سليمان

احدهما صاحب غنم والاخر صاحب ... ولم ... عنده ... مراعي ... سليمان

غنمه في الليل الى الحرث ... بعض ... احد ... فعادا

الغنم لصاحب الحرث ... فقال غيرهذا ارفق بالفريقين

وكان ... ذلك ... فقال داود ... الحرث

حكم ... سليمان ... صاحب الحرث

الى داود ... فقال سليمان ... تسلم الغنم الى المفسدين و

هو الارفق بالفريقين ... ويأخذ منها

وكان الحرث ... صاحب الكرم الاغنام ... ويقطع ... ونسلم الكرم

الى صاحب

الاغنام الى ... الكرم ... فقال له

فاذا عاد ... الغنم الى ... وصورته ... بكثرة

الى كانت ... كما قال سليمان ... القصة ... الوارث

الغنم الى صاحبها ... الآية قوية ... الدراية ... الى ... ع

داود ... في الحكمة ... في الوقت ... التجارب ... قال

وداود وسليمان ... جعلت ... بعناية ربانية ... العقل ... الاملاك و

التجربة وطول المدة ... الامور ... العقل ... منها ... اوليائه

وقلب ... رجل ... متعددة ... وكم

حصول كمال العقل في الرجل ... الموصوف ... وكلام

خصائص ... رجل ... فقال ... كتابه

اعراضه عن رذائل الاعمال ... عنوان ... فقد

سوء الشيمة ... وقيل العقل ... رسوله ... ابدا

الحكمة ... قال ... رتبة ... الدار ... تباين

ربانيه فيه ... نفسه ... وقالوا العاقل الذي ... العقل ... واحدة ... فاذا

قال رسوله ... مقام ... صاحبه ... الاجر ... العقل ... فيه

باعمال فيها ... فنفس ... الجنة ... عبيدة ... العقل ... النهاية

وقال رسول الله ... الناس ... ضعف ... القيام ... فقال هذا كلام

وقيل لكل [illegible] العقل [illegible]

زيادة وحد الا ان الناس تفاوتوا فيه واختلف العلماء في [illegible] كالنور

لا غاية له ولا حد في الابراج [illegible] في القلب [illegible] الامور

فيه تفاوت الازهار وضعه الله [illegible] بالرضى فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى

في ناحية فقال قوم هو نور [illegible] ويعود [illegible] بصر القلب قال الله تعالى فانها [illegible]

في العين وهو [illegible] يتفصل [illegible] في القلب وهو قول ابي حنيفة ومن [illegible]

والعين [illegible] العقل [illegible] وقيل محل العقل الدماغ [illegible] يعقلون بها وقوله تعالى ان في

لذلك [illegible] في الصدور [illegible] فتكون لهم قلوب [illegible] ايات [illegible]

ولكن تعمى القلوب التي في الصدور واستدلوا بقوله تعالى [illegible] العقل ولذلك [illegible] العقل

القلب كما روى [illegible] وقيل التجربة مرآة العقل [illegible] قال الله تعالى [illegible] ان

لذكرى لمن كان له قلب [illegible] ولا يطيش مع الحلم سهم ولا يسقط [illegible] اذا عقلك عقلك

قالوا المشايخ اشجار الوقار ولا يطيش مع الحلم سهم قال عامر بن عبد قيس

زين لاهله [illegible] العقل طول التجارب وقالوا الاشرف العقل ولا عن [illegible] الناس

عما لا يعنيك فانت عاقل ويقال لا شرف الا [illegible] [illegible] وقالوا العاقل

وقيل يعيش العاقل بعقله حيث كان كما يعيش الاسد بقوته [illegible] حيث كان

لا يخطره [illegible] كالجبل لا يتزعزع وان اشتدت عليه الريح والجاهل يخطره ادنى

منزلة كالحشيش يحركه ادنى ريح وقيل العاقل [illegible] صفة العاقل قال ارسطو

يرفع الشيء موضعه [illegible] اربعة تحتاج الى اربعة الحسب الى الادب والسرور

الى الامن والقرابة الى المودة والعقل الى التجربة وقال انوشروان اربعة تؤدي الى اربعة العقل الى

الرياسة والراي الى

والعلم

والعلم الى [illegible] التوقير

والحلم الى [illegible] وقيل [illegible] العاقل [illegible]

الصدر [illegible] وقيل افضل العقل معرفة العاقل بعقله [illegible] وقيل للعاقل [illegible]

وقيل [illegible] اعجب [illegible] عقله [illegible] امراة [illegible] لعاقل [illegible]

نفس [illegible] العقول [illegible] العاقل ان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وليس

وهو [illegible] [illegible] وقيل لا [illegible] العاقل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] المرزوق [illegible] ولا يثق بخليل [illegible] العقل [illegible] الخوف [illegible] منظر

ولاطعاما [illegible] ولا [illegible] الحياء الا [illegible] [illegible] وتسبيح [illegible] [illegible]

احيا [illegible] الخوف قال الحياء [illegible] عليه وملاحة [illegible] [illegible] ان

في الدلالة [illegible] عقل [illegible] الاعتراف [illegible] وقد قال الاصمعي [illegible]

يد [illegible] [illegible] منقبض [illegible] عنده [illegible] الرحمن الرحيم [illegible]

حسن [illegible] فاوه [illegible] [illegible] الوليد [illegible] عنه

اختبر عقله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وكثرة [illegible] الفضل وقدر

عرارة [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قيل ان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] عقلاء العالم [illegible] [illegible] [illegible]

معونة القاضي [illegible] الا [illegible] [illegible] [illegible] صدق

طرق [illegible] الوقائع [illegible] العقل الراجح

والعكس فوائد

القاضي اياس كان من [illegible] الناس الا انه [illegible] عنده ذلك

رجل مشهور بين الناس ان رجلا اراد ان يحج فاودع عند [illegible] فلما عاد [illegible] فجحد لا

فاتى الى رجل [illegible] فيه [illegible] الذهب ثم حج [illegible] وجده فجاء الى القاضي فقال [illegible] بعد

الرجل الامين كيسا فيه [illegible] منه فانكره [illegible] احدا بذلك غير [illegible] ثم عد

الرجل رجل وطلب [illegible] القاضي بل اخبرت احدا [illegible] انصرف [illegible] اموال كثيرة ورا

جاء [illegible] ذلك [illegible] القصه فقال [illegible] له قد حصل عندي رجل وحضر [illegible]

واياس وقص عليه [illegible] الرجل المودع فقال [illegible] فقص ذلك [illegible] قال [illegible]

ثم [illegible] القاضي [illegible] فاذهب وطلب منه [illegible] كيسه [illegible] اليه ودفع [illegible]

ان اودعها عندك [illegible] احضل الاحضل [illegible] عنده فلما جاء [illegible] القاضي

الوديعة فقال [illegible] القاضي [illegible] الرجل المستودع جاء الى [illegible] عقله

فقال له [illegible] القاضي [illegible] ان ذلك [illegible] وكان [illegible] حيلة [illegible] فقالوا الا ان

فجاء الى القاضي [illegible] خلفت الروم واجتمعت [illegible] ودلوا [illegible] ذلك

طامعا في تسليم المال [illegible] القاضي [illegible] الخلفاء [illegible] منهم والوثبة عليهم [illegible] رجل منهم

وصحة فكره ولما [illegible] بعض [illegible] بعض فتمكنت الفتنة منهم [illegible] فقال رجل [illegible] الراي [illegible]

يشتغل الملوك [illegible] المناظرات واجمعوا [illegible] فقالوا [illegible] الخصم [illegible] قال [illegible] ذلك

[illegible] ذوات [illegible] العقول والاراء [illegible] فلما اخبروه [illegible] عليه [illegible]

صوابا [illegible] عليه ذلك

نقل

11

[illegible]

نقل عن [illegible] ان الله

[illegible] صبح [illegible] وقالوا [illegible] عليه [illegible]

فلما اصبح [illegible] اليوم [illegible] شطين [illegible] عظيمين [illegible] اذا [illegible]

ان [illegible] باحضار [illegible] اثنين وسلم على [illegible] واثنا [illegible] الكلبين [illegible] فقلاه

وطلبه [illegible] كل واحد منهما على الآخر [illegible] عنده وارسل على الكلبين [illegible] على [illegible] الا

عنده وفي [illegible] فلما بلغ الغاية [illegible] كانا عليه [illegible] الذئب [illegible] مع الكلاب [illegible] منهم

دابة [illegible] فلما [illegible] فقال [illegible] عليه [illegible] وتركوا العداوة [illegible] واما

عنده [illegible] فقال [illegible] تكلم على السلاطين [illegible] عدو [illegible] صفة العقلاء [illegible]

فاقبل الرجل على [illegible] غيرهم فاذا ظفر لهم عدو [illegible] او اكثر [illegible]

بين السلاطين [illegible] يستحسنوا قوله [illegible] ماخوذة [illegible] السوق [illegible] لا ينفع [illegible]

وبالقوا على العدو [illegible] قال ابن الاعرابي الحماقة [illegible] الامور اليه والحمق [illegible] تعالى

ذم الاحمق [illegible] والا [illegible] قال رسول الله الاحمق [illegible] البغض الخلق الا الله

[illegible] العقل والرأي [illegible] الموت [illegible] يستدل على صفة الاحمق [illegible] العورة

الحيلة [illegible] الاشياء اليه [illegible] العقل [illegible] قيل [illegible] قيل

[illegible] الدماغ [illegible] طول اللحية [illegible] قيل [illegible] و

بطول اللحية لان [illegible] الافعال [illegible] في العواقب

عقله فهو احمق واما صفته [illegible] حيث [illegible] الكلام [illegible] الجواب

[illegible] العجب وكثرة [illegible] والخلو من العلم و

ثقته [illegible] المعرفة [illegible] الالتفات و [illegible] الخفة و [illegible]

[illegible] العجلة و [illegible] والظلم

تقنوط نوميدى

اعيا برج اد [illegible]

والغفلة ان
والشهود والخيلاء وان
استغرق بعضها وان اقتنع قنط وان الح
فحش وان فشل بخل وان بطر صعب ان تكبر فلا تعاد
فاذا لم يحسن وان قيل لم يعقد وان تكلم يصير الباطل فان كان
يحسن اقلاعنه باحده بحصال فوحد اياها في الارض والالة فابا الاحمق من الاخرى فيعاتب

فانه بين يدي الجمة
يكون صنع و لها قلنا عن الاحمق جواب فقال بعض الحكماء الاحمق مع محرق قطع
يعرف العاقل من الاحمق جوابه و يمتنع على الجاهل فان الطريق يقطع الحبل
ولم يتبين الا ان السكوت عن الاحمق جوابه و تمت على الدين وقد وقع فى الاداء
وصلاحه ان الحمال و الطريق وقال احدهما الله و ولحبه و ورا ما ومن و دانا قال كما
فقال احدهما انا امتنع قطايع غنم ارتفع عليها ولحم ومن اشتهيت منها وقالت
انا اتمنى قطايع زنا ب عليها عسل بكل حبه والتمنت المصوب كان عليه
من تحقيق الحجة و وحشة الغش وقطعا كانا وكانا وكانا عشيها وقطع شيخ العقل
بالاطراف و فينا با دل من يطلع عليهما يكون كانا عليهما وقتها حتى سأل العقل
زقين فيهما فحسل فحداه يجده تنبها فقتل بالدين العقل وتكونا الى جمعين
على الراب ثم قال صب الدم وسلسل هذا العقل ان لم تكونا الى السماء
وعن جابر بن عبد الله رفعه قال كان رجل تعبد في صومعته فامطرت السماء فقال يا رب
واعشبت الارض فرأى حماره يرعى في ذلك العشب فقال يا رب
لو كان لك حمار لرعيته مع حماري فبلغ ذلك
بعض الانبياء فهم
ان يدعو عليه

فاذا

فان قيل فانه عن الله تعالى
الذى لا يرى لا يفعل الله
الله عليه وعلى قدر ما يعقل يقيم
ايجابا فان العقل يعقل به ويعقل واخرى يعبر امره
فلان ذو حق و اخرى
باب الفرار الى الله عز وجل في الحديث
هو الذي خلقكم من طين ان الانسان
مخلوق من الطين والنطفة وهما متولدان
من الدم والدم انما يتولد من الاغذية والاغذية
ما يجب حسن الله عليه
اما حيوانية واما نباتية فان كانت حيوانية فالحال
في تولد ذلك الحيوان كالحال في تولد الانسان فينبغي ان
تكون نباتية فالانسان مخلوق من الاغذية النباتية وذلك
انها متولدة من الطين فيكون هو ايضا متولدا من الطين

ذكروا ان من التحصيل بقيم اعجب من شىء يشكل ان يقال وجه
التمام و بعد يوم و من لا يعلم الا الكون
يقدم الحمول والشيء يا الملك ابن الدار في القسمة وان ذكره بالاول
وذكر ابن الحديد في كتابه المسمى بالفلك واحد فان يوم ولد اسد و زيد اسد او دنيا من
بيان في هذا و يقول ان العرش حجاز وكواكب ان ثبت اسد و العقل مع بين
عند الله كان الله فالذى ان عليه الرجل الشجاع وقيل وبين
الحيوان المقدس وبا لبان في انه كان الكامل ومن يعرف وبالادلة ودون العقول
عقل غريزي وعقل ادبي وجمعها كان عقل الطبيعة وعقل التجربة وكلاهما يؤدي الى
الجميع والعقل الغافر ان عقل الطبيعة ان اد الفضل فادب
المنفعة والادب ايضا ان ادب النفس وادب الدرس ارف النفس
النفس اشرف من ادب الدرس
على الجبدلان ادب النفس لا
ادب الدرس

نفع ولا تضر الذي لا عقل له فلا غنيمة [illegible] والدنيا

وادب يكون عقله [illegible] الفقر [illegible]

النفس فليس [illegible] تجارب [illegible]

تجارب [illegible] وقيل العاقل يحرس نفسه عاله

والعقل وما يجيب [illegible] والجاهل يحرس ماله بنفسه

وقيل الرجال رجلان عاقل وجاهل [illegible] واذا [illegible]

فاجهد فالعاقل ان سئل وعلم اجاب [illegible] مستغنيا [illegible]

اجاب بالصواب وان لم يعرف الجواب قال ان سئل [illegible] اجاب الصواب

احسن الجواب والجاهل [illegible] اصاب

اعتزافا [illegible] وقيل له انصف [illegible] وان

فاجاب وقيل ان سئل فلان الا مستغنيا [illegible] لان منهم خاصة ومنهم عامة

وان سئل فلان [illegible] تفضلك فالخاصة تفضلك بالحسن والعامة

[illegible] فاذا ما حويت الا وعلى [illegible] وبعد درات [illegible]

وقيل [illegible] الناس [illegible] كنت بين الزمان [illegible]

[illegible] والله احسن [illegible]

وقيل لا مال اجود من العقل ولا عدم اعدم من العقل فلا خير له في الحيوة الدنيا

قال النبي [illegible] الصبيان وانا [illegible]

[illegible] وصبر [illegible] وقال [illegible] الفطن [illegible]

صبر [illegible] النفوس [illegible] الناس [illegible] المضطر [illegible] فلا

اشد [illegible] ضعف [illegible] من الناس [illegible] يقول [illegible]

ودعاء المظلوم ودعاء المضطر الا [illegible] قال قيل [illegible] الكفار [illegible] ارفع فلا

دعاء المظلوم ودعوة المظلوم مستجابة [illegible] الآية [illegible] الدنيا فلا [illegible]

[illegible] فكيف يستجاب ودعاء [illegible] قيل [illegible] الحكم [illegible]

[illegible] الدعوة [illegible] يوم [illegible] وجد [illegible]

قيل [illegible] وحققنا [illegible]

[illegible] الا [illegible] فما يعد [illegible] واما [illegible]

وقيل لا [illegible] سئل بعض [illegible]

[illegible] السلام [illegible]

قال [illegible] الزهد

سفيان الثوري يقول ان الزهد في الدنيا قصر الامل

[illegible]

نفع ولا نفر

وادب يكون على عقل [illegible] الفرد والدنيا

النفس [illegible] [illegible]

وقيل لا مال اجود من العقل ومن عدم العقل فلا خير له في الحيوة الدنيا

وقيل العاقل يحرس نفسه بماله والجاهل يحرس ماله بنفسه

والفيل [illegible] وقيل الرجال رجلان عاقل و جاهل فالعاقل ان سئل وعلم اجاب وان لم يعرف [illegible] واذا [illegible]

[illegible] فالجاهل ان سئل عجل واجاب [illegible] بالصواب [illegible] اطلب العلم

[illegible] وقيل له [illegible] ان استغنى وان [illegible] اصله والاكرم [illegible]

وان سئل فلا [illegible] لان منهم خاصة ومنهم عامة فالخاصة تتفضل [illegible] والعامة

[illegible] فتم المرء فضله [illegible] الفضل [illegible] ودرات [illegible]

وقيل [illegible] واذا ما جرت [illegible] كنت [illegible] الزمان [illegible] والدهر احسن [illegible]

قال بعض الحكماء الصبر صبران صبر على ما تكره وصبر على ما تحب [illegible]

وقال القطب في شرح التلويح [illegible]

اشد ما على النفوس [illegible] صنفان من الناس [illegible]

[illegible] دعاء المظلوم [illegible] وقيل [illegible]

[illegible] دعاء المظلوم مستجابة [illegible] الاية [illegible] الدنيا فلا [illegible]

[illegible] قيل [illegible]

[illegible] وقيل [illegible]

[illegible] وقيل لا [illegible]

[illegible] سفيان الثوري [illegible] الدنيا [illegible]

باب يوم ... [illegible]
باسم حسين العالى ... [illegible]

الباب الثالث في المواعظ الثلاثية

سأل رجل النبي عم هل ... [illegible] نعم صليت الصلوة والتهليل
علمت وبليت ملك قال [illegible] النار والتسبيح قال هل نعت بعض
ملك وسيجيت الصراط والصوم جنته ملك [illegible] فاعلي [illegible] قال
ملك جواز على الصراط والجنة [illegible] وقال [illegible] على [illegible]
ملك درجات في الجنة هل سقيت عطشانا هل كسوت عريانا [illegible] سطوره

قال النبي عم ثلثة لا يشتغلون ... السموات والارضون والليل والنهار والملائكة والعلماء والمتعلمون [illegible]

وثلثة لا ترد لهم دعوة [illegible] والمراة المطيعة لزوجها والولد البار لوالديه

قال النبي عم من اكل في اليوم مرتين ... [illegible] ومن اكل ثلث مرات [illegible]

وقال ثلثة تقسي القلب استماع اللهو وطلب الصيد واتيان باب السلطان

ثم قال النبي عم اعلم ان للمؤمن ثلث علامات الصوم والصلوة والصدقة وللمنافق ثلث علامات ان حدث كذب وان وعد اخلف وان اؤتمن خان ولا ينتفع بالموعظة
وللظالم ثلث علامات يقهر من دونه بالغلبة ويبسط [illegible]
ان اكثر من اموال الناس ولا يبالي من اين ماكله
وللحاسد ثلث علامات يتملق اذا حضر ويغتاب اذا غاب ويشهد بالباطل
وللصديق ثلث علامات كتمان الصدقة وكتمان المصيبة وكتمان العبادة

قال

[illegible]

قال النبي عم من تورع في دين الله [illegible] ثلاث خصال [illegible] في الجنة
ومن لم يتورع في دين الله ابتلاه الله بثلاث خصال اما ان يميته شابا او يوقعه في خدمة السلاطين [illegible]

قال النبي عم ثلاث نساء يرفع الله عنهن عذاب القبر ويحشرهن مع فاطمة امرأة صبرت على غيرة زوجها وامرأة صبرت على سوء خلق زوجها وامرأة وهبت صداقها لزوجها

وقال عم لا يحل الكذب الا في ثلث الكذب في الحرب والكذب ليصلح بين الناس والكذب مع امرأته ليرضيها

وقال عم ثلاثة من خصال اهل الجنة [illegible] والاخوان [illegible]

وقال عم ثلاثة في ظل العرش [illegible]

وقال عم علامة الشقاوة ثلاثة اكل الحرام وترك صحبة العلماء وعدم الرحمة على الضعفاء

وقال جبريل عم انا من الدنيا احب ثلاث اشياء ارشاد الضال واعانة المظلوم ومحبة المساكين

ومن كلام النبي عم ثلاثة يحبها الله قلة الكلام وقلة المنام وقلة الطعام

وقال عم نعوذ بالله من ثلاث الهفاة والحفاة والنفاة الهفاة رجل يظهر المحبة بلسانه وعداوة في قلبه والحفاة هو الذي كثير المقال ولا يكون الفائدة في مقالته والنفاة هو الذي يقول ولا يعمل بما يقول

وقال عم لا يرد دعاء اوله بسم الله الرحمن الرحيم فان امتي يأتون يوم القيمة ويقولون بسم الله الرحمن الرحيم فيثقل حسناتهم في الميزان فيقال الامم ما ارجح موازين امة محمد عم

فيقول الاشقياء ع ان ابتدا اعلامهم ثلاثة اسماء من اسماء الله لو وضعت
في كفة الميزان ووضعت سيئات الخلق في كفة لرجحت حسناتهم ١٢

وقال ص يا علي اصدقاؤك ثلاثة صديقك وصديق صديقك وعدو عدوك واعداؤك ثلاثة عدوك وعدو صديقك وصديق عدوك

قال النبي ص الصديقون ثلاثة
حبيب النجار مؤمن آل يس وحزقيل
مؤمن آل فرعون وعلي بن ابي طالب ع وهو
افضلهم رواه صاحب الفردوس ١٢

وورد في الكتاب المذكور قال النبي ص ان الله عز وجل جعل ذرية
كل نبي في صلبه وجعل ذريتي في صلب علي بن ابي طالب ع

وقال النبي ص ثلاث ان لم تظلمهم ظلموك السفلة وزوجتك وخادمك

عن ابي الحسن ع قال لعن رسول الله ص ثلاثة
الآكل زاده وحده والراكب في الفلاة وحده
والنائم في بيت وحده وقال ع يا علي لا تشاورن
جبانا فانه يضيق عليك المخرج ولا تشاورن البخيل فانه يقصر بك
عن غايتك ولا تشاورن حريصا فانه يزين لك شرها ١٢
واعلم يا علي ان الجبن والبخل والحرص غريزة واحدة يجمعها سوء الظن
وقال ص زينة الدنيا ثلاثة المال والولد والنساء وزينة الآخرة
ثلاثة العلم والورع والصدقة وزينة البدن
ثلاثة قلة الكلام وقلة النوم وقلة الاكل وزينة
العقل ثلاثة الصبر والشكر والصمت وقال النبي ص
اسري بي فاوحى الي في علي بثلاث انه امام المتقين وسيد المسلمين وقائد الغر المحجلين

قال النبي ص ثلاث من كن فيه فهو منافق [illegible]

قال النبي ص [illegible] يا علي ثلاثة من الوسواس اكل الطين وتقليم الاظفار
بالاسنان واكل اللحية ١٢

يا علي العيش في ثلاث خصال دار قوراء
وجارية حسناء وفرس قباء قال
ابن بابويه رحمه الله الفرس القباء الضامر البطن يقال
فرس اقب وقباء لان الفرس يذكر ويؤنث و
يقال للانثى قباء لا غير ١٢

قال النبي ص الايمان معرفة بالقلب واقرار باللسان وعمل بالاركان
وقال ص من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يجلس على مائدة يشرب عليها الخمر ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدخل الحمام الا بمئزر ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدع حليلته تخرج الى الحمام

وقال ص ان جبرئيل ع اتاني فقال انا معاشر الملائكة لا ندخل بيتا فيه كلب ولا تمثال ولا اناء يبال فيه

وقال ص طوبى لمن ذل نفسه وانفق الفضل من ماله وامسك الفضل من كلامه

قال امير المؤمنين ع لا خير في الصمت عن الحكم كما انه لا خير في القول بالجهل

وقال ع [illegible] ثلاث مهلكة [illegible] والامانة [illegible]

وقال ع لم ير ابليس مثل [illegible] وزينه حين ولد محمد ص وزينة [illegible] في ابتدائها بسم الله الرحمن الرحيم ١٢

ثلاثة تذهب البلغم [illegible] والسواك و[illegible]

يارب كرم ... [illegible]

وقال رحمه الله

... جل جلاله ان ... عباده ... ان تحتمه و القدرة

افضل ما يتقرب ... [illegible] ... والعلم ... من

ما افترضت عليهم ... [illegible] ... والثالث ... حسن الاداء

تقديم النية بالعبادة ثم ... [illegible] ... واعلم ... الاركان التابعة

طاعته ... [illegible] ... المرسلين ... الاركان

والارادة ... واللطف ... وذلك للانبياء ... والابدان

في الرقة والتكلم والاجابة ... الاول ... بالتحقيق

في ثلاث مراتب ... والثالث ... الرضا

فالعبد له ... بالتصديق والايمان والثالث ...

القلب بالتصديق ... افضل ... وكل ...

قال بعض الطفيليين ... وفائدة ... ثلاث مدورات

الدنيا مدورة ... والدينار والرغيف ...

الدرهم والدينار ...

... ثلاث رجال ... اسعد ... الدنيا ... الزهد ...

وعن ابن عباس ... [illegible]

قيل خائف ... القول المغرور ... وقال رحمه الله

يارب كل راغب طالب وكل آنس

بالله مستوحش من الخلق

وقال اخترت من كتب الفقه ثلاث مسائل من ثلاث

كتب فقد لقد من كتاب النكاح لا يجوز الجمع بين الاختين

علمت ان الدنيا والآخرة اختان فلا اجمع بينهما ومن كتاب الطلاق

ان مطلقة ... وانا قد طلقت الدنيا ثلاثا فلا ... ومن كتاب البيوع

الحنطة بالحنطة والزيادة حرام فلا ... والزيادة حرام

قيل لابراهيم ... ما وجدت ... قيل لابراهيم ... بما شئ

... ثلاثة اشياء ... الحذر ... الله

... اخترت امر الله على امر غيره وما اهتممت

... بما تكفل الله لي وما تعبت ولا تغذيت

... الامع الضعيف

قيل لحكيم ... العلامة ... فقال ...

... قال قلت ... ان ... تكذيب ...

فاذا اعرف ... قلت ... كنت ... ان الاحتيال ... فقال الرجل

سعرفت وان قلت ... لنفسه ... النقص ... فقال ...

قيل الاشياء ثلاثة بمنزلة الحديد والنحاس والفضة قيل منع المشقة قيل الطعام الطعام ثلاثة

انتحال الذهب والشعر [illegible] بعضه بعضا وجهه على ثلاثة اوجه مخلوف

ومسلوف ومتلوف فالمخلوف

الذي يطعم لوجه الله لا يريد به غير الله و

لا يطلب به جزاء من مخلوق والمسلوف

الذي يضيفه مرة ويضيفك اخرى والمتلوف

كما كان اطعامه على المعاصي والمخلوف والمسلوف فيهما الاجر

الا ان المخلوف اعظم اجرا والمتلوف حسرة وندامة يوم القيمة

قال محمود الوراق [illegible]

وقيل للمطيع [illegible] قيل ان هذه الكلمات

وجدت في عنق فرس

ميت ولم يقدر احد

على الوصول اليها ولا الطيور ولا الوحوش

حتى سلبت فوجدوا في الرقعة ثلاثة اسطر

السطر الاول سبحان من الجم كل جبار وقاهر وشكر بعز قهره

السطر الثاني سبحان من ذل كل شيء لسلطان قدرته السطر الثالث

سبحان من احاط بما في البر والبحر والسماء والارض وما فيهما علما

قيل في الاثنين [illegible]

ثلاثة تجلو البصر النظر الى الخضرة والماء الجاري والوجه الحسن

وقيل ثلاثة لا تعرفهم الا عند ثلاثة الشجاع عند الخوف والاخ عند الحاجة

والحليم عند الغضب [illegible] الدين

[illegible] التواضع

٩٣

قال عمر [illegible] تضيع عمره

قيل [illegible] خصال الاول [illegible] والثالث لا ينتفع

عند [illegible] فضول الاقاويل

قال افلاطون لا تزر من يستثقلك ولا تحدث من يملك ولا تخاطب من لا يسمع منك

وقال الحكماء ان المرء يتغير في ثلاث مواطن

في القرب من الملوك وفي الامانات اذا تولاها وفي المال اذا جمعه

فمن لم يتغير خلقه في واحدة من هذه الثلاث

فهو صحيح العلم وصحيح المعاملة قال بعض الحكماء العلم له ثلاثة اشبار

من دخل في شبره الاول تكبر ومن دخل في شبره الثاني تواضع ومن دخل في شبره الثالث

علم انه لا يعلم وقال [illegible] الذوات ثلاثة ذات تحب ان تعلم

وهو العبد وذات تحب ان لا تعلم وهو الجاهل وذات يصح ان تعلم ويصح

ان لا تعلم وهو [illegible] منا فاذا لم تعلم فانت شبيه الجاهل واذا علمت فانت

[illegible] قال ابو حازم لا تكون [illegible] حتى تكون فيك ثلاث خصال لا تبغ

على من فوقك ولا تحتقر من دونك ولا تأخذ على علمك دنيا

قال سعيد [illegible] اصل العداوة ثلاثة الطمع في المال والطمع في [illegible] قبول الناس

وقال [illegible] ثلاثة [illegible]

[illegible]

كما ان تمهيدا عن عرض

فائدة الوفاة الفضيل بن عياض وشاد

لا حضرته الوفاة فجعل عليه تلقين فقال يا اتبع الله

جلس عنده رجل وقرأ سورة يس فقال قل لا اله الا الله فجعل

لا تقرء هذه فسكت ثم لقنه فقال ان ذلك نعوذ بالله منه ثم اليوم ومرة

فقال لا اقولها لانه ابرئ منها ومات على ذلك ثم رآه في النوم بعد ذلك

الفضيل منزله وجعل يسحب الى النار فقال يا بني ما الذي نزع الله المعرفة منك وكنت اعلم تلامذتي

يسمعون الكلام فقلت فانه قال اصحابي لا اقدر ثم قال اني

اولها النميمة فانها ثلث [illegible] الا الطيب فانه قال

كان بي علة فجئت الى طبيب فقال تشرب كل سنة قدحا من الخمر فاني اعلم ان تبقى بك العلة

تفعل تقيت مكث [illegible] نعوذ بالله

[illegible]

شرح الموت فسخط الله تعالى نعوذ بالله منه والله اعلم

قال المحقق قال الاول

والاخلاق الناصرية في علمه انواع [illegible]

يعلم [illegible] عبادة الله تعالى [illegible] الصلوة والصيام والعدل [illegible] العقول

بان يتبع البدن كالصلوة [illegible] التاما يتبع النفس [illegible]

ان يفعل [illegible] ذكره [illegible] الثاني [illegible] الثالث ما يجب [illegible] البعض

الصافية [illegible] العلم [illegible] والمعاملات والمزارعات والمناكح والامانات ونحو ذلك

[illegible] والمرابحات [illegible]

والذب عن الحريم [illegible] الحوزة [illegible]

[illegible]

[illegible] الرضا فالاول [illegible]

[illegible]



باب الرابع

في المواعظ الرباعيات قال الرسول عم مكتوبا [illegible]

[illegible] قال ابو هريرة [illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible]

[illegible]

قال الرسول عم خلق اربعة لاربعة لا لاربعة المال للانفاق لا للامساك والعلم للعمل لا للمجادلة والعبد للتعبد لا للتنعم والدنيا للعبرة لا للعمارة

وقال عم اربع لا يدخل بيتا واحدة منها الا خرب ولم يعمر بالبركة الخيانة والسرقة وشرب الخمر والزنا

وقال عم ان الامهات اربعة ام الادوية وام الاداب وام العبادات وام الاماني اما ام جميع الادوية فقلة الاكل واما ام جميع الاداب فقلة الكلام واما ام جميع العبادات فقلة الذنوب واما ام جميع الاماني الصبر

قال عم اربعة قليلها كثير الفقر والنار والعداوة والوجع

قال عم الرجال اربعة سخي وكريم وبخيل ولئيم فالسخي الذي ياكل ويعطي والكريم الذي لا ياكل ويعطي والبخيل الذي ياكل ولا يعطي واللئيم الذي لا ياكل ولا يعطي

قال عم اصعب الاعمال اربعة العفو عند الغضب والجود في العسرة والعفة في الخلوة وقول الحق عند من يخافه ويرجوه

[illegible]



عن ابي جعفر [illegible] سعيد
قال ان الله [illegible] الارض الا اربعة [illegible] داود و
انبياء [illegible] عيسى [illegible] الرزق [illegible] سليمان [illegible]
بعد نوح [illegible] فاما عيسى فملك مطيع وكذلك [illegible]
سليمان ويوسف [illegible]
واما داود فملك [illegible]
يوسف فملك مصر [illegible]

قال القرافي في المنهاج اعلم ان الرزق على اربعة اقسام مضمون ومقسوم ومملوك وموعود فالمضمون الغذاء وما به قوام البنية دون سائر الاسباب قال الله تعالى [illegible] بهذا التوفيق فرض والتوكل يجب [illegible] بدليل العقل والشرع لان الله تعالى كلفنا خدمته وطاعته بابداننا فضمن ما يتداول البنية لنقوم بما كلفنا واما الرزق المقسوم فهو ما قسم الله تعالى وكتبه في اللوح المحفوظ ما يأكله ويشربه ويلبسه كل واحد بمقدار مقدور ووقت موقت لا يزيد ولا ينقص ولا يتقدم ولا يتأخر عما كتب بعينه قال صلى الله عليه وسلم الرزق مقسوم مفروغ ليس تقوى تقي بزائدة ولا فجور فاجر بناقصه واما المملوك فهو ما يملك كل احد من اموال على حسب ما شرع وقدر الله وقسم له ان يملكه من رزق الله قال الله تعالى انفقوا مما رزقناكم اي مما ملكناكم واما الموعود فهو ما وعد الله تعالى المتقين من عباده بشرط التقوى حلالا من غير كد قال الله تعالى ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب فهذه اقسام الرزق والتوكل انما يجب بازاء المضمون [illegible]

قال ان [illegible] اربعة [illegible] اهل العصيان [illegible] واهل الفسق [illegible] واهل الجرز

قال بعض العلماء اربعة تدل على [illegible] ووجهه الحياء [illegible]
اربعة تدل على [illegible] واربعة تدل على الدناءة [illegible]
حب العلم [illegible]
وكثرة [illegible]
[illegible] مداراة الاعداء [illegible]
قال بعض الحكماء اربعة [illegible] الطعام على الريق [illegible] ونكاح [illegible]

قال بعض الحكماء اربعة لا يخلو منها جاهل قول بلا معنى وفعل بلا جزاء وخصومة على غير طائل ومنافرة بغير حاصل قال بعض الحكماء من اشتغل بالشهوات فلا بد له من النساء ومن اشتغل بجمع المال فلا بد له من الحرام ومن اشتغل بمنافع المسلمين فلا بد له من المدارات ومن اشتغل بالعبادات فلا بد له من العلم قال بعض الحكماء من التمس اربعا باربع التمس ما لا يكون من التمس الجزاء بالرياء التمس ما لا يكون ومن التمس مودة الناس بالغلظة التمس ما لا يكون ومن التمس وفاء الاخوان بغير وفاء التمس ما لا يكون ومن التمس العلم براحة الجسد التمس ما لا يكون وعن بعض الحكماء القدماء اربعة على خطر عظيم احدهم من قلده السلطان امره ظاهرا وخالفه باطنا الثاني من اختصه بخلوته دون خواصه الثالث من اتخذه بين اقرانه الرابع الوزارة للسلطان الاحمق وقالت حكماء الهند اربعة لا تشبع من اربعة عاقل من ادب وعالم من كتب واصيل من نسب وجاهل من لعب وقالت حكماء الفرس اربعة لا تشبع من اربعة عين من مليح واذن من فصيح و

قلب من نصيح ومن فم من طيب الريح ه وقالت حكماء الروم
اربعة لا تشبع من اربعة عين من نظر واذن من خبر وارض من مطر
وانثى من ذكر ه وقالت حكماء العرب اربعة لا تشبع من اربعة شجاع
من لقاء وسخي من عطاء وتقي من دعاء ومحسن من ثناء ه

سئل ابن المبارك عن اخلاق اهل البلاد فقال اما اهل الحجاز [illegible] واما اهل مصر [illegible] فاشد الناس في الفتنة واضعفهم فيها واما اهل العراق [illegible] طلبا للعلم واقلهم [illegible] [illegible] الخالق [illegible] صحبت [illegible] سنة ورأيتهم [illegible] فلم [illegible] احد منهم فرأيت النبي صلى الله عليه وسلم في المنام فقلت يا رسول الله يا صفوة [illegible] فقلت يا رسول الله ما التوحيد فقال [illegible] فقلت ما العقل فقال [illegible] فقلت ما [illegible] فقلت ما التصوف فقال [illegible] فقلت ما الفتوة [illegible]

[illegible]

قيل حكمت العرب والعجم على اربع كلمات الاول لا تحمل على قلبك ما لا يطيق الثاني لا تعمل عملا لا ينفعك الثالث لا تغتر بامرأة الرابع لا تثق بالمال [illegible]

قيل للعاقل اربعة اشياء الحلم عن الجاهل ورد النفس عن الباطل والانفاق في حقه وموقعه [illegible] صديقه من عدوه ه قيل كتب يوسف عليه السلام على باب السجن الذي كان فيه اربع كلمات هذه منازل اهل البلوى وقبور الاحياء وشماتة الاعداء وتجربة الاصدقاء ه

قيل لابراهيم بن ادهم [illegible] فقال [illegible] شقيق البلخي [illegible] ابراهيم بن ادهم [illegible] فاجتمع الناس فقالوا نجمع بينهما في المسجد الحرام فقال ابراهيم لشقيق يا شقيق على ماذا اصلتم اصولكم فقال شقيق اصلنا اصولنا على انا اذا رزقنا اكلنا واذا منعنا صبرنا فقال ابراهيم هكذا كلاب بلخ اذا رزقت اكلت واذا منعت صبرت فقال شقيق على ماذا اصلتم اصولكم يا ابا اسحق قال اصلنا اصولنا على انا اذا رزقنا آثرنا واذا منعنا حمدنا وشكرنا فقام شقيق وجلس بين يديه وقال يا ابا اسحق انت استاذنا ه

[illegible]

قال ان قصد ابراهيم بن ادهم ... فقال ... حجارة قال بعض الحكماء اربعة يحتاج الى
اربعة الاول السلطان يحتاج الى
وزير الثاني الوزير يحتاج الى
الامانة الثالث البصير يحتاج الى
التربية الرابع الرعايا تحتاج الى الشفقة
قال اربعة اشياء قبيحة من كل احد الاول الحقد
والحسد الثاني الكبر والتمني والعجب الثالث الغيظ
والغضب الرابع الكسل والتواني ه قال اربعة اشياء
من آفات السلطنة الاول غفلة الامراء الثاني خيانة الوزراء الثالث
حسد الفقراء الرابع الاستهزاء بالفقراء ه اربعة اشياء تدل على النجابة
الاول اصل طاهر الثاني قلب طاهر الثالث يد طاهرة الرابع
رأي مستقيم ه اربعة اشياء سبب لزيادة الفرح الاول محبة السلطان الثاني
دعاء الزهاد والثالث ثناء اصحاب الادراك والذكاء الرابع رؤية المحبوب ه
قال اربعة تضعف ... الرجل وتذهب بقوته
الاول كثرة العدو والثاني
كثرة القرض الثالث كثرة الدين
الرابع كثرة العيال وقلة المال ...
قال اربعة لا ... الاول النوم ... الثاني ... الصبيان الثالث ... النسوان ... ه اربعة اشياء ... الاول ... الغيظ ... الندم ... الثاني ... العداوة ... الرابع ... الكسل ...
قال اربعة ... الاول ... الثاني ... الثالث ... الرابع ...

١٠٧

قال بعض الحكماء العمر تنقصه اربعة اشياء الاول ... الثاني ... الثالث ... الرابع ... قال بعض الفلاسفة امهات
اللذات اربعة الطعام والشراب
والنكاح والسماع فالثلاث
لا يوصل اليها الا بحركة وتعب وربما
تضر بها اذا استكثر منها والرابع اي
السماع صاف من التعب خالص من الضرر ه
... الصحيح ... اعلم ان
العقلاء ... العقل معان حسنة منها
... ذكره صاحب ...
قال اهل العلم العقل جوهر لطيف
خلقه الله في الدماغ وجعل نوره في القلب
يدرك الغائبات بالوسائط والمحسوسات بالمشاهدة ه
وقال اهل الكلام العقل جوهر بسيط يدرك الاشياء
بحقائقها دفعة واحدة بلا توسط زمان ه وقال اهل
التفسير العقل نوع علم يستبان به العواقب ويترك القبائح
والعقل يكمل مع فقد بعض العلم والعلم لا يكمل مع فقد بعض العقل ه
وقال اهل الحكمة العقل نور فطري يزيد بالسمع والكسب ه وقال
اهل الاصول حسن العقل التمييز الغريزي بين خير الخيرين وشر الشرين
وهو متفاوت في الفعل يزيد بالتجارب وينقص بالا ... وهو ...
وبعبارة اخرى ... المتفقين العقول بها تدرك العلوم

وفي الحديث العقل نور في القلب يفرق بين الحق والباطل و
عن بعض الحكماء انه قال العقل للقلب بمنزلة الروح فكل قلب لا
عقل له فهو ميت وهو بمنزلة قلب البهائم وقال اهل المعرفة
العقل هو نور الفطرة يزيد باقتباس انوار الحكم ولهذا قال علي
بن ابي طالب رضي الله عنه العقل عقلان مسموع ومطبوع ولا ينفع المطبوع
اذا لم يكن المسموع كما لا ينفع ضوء الشمس ونور القمر مع فقد العين

عن ابي ذر [illegible] عن ابي الدرداء انه قال جاء رجل
الى رسول الله صلى الله عليه وسلم وقال يا
رسول الله لو ان الرجل يقوم
الليل ويصوم النهار ويحج ويعتمر و
يتصدق ويغزو في سبيل الله ويعود المريض و
يشيع الجنازة ويقري الضيف فما منزلته عند الله يوم القيمة
فقال انما كان ثوابه يوم القيمة في كل ما كان منه على قدر عقله

وروي ان الله تعالى ارسل جبرائيل عليه السلام [illegible] العقل [illegible]

[illegible]

[illegible]

وعن ابن عباس [illegible] قيل الغضب [illegible]

[illegible] قال المرأة الموافقة [illegible]

[illegible] العقل [illegible]

الموت [illegible] خصم لا عقل له [illegible]

قال حكيم الآدمي مجنون مقيد بقيد العقل فاذا وقع القيد صار المجنون



باب ومنه في سورة لقمان إن الله عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في الأرحام وما تدري نفس ماذا تكسب غدا وما تدري نفس بأي أرض تموت إن الله عليم خبير

باب الحث [illegible] نزل السؤال [illegible] بمحاكمته [illegible] من تعلم العلم للمكابرات مات [illegible]

ومن تعلم للقول دون العمل مات منافقا

ومن تعلم للمناظرة مات فاسقا ومن تعلم لكثرة المال مات زنديقا ومن تعلم للعمل مات عارفا صدق رسول الله

[illegible] حلال [illegible] حرام [illegible]

فاجمعوا الحلال [illegible] واجتنبوا [illegible]

باب في العلم [illegible] السؤال [illegible] والرابع [illegible]

[illegible] كثرة الاشتغال [illegible] والثالث [illegible]

كثرة الرجال [illegible]

[illegible] الجامع إذا قام الرجل من [illegible] وكان فيما [illegible]

ان [illegible] يوم [illegible]

والذين يؤمن [illegible] والذين يؤمن [illegible] قابيل

قال ابن [illegible] والذين يؤمن صاحبه لوط [illegible] والذين يؤمن [illegible] ابراهيم [illegible]

[illegible] الله [illegible] الوالد وهو [illegible]

قال كان امرؤ القيس بالكوفة في الجامع إذا قام الرجل [illegible]

[illegible] ولعنة [illegible]

عن السعيد أربع [illegible] يقول لا يجتمع أربع إلا في أحمق خصال رجل شديد وأمل الطويل وحرص غالب وقطيعة الرحم وإيثار الدنيا على الآخرة

باب أربع [illegible] خمس [illegible]

[illegible] خمسة بالاجتهاد [illegible] بالوراثة فأما [illegible]

[illegible] والقدر [illegible] بالعادة [illegible] والولد والسلطان [illegible]

بالقضاء والقدر فالعمر والرزق والأجل [illegible]

[illegible] بالعادة [illegible] والكتابة والفروسية [illegible]

[illegible] بالقضاء فالعلم [illegible] والنعوط [illegible] وأما [illegible]

وأما [illegible] بالاجتهاد [illegible] فالنكل [illegible]

فالأكل والنوم وأما [illegible] بالوراثة [illegible]

والنوافل [illegible] الاطفال [illegible]

[illegible] ولطف [illegible]

فالشوك [illegible] العادة [illegible]

فالجمال [illegible] والقوة [illegible]

[illegible] والنور الناطق [illegible]

[illegible] أولو العزم [illegible] نوح [illegible]

وإبراهيم وموسى [illegible] وعيسى [illegible]

ومحمد صلى الله عليه وسلم [illegible]

[illegible] فيها أربع [illegible]

[illegible] حسنة وخاتمة [illegible]

[illegible]

قال سفيان الثوري لا يجتمع في هذا الزمان لاحد مال الا وعنده خمس خصال طول الامل وحرص غالب وشح شديد وقلة الورع ونسيان الآخرة ٥ قال حاتم الاصم العجلة من الشيطان الا في ستة طعام الضيف اذا نزل وتجهيز الميت اذا مات وتزويج البنت اذا ادركت وقضاء الدين اذا وجب والتوبة من الذنب اذا اذنب ٥

[illegible]

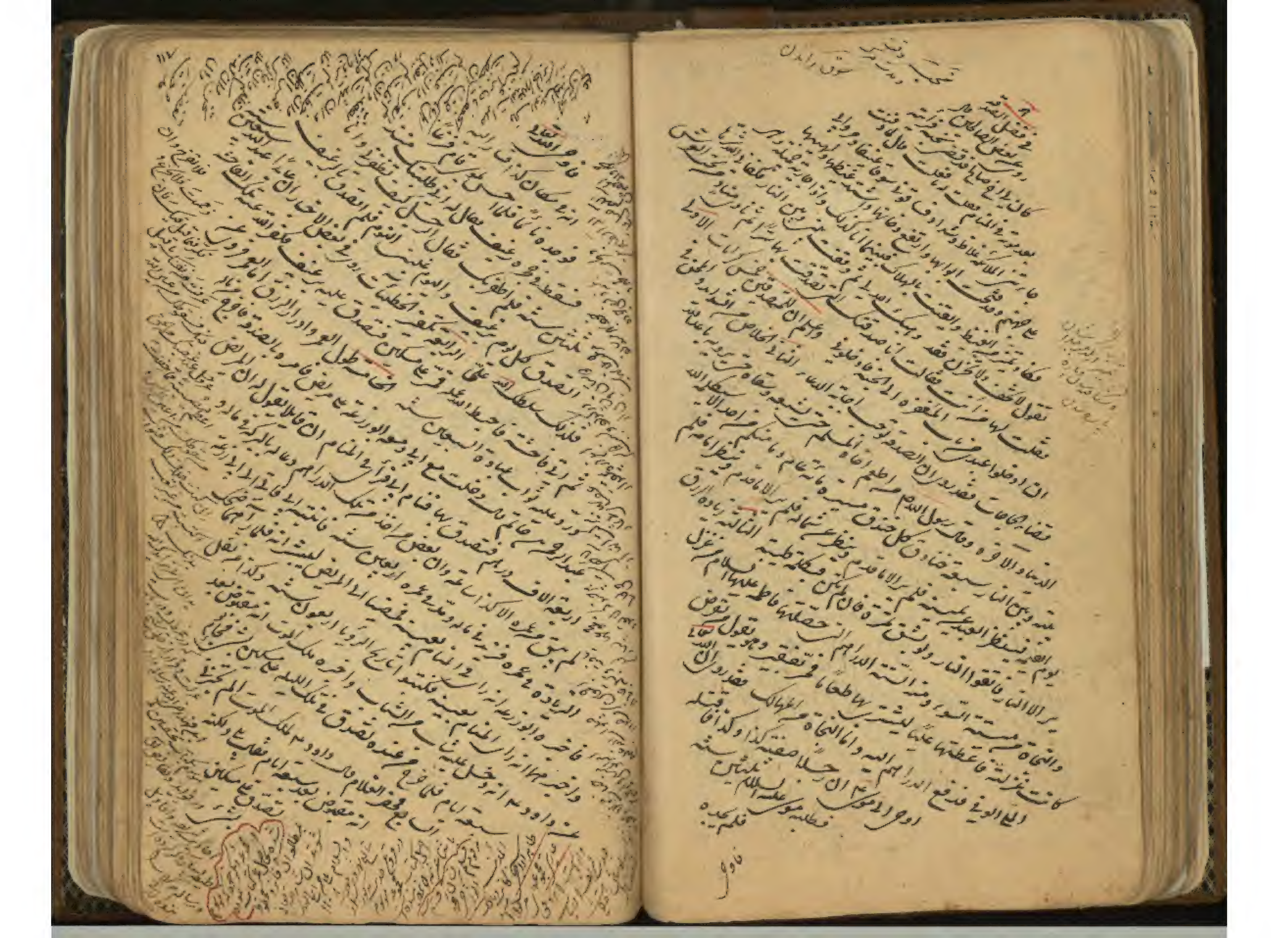
قيل ان الحكماء ... فراءوا اصحاب العالم ...

[illegible]

صدق رسول الله

اعلم ان ...

[illegible]





عن ابي عبد الله ع قال ان رجلا من اهل الشام قام الى امير المؤمنين ع بالكوفة في الجامع فسأله عن ستة فقال اخبرني عن ستة لم يركضوا في رحم فقال آدم وحواء وكبش اسماعيل وعصا موسى وناقة صالح والخفاش الذي عمله عيسى ع فطار باذن الله

قال امير المؤمنين ع ستة حسن ولكنها في ستة احسن العدل حسن وهو في الامراء احسن والصبر حسن وهو في الفقراء احسن والورع حسن وهو في العلماء احسن والسخاء حسن وهو في الاغنياء احسن والتوبة حسن وهو في الشباب احسن والحياء حسن وهو في النساء احسن

وامير لا عدل له كغمام لا غيث له وفقير لا صبر له كمصباح لا ضوء له وعالم لا ورع له كشجرة لا ثمر لها وغني لا سخاء له كمكان لا نبت له وشاب لا توبة له كنهر لا ماء له وامرأة لا حياء لها كطعام لا ملح له صدق ولي الله

قال امير المؤمنين [illegible]

ست خصال ... قال رسول الله ص دخلت الجنة فرأيت على بابها مكتوبا بالذهب لا اله الا الله محمد حبيب الله علي ولي الله فاطمة امة الله الحسن والحسين صفوة الله على مبغضيهم لعنة الله

... والدعاء ... والتوبة ...

قيل لم افتخر بالمال والولد يوم لا ينفع مال ولا بنون وقيل لم افتخر بالقوة عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون وقيل لم افتخر بالحسب والنسب فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون وقيل لم افتخر بالملك لمن الملك اليوم لله الواحد القهار

... عن ستة اشياء التطريق والتعليق والتصفيق والتطبيق والتمليق والتقطيق [illegible]

قسمي جميع كمال

قال افلاطون العالم كرة والارض مركز والافلاك قسي والحوادث سهام والانسان هدف والله الرامي فاين المفر

فقال امير المؤمنين ع ففروا الى الله جوابا لافلاطون

[illegible] ان الله تعالى [illegible] والارض [illegible]

قال بعض الحكماء ست خصال لا تطيقها الا من كانت نفسه رئيقة الثبات عند حدوث النعمة الجسيمة والصبر عند حدوث المصيبة العظيمة وصد النفس الى العقل عند دواعي الشهوة وكتمان السر عن الاصدقاء والاعداء والصبر على الجوع واحتمال اجلال السوء صدق الحكيم

قال بعض الحكماء ست خصال تعرف الجاهل الغضب في غير شيء والكلام في غير نفع والعطية في غير موضع وان لا يعرف صديقه من عدوه [illegible] والثقة بكل احد [illegible]

قال بعض الحكماء عمارة الدنيا منوطة بستة اشياء اولها التوقع المناكح والتناسل وقوة الداعي اليها [illegible] ولولاه لانقطعت [illegible] ولولاها [illegible] ولولاه لزالت طول الامال [illegible] ولولاه [illegible] ولولاه لاهلك الناس بعضهم بعضا

قال حسن البصري لولا الابدال لخسفت الارض بمن فيها ولولا الصالحون لهلك الطالحون ولولا الحمقاء لخربت الدنيا ولولا الريح لانتن كل شيء ١٢٣

وقيل ان ادم ع [illegible] ثلاثة [illegible] فقال العقل [illegible] فقال الحياء [illegible] فقال الدين [illegible]

[illegible]

باب سبع از ثمانی عشرات

قال صلى الله عليه وآله يا علي ان الله تعالى اعطاني فيك سبع خصال

انت اول من ينشق عنه القبر

وانت اول من يقف على الصراط معي

وانت يكسى اذا كسيت وتحيى اذا حييت

وانت اول من يسكن معي عليين وانت اول من يشرب معي من الرحيق المختوم الذي ختامه مسك

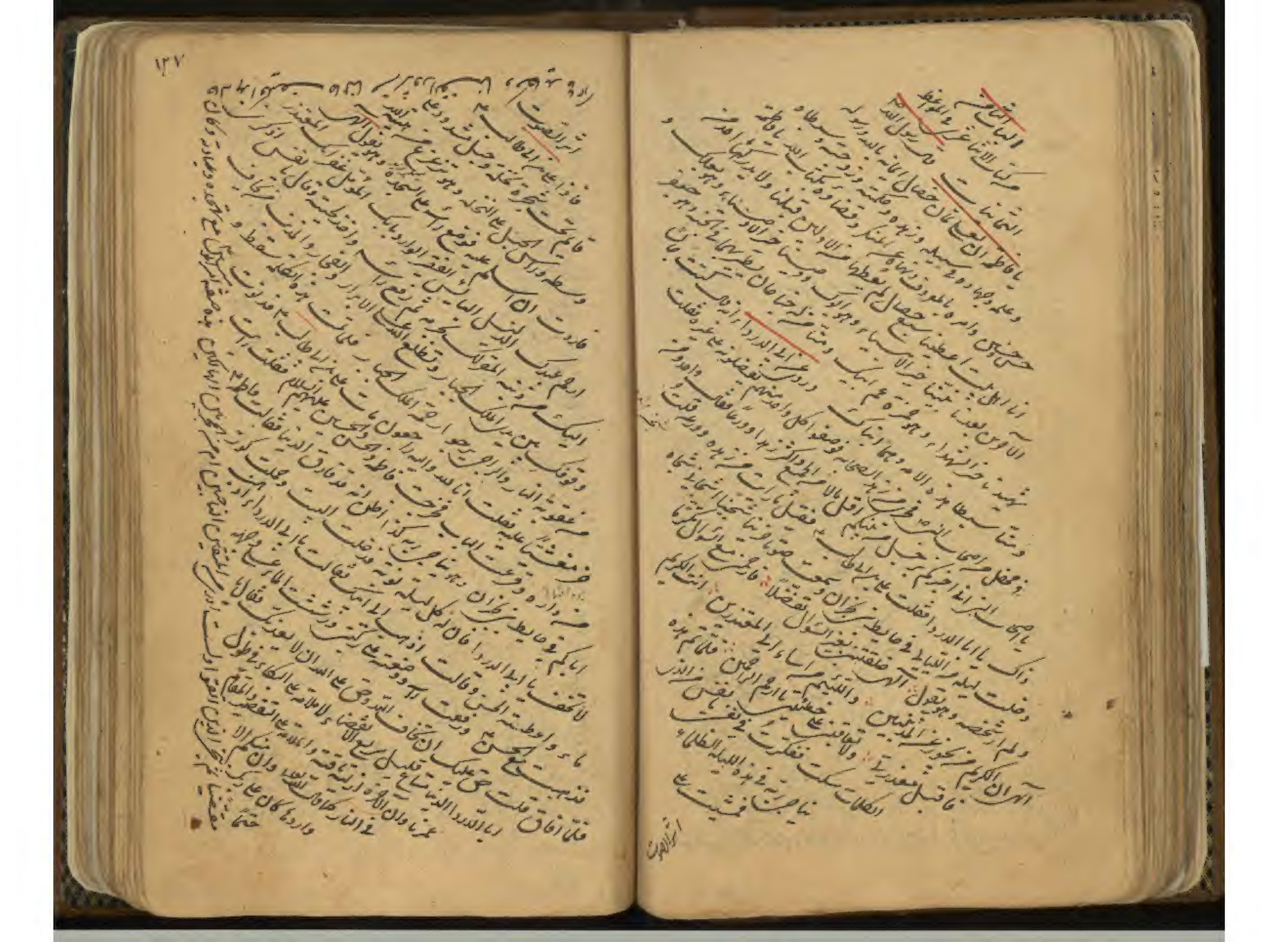
عن ابي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله اذا غضب الله على امة ولم ينزل بها العذاب غلت اسعارها وقصرت اعمارها ولم تربح تجارها ولم تزك ثمارها وحبس عنها امطارها ولم تجر انهارها وسلط عليها اشرارها

سلام على نوح في العالمين سلام على ابراهيم سلام على موسى وهارون سلام على آل ياسين سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين سلام قولا من رب رحيم سلام هي حتى مطلع الفجر

سئل علي عليه السلام ما اثقل من السماء وما اوسع من الارض وما اغنى من البحر وما اشد من الحجر وما احر من النار وما ابرد من الزمهرير وما امر من السم فقال عليه السلام البهتان على البريء اثقل من السماء والحق اوسع من الارض وقلب القانع اغنى من البحر وقلب المنافق اشد من الحجر والسلطان الجائر احر من النار والحاجة الى البخيل ابرد من الزمهرير والصبر امر من السم

قال امير المؤمنين عليه السلام من وجد في نفسه من الناس وحشة فليعلم ان الله تعالى قد احب ان يونسه بنفسه

فثالث الثلاث مذموم وخامسه ... وثالث العشرة الوسط وسادسها



الكبائر [illegible]

عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله [illegible] الكبائر

[illegible] لم جعلت ذلك بالشاهد [illegible] الا نفس [illegible] الكبائر قال الكبر بعضها

عليه فالقتا بالكفر والنار ولا يشهد الا من فيكم فذلك [illegible] والزنا و

[illegible] فقلت وعقوق الوالدين [illegible] الكبائر [illegible] التعرب بعد الهجرة وقد [illegible] والربا وورد

[illegible] وقيل [illegible] بعد البينة [illegible] فقلت له [illegible] ان بعضها

الكبائر [illegible] واكل مال اليتيم ظلما [illegible] الاخبار في الكبائر ليست [illegible] مختلفة والاول بالاضافة

والفرار من الزحف [illegible] قال [illegible] الا كل ذنب [illegible] بعد الشرك الكبير

[illegible] ان الاية [illegible] بعضها [illegible] اول [illegible] علم ان

ليس في ذلك [illegible] انتهى [illegible] ثانية

[illegible] سبع وبعضها ثمان [illegible] وقيل احد [illegible] وقيل ان الذنب

اصغر منه وكل كبيرة صغيرة بالاضافة [illegible] وقيل [illegible] سبع [illegible]

[illegible] الا بالتوبة [illegible] وذكر الكبائر [illegible]

بالاكبر [illegible] زوال عقاب [illegible] اقرب [illegible] فالكبائر [illegible]

وقيل [illegible] وكونه بالاضافة [illegible] عليها [illegible] فالقبلة

[illegible] الذنوب وبينها [illegible]

[illegible] كبيرة [illegible] النفس [illegible]

اصغر الصغائر [illegible] الا النظر [illegible]

[illegible]

[illegible] والسلام على من اتبع الهدى

فصل [illegible] العلماء [illegible] الشبه [illegible] ثابتة [illegible] والتنزيه

اوصاف [illegible] والتعدد [illegible] والنقص فتعالى الله [illegible] سبحانه

الكثرة [illegible] والاشكال قل هو الله احد [illegible] وعلا [illegible]

والعلة والمعلول [illegible] بقوله لم يلد ولم يولد جل [illegible]

عن نفسه الكثرة والعلة والمعلول بقوله [illegible] البارئ [illegible] وقال [illegible]

[illegible] بقوله الله الصمد [illegible] وقال بعض العلماء [illegible] الربع [illegible] واحد

والتنزيه بقوله ولم يكن له كفوا احد [illegible] اول [illegible] وقال [illegible] واحد

الاشكال بقوله [illegible] بعض [illegible] كل شيء قدير [illegible] الاتصال الثاني

ثابتة وان كان بعضها [illegible] واحد [illegible] واحد بالنوع

[illegible] بيده [illegible] نظرا ولا [illegible] حقيقة [illegible] الثالث واحد بالجنس

[illegible] واحد لا يقارن [illegible] الاول واحد [illegible] بالنوع [illegible] لا الكثرة فيه

تقديرا ولا [illegible] ثابتة [illegible] الجنس [illegible] واحد [illegible] الاخص فهو الذي لا

حقيقة [illegible] واحد بالموضع [illegible] الواحد الحقيقي [illegible] ولا وضعا والله [illegible]

فالواحدات [illegible] الرابع واحد بالموضع [illegible] لا فعلا ولا وهما ولا [illegible] بالقوة كالخط

واحد بالارتباط [illegible] الخامس واحد [illegible] يقبل [illegible] القسمة لا فعلا ولا [illegible] فيه كثرة بالقوة

السابع واحد بالاضافة بالفعل ولا يقبل بالفعل ولكن فيه [illegible] الاتصال [illegible] بين اجزائه

[illegible] بالقوة ولا [illegible] لا الكثرة فيه [illegible] الا [illegible] بخلاف النقطة

واما الواحد بالاتصال فهو الذي [illegible] بكونه [illegible] بالفعل لتركيبه

بسيط الواحد والجسم الواحد [illegible] قابل للكثرة [illegible] فيه كثرة بالفعل [illegible] اتحاد

الواحد [illegible] اتحاد [illegible] ولكنه [illegible] فهو الذي [illegible]

واما الواحد بالارتباط فهو الذي [illegible] اجزاء مختلفة [illegible]

المفروض [illegible] ارتباط هذه الاجزاء [illegible] بعضها ببعض

كالحيوان المركب

الواحد مثلا فانه مختلف الحقيقة كالجلد و ... الواحد المركب [illegible]

من اشياء ... كالبيت الواحد وغيره فالكثرة من هذه الاوراق [illegible]

اللحم والعظم واشباهها ... الارتباط الذي ... واحدا فقال ... خط ... يكون واحد

من الجدار والاوراق ليتصف ... الحيوان واحد ... لجنس كقولنا الانسان والفرس واحد في ...

بالفعل او هذه الاوراق ... فوق ... واما الواحد بالجنس كقولنا زيد وعمرو واحد [illegible]

او جنب فيها ... المرتبتين ... واما الواحد بالنوع كقولنا ... في السواد ... والسواد والبياض

واحد في ... واحد وهو الحيوان واما الواحد بالعرض كقولنا الحجر والقير واحد في السواد واحدة ... ونسبة ...

في جنس واحد وهو ... نسبة النفس الى البدن والنفس واحد ... فيقال الملك والنفس واحد

وهو الانسان واما الواحد بالعرض ... الى المملكة ونسبة ... واحدة ... محلها وموضوعها

واما الواحد بالاضافة كقولنا نسبة الملك الى ... البدن الالات ... واحدة ... لا

الى نفس الانسان ونسبة الطبيب الى البدن ... الواحد ... بحقيقة ... الدال

في هذه النسبة واما الواحد بالموضع كقولنا اول الورود ... الواحد بالموضوع الاول

وهو الورود فاذا عرفت ... الواحد فاعلم ان الله هو الواحد ... فالواحد الحقيقي

كثرة في ذاته ... وجوه ... لا ... فهو واحد لا ... وجه ... منه ان

فيه ... هذه المعاني ... واحد ... بل هو واحد بالحقيقة فقط ... مقدار ... وتعداد

ليس ... واحد بجميع الانواع ... والثالث ... في ذاته ... الاول ...

هو الذي ... يكون واحدا بالجنس ... يكون واحد ... مختلفة حتى

يقبل الانقسام ... ذاته ... مركبة ... يكون واحدا ... بالاجزاء

والله اعلم

جنس

وليس تحت جنس

جنس ان يكون واحدا ... يكون له نوع ... نوع

فان كل ما يكون ... جنس فان ... الواحد

قال كل ما كان لو كان مركبا منهما واحد ... وذلك ... في الشخص ...

ذلك الجنس والفصل ويكون نوع ... يكون ... واحد ... الواحد فان ... كما عليه ... الى ان

منقسمة الجنس ... ليس يقوم ... بالعرض ... والاواحد ... فلا

الحقيقة ... ليس الكثرة في ذاته ... الوجود ... واما الواحد بالنسبة ...

النوع ... جنس ... فان ذلك ... في حقيقته ... ان ... الى ... واحد ...

حسب ما يكون واحدا بالنوع غير ... الا ... النسبة ... ضل ضلالا ... و

سعدان يكون ذلك ... ضرورة وان كانت الواحد فقد ضل ... في ملكوت ...

نسبة الشمس الى النور الفاضل عليها ... فلا ند له في ملكوت العلى

ان الله واحد ... المعاني ... لا يليق ... الا بالملك ... صل على محمد وآل محمد ... سلطان

في الاسماء ... وعبادة بالفناء ... ربنا ... وجعلنا الا من ...

توحد في الكبرياء فلا ضد له ... انك حميد مجيد ... واجبا

بالتوحيد ... ووفقنا عليه ... خير موفق ومعين ... فانه ... واحد

واذ قلنا ... آمين ... انك حميد ... وفي كل ... الآية تدل على انه واحد

كيف يعرف ... اللهم ... الواحد ... تحكم ... المتعلم

هو الحق ... عالم ... وارادة ... سميع بصير ... متكلم

وذات ... اللهم صل على محمد وآله الطاهرين

الباب التاسع

في المواعظ التسعيات ... تسع خصال ... قال رسول الله ص ... فضلني ... على جميع الانبياء ...

... الاسلام ... وبعث ... الدنيا ... سيد ولد آدم ... وجعل لي الارض ...

... اخي علي ... فاطمة ... الحسن والحسين ...

الشهور وانا سيد الانبياء وعلي سيد الاوصياء

روى هارون بن حمزة الغنوي الصيرفي عن ابي عبد الله ع قال سألته عن التسع الآيات التي اوتي موسى ع فقال الجراد والقمل والضفادع والدم والطوفان والبحر والحجر والعصا ويده

وفي نسخة فقال ... ويكون ذا النية الجميلة وحسن خلق وسخاء نفس

الباب العاشر في المواعظ العشارية وتشتمل على فصول

فصل قال الرسول ص عشر علامات لا بد منها قبل الساعة الدجال والدخان والدابة وطلوع الشمس من مغربها ونزول عيسى ويأجوج ومأجوج وخسف بالمشرق وخسف بالمغرب وخسف بجزيرة العرب ونار تخرج من قعر عدن تسوق الناس الى المحشر

قال الرسول ص عشرة اشياء تورث النسيان الحجامة على النقرة واكل سؤر الفار واكل التفاح الحامض والقاء القملة بالحية والبول في الماء الراكد واكل الكزبرة والاكل على الجنابة والعبث بالذكر وقراءة الواح القبور واكل ما لم يذكر اسم الله تعالى عليه

و عشرة اشياء تورث الغم لبس السراويل من القيام والمشي بين الاغنام وقص شعر اللحية بالاسنان والقعود على عتبة الباب والاكل بالشمال ومسح الوجه بالاذيال والمشي على قشور البيض واللعب بالحصا والاستنجاء باليمين والمشي بالفردة

قال رسول الله ص لما نزل ... جبرئيل ... يا رسول الله ... الارض ...

سئل امير المؤمنين عليه السلام ما بالنا ندعو الله فلا يستجيب لنا

دعاءنا وقال ان قلوبكم ماتت بعشرة اشياء اولها انكم عرفتم الله فلم تؤدوا حقه والثانية انكم قرأتم القرآن فلم تعملوا به والثالثة ادعيتم محبة الرسول وابغضتم اولاده والرابعة ادعيتم عداوة الشيطان وواليتموه والخامسة ادعيتم محبة الجنة فلم تعملوا لها والسادسة ادعيتم مخافة النار [illegible] والسابعة اشتغلتم بعيوب الناس عن عيوب انفسكم والثامنة ادعيتم بغض الدنيا وجمعتموها والتاسعة اقررتم بالموت فلا تستعدوا له والعاشرة دفنتم امواتكم فلم تعتبروا

عن ابي جعفر عليه السلام قال ... الكرم والفتوة ... والحلم ... والحياء ... والرجاء والايمان والعفو [illegible]

عن رسول الله صلى الله عليه وآله عشرة ... [illegible] ... والرضا ...

عن ابي عبد الله عليه السلام قال عشرة مواضع لا يصلى فيها الطين والماء والحمام ومسان الطرق وقرى النمل ومعاطن الابل ومجاري الماء والسبخة والثلج ووادي ضجنان

١٣٥

عن ابي عبد الله عليه السلام قال لا يؤكل من الشاة عشرة اشياء الفرث والدم والنخاع والغدد والقضيب والعروق والطحال والرحم والحياء والاوداج او قال العروق وقال عليه السلام عشرة اشياء من الميتة ذكية العظم والشعر والصوف والريش والقرن والحافر والبيض والانفحة واللبن والسن

قال ابو عبد الله عليه السلام يحرم من الرضاع [illegible] الا ما [illegible]

عشرة لا يحل نكاحهن امتك وهي اختك من الرضاعة ولا امتك ولها زوج ولا امتك وهي عمتك من الرضاعة ولا امتك وهي خالتك من الرضاعة ولا امتك وقد ارضعتك ولا امتك وهي حبلى من غيرك ولا امتك [illegible]

عن ابي عبد الله عليه السلام قال ... يكسب صاحبه عشر خصال محمودة اولها الشرف وان كان دنيا والغنى وان كان فقيرا والعز وان كان حقيرا والقوة وان كان ضعيفا والنبل وان كان ... وان كان بخيلا ... والمهابة وان كان ... والسلامة وان كان سقيما

فصل في آداب الدعاء وهي عشرة

الأول أن يترصد لدعائه الأوقات الشريفة كيوم عرفة من السنة ورمضان من الأشهر ويوم الجمعة من الأسبوع ووقت السحر من ساعات الليل قال الله تعالى وبالأسحار هم يستغفرون وقال عم ينزل الله تعالى كل ليلة إلى سماء الدنيا حين يبقى ثلث الليل الآخر فيقول من يدعوني فأستجيب له ومن يسألني فأعطيه ومن يستغفرني فأغفر له وقيل إن يعقوب عم إنما قال سوف أستغفر لكم ربي ليدعو في وقت السحر فقيل إنه قام في وقت السحر يدعو وأولاده يؤمنون خلفه فأوحى الله تعالى إليه إني قد غفرت لهم وجعلتهم أنبياء

الثاني أن يغتنم الأحوال الشريفة قال أبو هريرة إن أبواب السماء تفتح عند زحف الصفوف في سبيل الله وعند نزول الغيث وعند إقامة الصلوات المكتوبة فاغتنموا الدعاء فيها وقال مجاهد إن الصلوة جعلت في خير الساعات فعليكم بالدعاء خلف الصلوات وقال النبي عم الدعاء بين الأذان والإقامة لا يرد وقال أيضا الصائم لا ترد دعوته وبالحقيقة يرجع شرف الأوقات إلى شرف الحالات أيضا إذ وقت السحر وقت صفاء القلب وإخلاصه وفراغه من المشوش ويوم عرفة ويوم الجمعة وقت اجتماع الهمم وتعاون القلوب على استدرار رحمة الله فهذا أحد أسباب شرف الأوقات سوى ما فيها من أسرار لا يطلع عليها البشر وحالة السجود أيضا أجدر بالإجابة لقول النبي عم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو ساجد فأكثروا فيه من الدعاء

الثالث

الثالث أن يدعو مستقبل القبلة ويرفع يديه بحيث يرى بياض إبطيه روى جابر بن عبد الله أن رسول الله عم أتى الموقف بعرفة واستقبل القبلة ولم يزل يدعو حتى غربت الشمس وقال سلمان قال رسول الله عم إن ربكم حيي كريم يستحيي من عبده إذا رفع يديه أن يردهما صفرا وروى أنس أنه عم كان يرفع يديه حتى يرى بياض إبطيه في الدعاء ولا يشير بإصبعه وروى أبو هريرة أنه عم مر على إنسان يدعو ويشير بإصبعيه السبابتين فقال عم أحد أحد أي اقتصر على الواحدة وقال أبو الدرداء ارفعوا هذه الأيدي قبل أن تغل بالأغلال ثم ينبغي أن يمسح بهما وجهه في آخر الدعاء قال عمر كان رسول الله عم إذا مد يديه في الدعاء لم يردهما حتى يمسح بهما وجهه وقال ابن عباس كان رسول الله عم إذا دعا ضم كفيه وجعل بطونهما مما يلي وجهه فهذه هيئات اليد ولا يرفع بصره إلى السماء

الرابع خفض الصوت بين المخافتة والجهر لما روي أن أبا موسى الأشعري قال قدمنا مع رسول الله عم فلما دنونا من المدينة كبر وكبر الناس ورفعوا أصواتهم فقال النبي عم يا أيها الناس إن الذي تدعون ليس بأصم ولا غائب إن الذي تدعون بينكم وبين أعناق ركابكم ولقد أثنى الله تعالى على نبيه زكريا حيث قال إذ نادى ربه نداء خفيا

الخامس أن لا يتكلف السجع في الدعاء فإن حال الداعي ينبغي أن يكون حال متضرع والتكلف لا يناسبه قال عم سيكون قوم يعتدون في الدعاء وقد قال تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين قيل معناه التكلف للأسجاع والأولى أن لا يجاوز الدعوات المأثورة فإنه قد يعتدي في دعائه

فيسأل

ثم يختم الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم ... وكذا ... قال

... ويقبل الصلوتين ... الدعاء ... كاف ...

جنبتين ويقضى ... الاجابة ... مثل التوبة ...

فذلك هو الباب ... التوبة ... الاجابة

وعقد النطق ... وعقد اللسان ... العنوان ... الرضوان ... الحكمة ...

... وعقد الصوم ... الصلاة ...

والحاسد والجاهل ... المدمن ... الخاتم والنمام والكذاب ... المحتاج ... عشرة

... ثم الباب ... ويعجل ... يقبل ... يصحف ...

... وهذا تمام العشرة والله اكرم

مالا يقتضيه

المعاتبة فاكل احد بعضهم ... الفصاحة ... بعضهم ... فان

يحسن الدعاء ... والاقتصار لا الملال ... لا تزيد ... سورة ... البقرة ...

الانطلاق وتقلبات ان الدلم والالحاح ... العلماء ... فادرها ... وذلك ... وعلم ان المراد ... الرحمن

في الدعاء على ... كما ... والذلة والخضوع والاقتصار ... الاولى ...

التقاء ... قال ... والخشوع ... فينبغي ان ... الحبوب ... عند الله

... فان ذلك ... متواترة ... لكنها ... متقطعة ... كانوا ... والجنات ...

والامر ... التضرع ... والرغبة والرهبة ... الاجابة ... اذا احب ... العبد ... فيه قال

او يمسك ... الخشوع ... والرغبة ... وقال صلى الله عليه وسلم ... ويصدق ... دعاءه ...

السادس ... تضرعا وخفية ... اللهم ارحمني ... ثلاثا ... ابن مسعود كان اذا دعا

بيعثم ... السابع ان يلح ... الدعاء ... ويكرره ثلاثا ... قال ... فلا يقل ...

يقل احدكم ... الثامن ... الدعاء ... التاسع ان يفتتح الدعاء بذكر الله ... سبحان

ثلاثا ... الدعاء الا ... رسول الله صلى الله عليه وسلم ... العاشر ... الاعلى ...

سلمة ... الاكوع ... الله تعالى ... بالصلوة ... على النبي صلى الله عليه وسلم



باب عشر في العبارة

ارتكاب [illegible] بين [illegible] الكلام كقصيدة

التخلص وهو ان [illegible] وسلك واحد [illegible]

[illegible] يتعلقا [illegible] التخلص [illegible] العقول [illegible]

فيتقل اليه [illegible] المتعدده [illegible] وحفظ الموده [illegible]

المتمدح [illegible] الشعرا [illegible] وقد اخذت [illegible] ارادوا [illegible]

ابراهيم في سورة الشعرا [illegible] يطلع الجود [illegible] والعفو [illegible]

النحول [illegible] ابو تمام [illegible] فقلت كلا ولكن [illegible]

[illegible] شمس تغرب ان [illegible] الابل [illegible] العطايا [illegible]

مطلع [illegible] فيها من يستحق اسم الكاتب [illegible] ابن عباد

والسر [illegible] قواعد اصول الكتابة [illegible] في موضع [illegible]

الطهور والاعتاق [illegible] التصحيف [illegible] صحابه

منه [illegible] كثير [illegible] وكان [illegible] جماعة من [illegible] فلم

[illegible] متعلقة تدل على [illegible] حياء [illegible] والحبايس

ولكل [illegible] الفضل [illegible] احسن الناس وجها [illegible] ابن عمار [illegible] مراده فقال

[illegible] الخبايز [illegible] الحبيس [illegible] اراد بقوله الخبايز

وحبس [illegible] ابن عمار [illegible]

فاقبل على ابن عمار [illegible] وعلموا [illegible] القاضي [illegible] للقاضي

فقال الحاضرون [illegible] ما انفق

لا يعجبها [illegible] اشتهر [illegible] الخناثين [illegible] ومن عجايب [illegible] القبالة

فاجاب ابن عمار [illegible] في موضع [illegible] كتبته [illegible] حيل

[illegible] وداره [illegible] دخل عليه

فلم [illegible] الا [illegible] الهيئة

والشباب

قال الله تبارك وتعالى

اعلموا انما الحيوة الدنيا لعب و

لهو وزينة وتفاخر بينكم وتكاثر في الاموال

والاولاد الآية وقال جل علا انما مثل

الحيوة الدنيا كماء انزلناه من السماء فاختلط به

نبات الارض مما ياكل الناس والانعام

وفي كتاب كشف الاسرار شبه الله الدنيا بالماء ليس له

قرار وكذلك الدنيا والماء قليله كاف وكثيره مضر وكذلك

الدنيا [illegible] استقر والماء ان امسكته تغير و

صار بليته وبالماء تميز الارض الطيبة من الارض الخبيثة كذلك المال يتميز به

الكريم من اللئيم والماء طبعه النقصان وكذلك الدنيا والماء الكثير يفسد الزرع

كذلك المال الكثير يفسد القلب انتهى ملخصا

وللبلغاء في هذه

المادة كلمات حسنة

فمنها قول بعضهم ان الدنيا

تقبل اقبال الطالب وتدبر ادبار

الهارب وتصل وصال الملول وتفارق

فراق العجول خيرها يسير وعيشها قصير واقبالها

خديعة وادبارها فجيعة ولذاتها فانية وتبعاتها باقية

واغتنم غفوة الزمان وانتهز فرصة الامكان وخذ من نفسك لنفسك

وتزود من يومك لغدك قال سليمان عليه السلام اوتينا مما اوتي الناس ومما لم يؤتوا

وعلمنا مما علم الناس ومما لم يعلموا فلم نجد شيئا افضل من تقوى الله في السر والعلانية

والقضيب [illegible] جبريل

[illegible] فقال [illegible] فيها [illegible]

اتدخل [illegible] جبريل عليه [illegible]

[illegible] فقال نعم

الكلب [illegible]

الغائب [illegible] واغنيا [illegible]

واعطاه من جمال [illegible]

مثل الدنيا مثل الحية لين مسها قاتل سمها فاعرض

عما يعجبك فيها لقلة ما يصحبك منها

ودع عنك همومها لما ايقنت من فراقها و

كن آنس ما تكون بها احذر ما تكون منها وان صاحبها كلما

اطمأن منها الى سرور اشخصته عنه الى محذور

[illegible]

عفو

فيما ورد من المواعظ الاخبار [illegible]

فصل [illegible] الوجوه الواقع [illegible]

الاحاديث عشرة [illegible] الاول يشتغل الناس [illegible]

[illegible] الامام يخطب [illegible] يشتغل بالاذان [illegible]

النظر [illegible] الرابع يعلم [illegible] يشتغل بقضاء [illegible]

باستماع [illegible] ومذاكرة [illegible]

القارئ القرآن [illegible] المشتغل برواية الحديث يشتغل بالمعصية

المغتاب [illegible] التاسع [illegible] الحمام [illegible]

[illegible] جنبية

[illegible] العلماء [illegible] الاعمال [illegible]

[illegible] والدم [illegible]

الاول [illegible] الرابع [illegible] الوجه [illegible]

الثالث [illegible] الماء [illegible] النظر

الثاني [illegible] السابع [illegible] الكلام [illegible]

[illegible] لقضاء الحاجة [illegible] الذكر [illegible]

[illegible] التاسع [illegible] والصلوة [illegible]

[illegible] والدعاء [illegible] والصلوة

قال ابن المقفع ولبك ان الفقر خير من الغنى وان القليل المال خير من المكثر لقاوك مخلوقا عصى الله بالغنى ولم تر مخلوقا عصى الله بالفقر قوله عصى الله بالغنى يعني بسبب تحصيل الغنى ولم تر مخلوقا عصى الله بالفقر يعني بسبب تحصيل الفقر والا فالفقر ربما كان سببا للفسق كالسرقة وقطع الطريق وتعطيل الفرائض كالغزو والكفر والعياذ بالله منهما او كاد الفقر والفسق يدل على ذلك قول النبي عم في دعائه اللهم اني اعوذ بك من غنى يطغيني ومن فقر ينسيني ٥ والله اعلم

قيل لبعض لو دعوت الله تعالى يرزقك حمارا فقال انا اكرم على الله ان يجعلني خادم حمار

قال وهب بن منبه مثل الدنيا والاخرة مثل ضرتين ان ارضيت احدهما اسخطت الاخرى ٥

[illegible] العالم ان [illegible] نفسه [illegible]

[illegible] عشرة اشياء [illegible] ٥

[illegible] عشرة اصناف من الناس تسعة [illegible] وواحدة في العالم

[illegible] قسم [illegible] عشرة تسعة في الروم وواحدة في العالم [illegible]

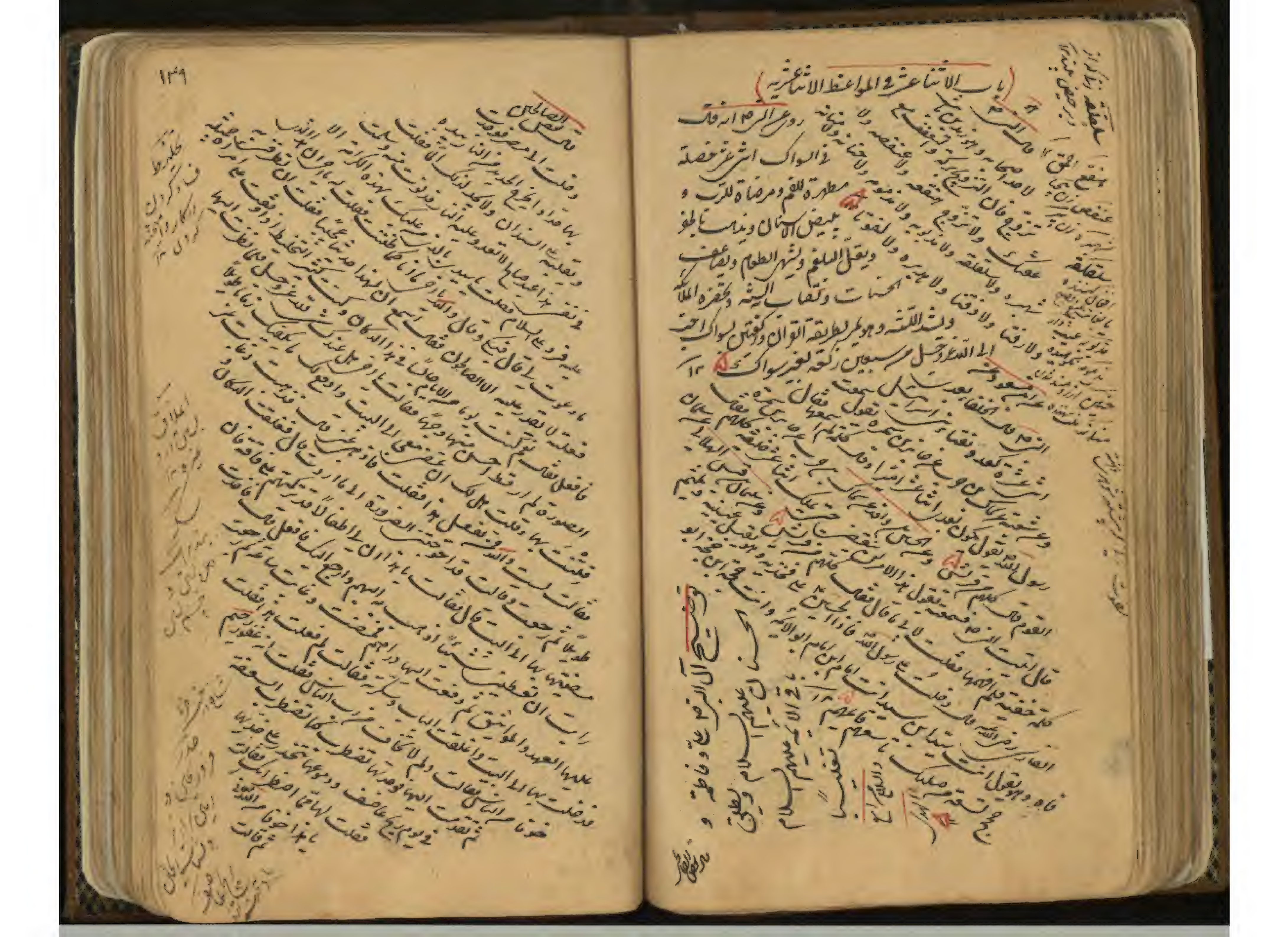
قسمت البركة عشرة [illegible] وواحدة في العالم قسم [illegible] عشرة [illegible]

[illegible] تسعة في [illegible] وواحدة في العالم [illegible]

قسمت النجدة عشرة تسعة في الترك وواحدة في العالم ٥

والسلام على من اتبع الهدى





باب الاثنا عشر في المواعظ الاثنا عشرية

روي عن الرضا ع انه قال

في السواك اثنتا عشرة خصلة

مطهرة للفم ومرضاة للرب و

يبيض الاسنان ويذهب بالحفر

ويقل البلغم ويشهي الطعام ويضاعف

الحسنات وتصاب به السنة وتحضره الملائكة

ويشد اللثة وهو يمر بطريقة القرآن وركعتين بسواك احب

الى الله عز وجل من سبعين ركعة بغير سواك

يا جداه [illegible]

[illegible] لك ان [illegible] قال يا جداه [illegible]

لا في الدنيا ولا في الآخرة [illegible]

[illegible]

فائدة

[illegible] الايام المردودة في كل شهر [illegible]

[illegible] محرم [illegible] ربيع الاول [illegible] ربيع الثاني [illegible] جمادى [illegible] رجب [illegible] شعبان [illegible] شوال [illegible] ذو القعدة [illegible]

[illegible]

فائدة [illegible] الخضر [illegible] المعجمة لقبه
الذي رق الخضر بكسر الضاد واسمه بليا بن [illegible] وهو
بفتح الخاء المعجمة [illegible] ابا العباس [illegible] وهو في
وكان الكتبة [illegible] ابليس [illegible] الملائكة لا [illegible] عليه السلام
موجودة مقصودة [illegible] آدم [illegible] خلقه [illegible] الاولاد [illegible] انهم
ان نوح [illegible] وكان ابوه [illegible] خضر [illegible] قبل [illegible] الموت والعرفان كان [illegible]
ارض بيضاء [illegible] كان نبيا [illegible] التصوف [illegible] انه قوله [illegible] الصالحين
وبه قال الاكثرون [illegible] عند اهل [illegible] ان [illegible] الاولياء الصالحين
متفق عليه وكان [illegible] الاولياء [illegible]
وذلك [illegible] عليه السلام
في المواضع [illegible] عندنا انه عليه السلام [illegible]
صحيح والاصح عندنا [illegible]

[illegible] العلم ان يكون طالبه [illegible] افضل [illegible]
[illegible] الا ان [illegible] العلم [illegible]
[illegible] والعلم [illegible] الفقه النفعة
[illegible] والعلم [illegible] عليه
[illegible] الاموال [illegible] احياء والعلماء
[illegible] العلماء [illegible] مفقودة
وآثارهم [illegible] موجودة
والسلام [illegible]

ان [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم
نقل الصحابة [illegible] سبحان الله [illegible] عظيم [illegible] ابنا [illegible]
عن [illegible] قوله تعالى [illegible] سبحان الله [illegible] العظيم [illegible]
والارض فقال [illegible] لا اله الا الله والله اكبر [illegible] ولا قوة الا بالله العلي العظيم [illegible]
[illegible] استغفر الله ولا حول ولا قوة الا بالله [illegible] وله الحمد [illegible] حديث صحيح [illegible]
الحمد لله [illegible] والظاهر والباطن له الملك [illegible] ان [illegible] وجنوده
هو الاول والآخر [illegible] على كل شيء قدير [illegible] الثالثة
لا يموت [illegible] خصال فالاول [illegible] ان [illegible] نقل [illegible] رضي الله
واعطت [illegible] خصال [illegible] الثواب يكون في ميزانه [illegible] الرابعة [illegible]
الثانية [illegible] الجنة لا [illegible] اثنا عشر ملكا يكتبونه في رق منشور
يرفع الله له درجة في الجنة [illegible] كان [illegible] الكتب الاربعة
الحور العين [illegible] شهيد [illegible] كان [illegible] يوم او
يشهدون له يوم القيامة [illegible] وان [illegible] في زمرتهم
وكتب له حجة مقبولة وعمرة مبرورة وكان في زمرة
[illegible] طبع عليه بطابع الشهداء [illegible]
[illegible] او [illegible] وصدق [illegible] وشدد [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
فمن [illegible] فهو لا [illegible] في [illegible]

عن علي عليه السلام وعنه انه قال ... جبل ان ... ستة

عن الرضا ع انه قال خصلة ... [illegible] ... واربع للتسمية ... وان كل

لا يعلمها الا ... اربع منها فالفرقة ... فالعرفة ... ثلاثة ... اصابع وان ...

[illegible] ... فاما ... جبل ... والاكل ... والمضغ ...

واربع منها ... فالجلوس ... فتصغير اللقمة والمضغ ...

الرضا واما ... الاصابع واما الادب ... القصية ...

[illegible] ... وفض الاصابع ... واليدين ...

وقوله النظر في وجوه الناس ... والسلام

عن الحسن عليه السلام

[illegible]

وسلم ان ... النفس والعالم ... ستة صفات

الى ... عشر عددا ... وهكذا ... صلوات الله عليهم ... صلى الله

تشتمل على اسماء الائمة المعصومين صلوات الله ... الحسن والحسين

الاسماء ... ادم ... الحسن ... الحسين ... محمد

... محمد رسول الله • الحسن • الحسين • علي بن الكاظم

... محمد حبيب الله • الحسن المجتبى • الامام الكاظم ...

... فاطمة ... الامام الصادق ... وهكذا محمد ... الجنة ...

فاطمة بنت محمد • الامام الباقر • القائم المهدي ... اثنا عشر حرفا ... وايضا ...

علي بن الحسين • الحسن العسكري ... ان الوقف ... علي حسين علي محمد جعفر موسى علي

علي بن الجواد ... ثلاثة عشر حرفا ... علي حسين ... الاثني عشر ... حسن

... الحروف المكررة ... يبقى ... محمد حبيب الله

الحروف المكررة ... فبعد اسقاط الحروف ... الامام المعصوم ... الامام الثاني

حسن محمد ... وايضا بكل امام ... اول الائمة ... خليفة ...

م د ج ف ر و ... امين الله حقا ... الحسين بن علي

الصادق الامين علي امام الهدى الامام الثالث الحسين ... الامام الباقر

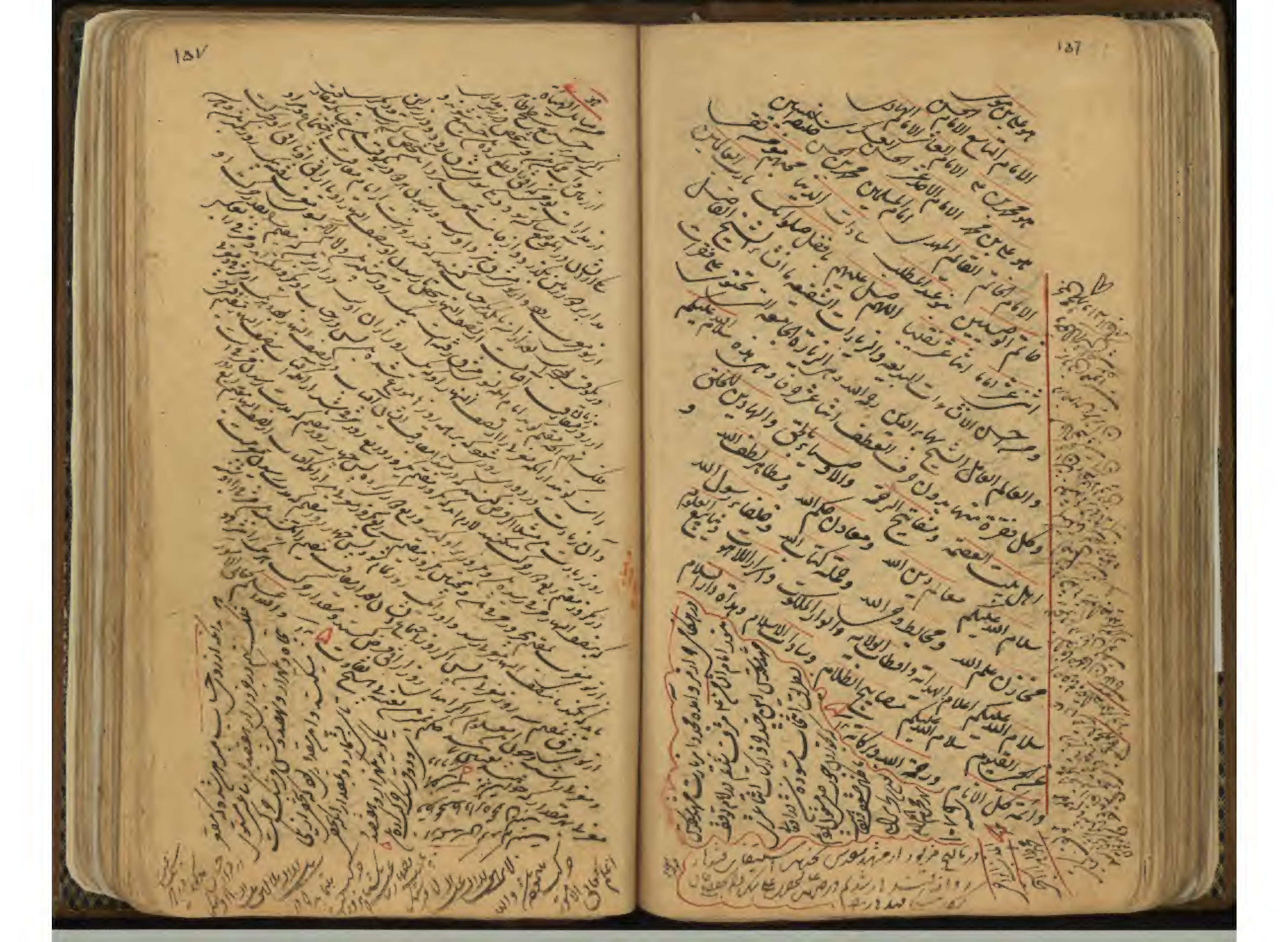
الحسن المجتبى وارث المرسلين الامام الخامس ... جعفر بن محمد

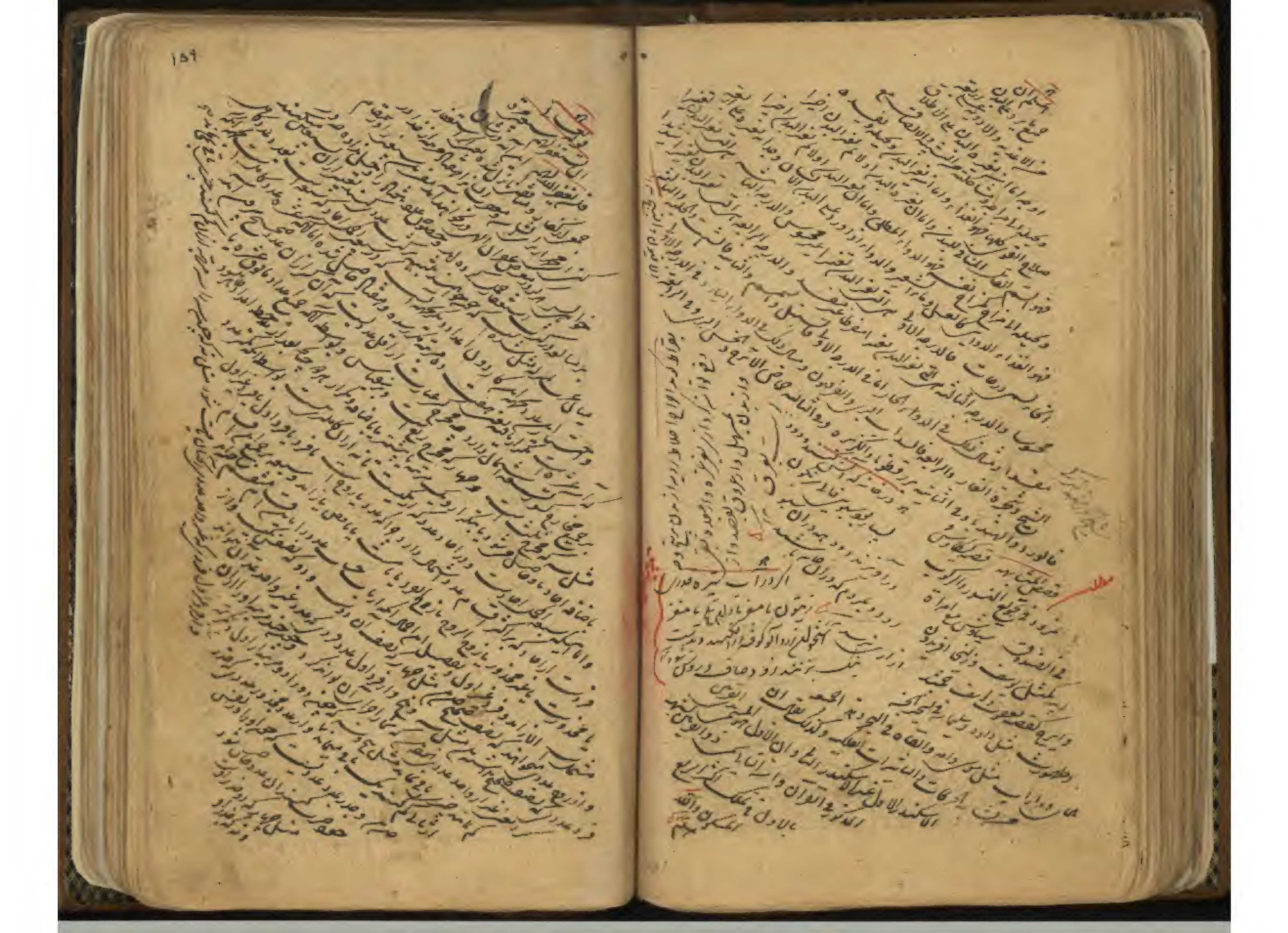
الامام الرابع علي بن الحسين وارث النبيين ... الامام السادس ...

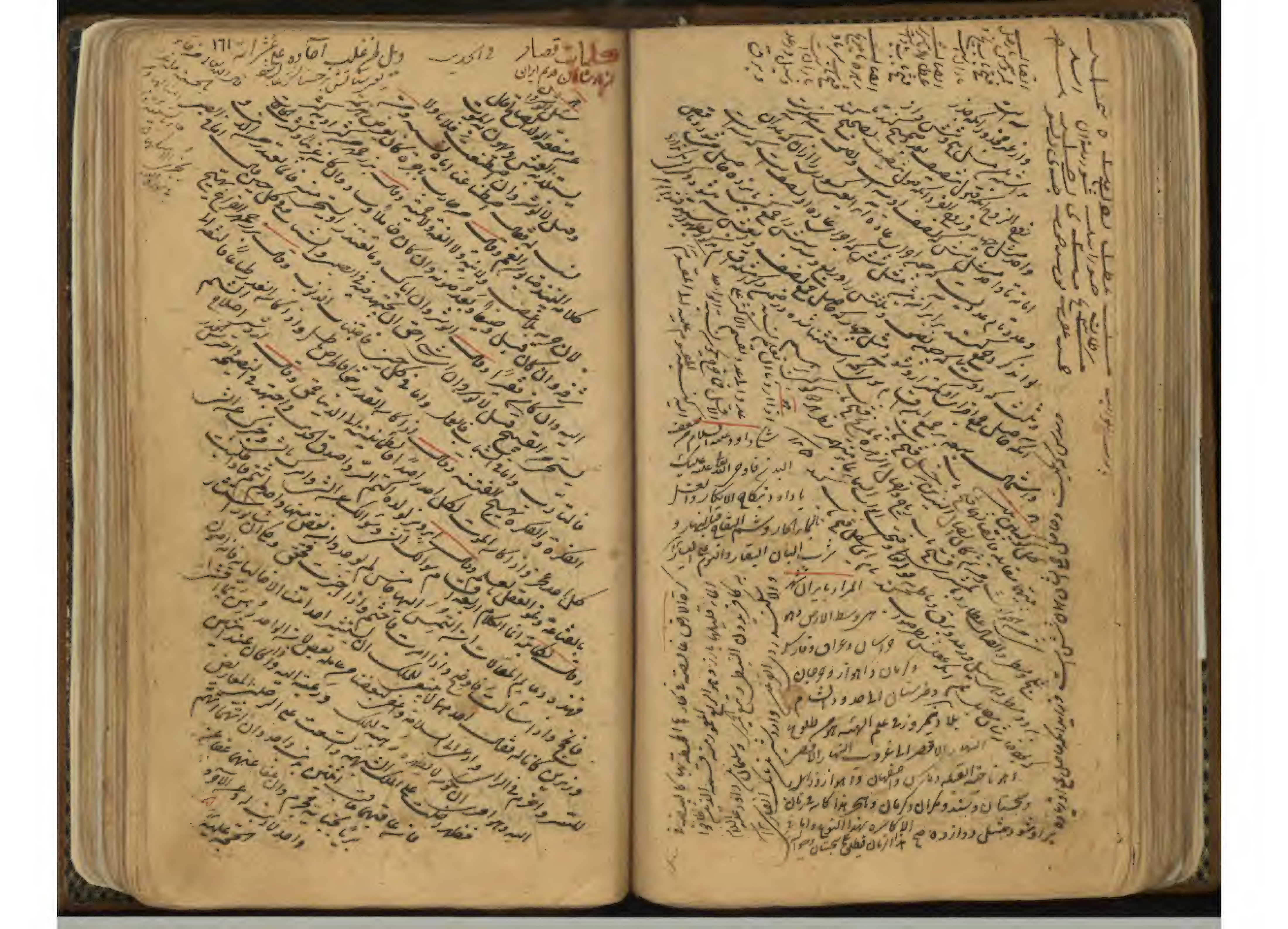
... محمد بن علي امام المؤمنين ... موسى بن جعفر الكاظم

الامام ... علي بن موسى ... الامام الثامن ...

... موسى بن جعفر ... الامام الرضا







كان بعض … اذا غضب على … فاصمت … فقيل له في ذلك … بسجان …

مواعظ و نكت للزهد دخل سالم بن عبد الله على هشام في البيت فقال له هشام سل حاجتك قال اكره ان اسئل في بيت الله غير الله

و ما اخبر ابو حازم سليمان بن عبد الملك لو عبد الله بن … قال فاين رحمة الله قال قريب من المحسنين نظر

لو ما انا مالك بن دينار … بصدقة علانية فقال يا … اذا كثرت … فاستره قيل لابي حازم كيف القدوم على الله يوم القيمة فقال

اما العاصي فالابق قدم به على مولاه و اما المطيع فالغائب قدم على اهله

قال بعض السلف … انت في طلب الدنيا … الحاجة اليها معذور و انت في طلبها مع الاستغناء عنها مغرور

قيل لحكيم صف لنا الدنيا و اوجز فقال … محكمة مستعير قال سفيان يا ابن آدم … ان جوارحك سلاح الله عليك بها …

قال … في … فلا تحسبن الله غافلا عما يعمل الظالمون … و لا تحسبن … للمظلوم و وعيد للظالم …

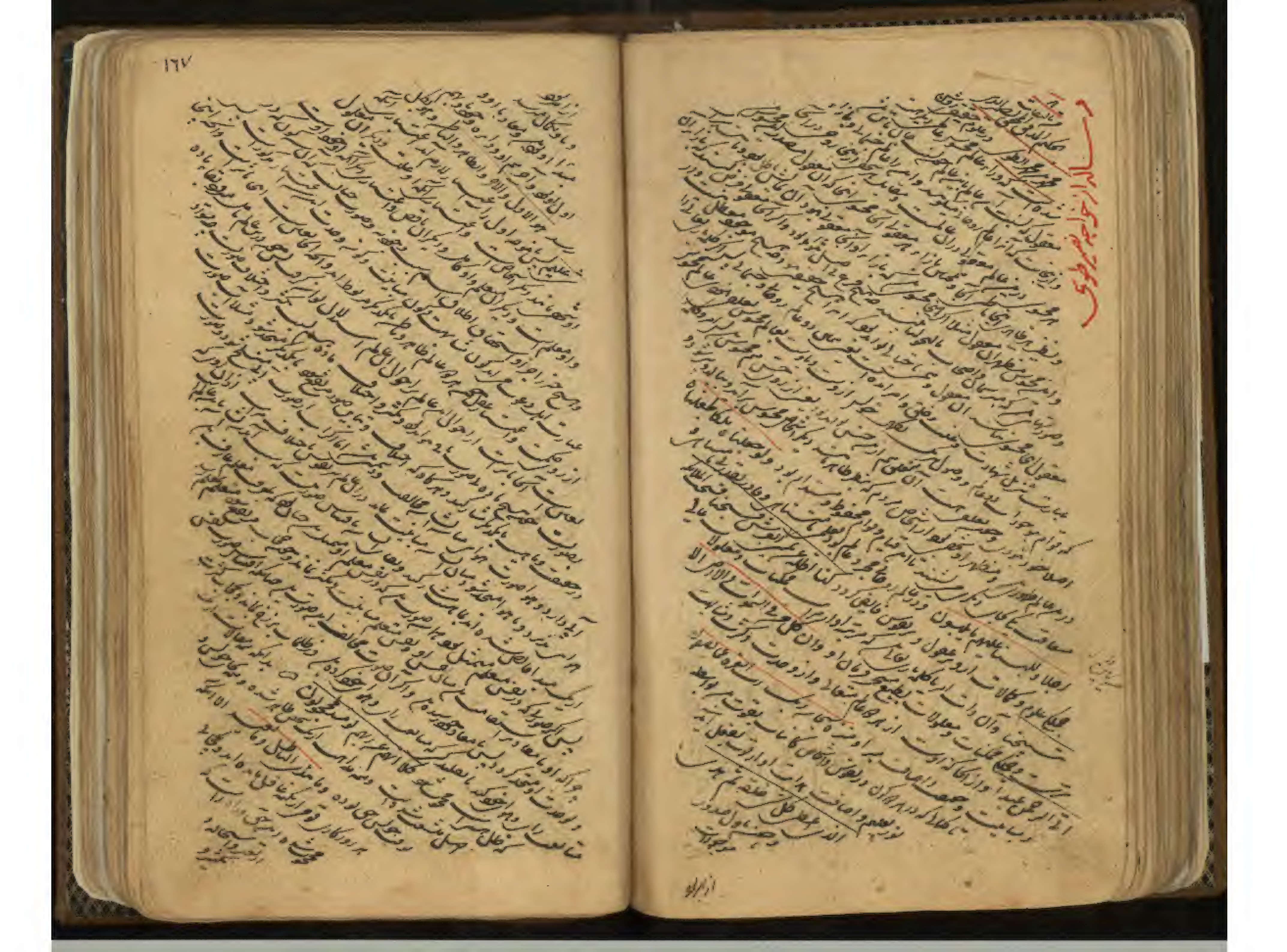
نفحة عفن … السماك … اول … القرآن …

[illegible]

ابتداء … الاحكام … التلاوة … الوقوف … [illegible]

[illegible]

زیارة مطلقة مختصرة یزار بها کل واحد من الائمة الاثنی عشر سلام الله علیهم
وجدوت علی ما قال ذوانا الفقیر بهاء الدین محمد العاملی وسمیتها بالاثنی عشریة لان
کل فقرة منها بدون حرف العطف اثنا عشر حرفا سلام الله علیکم
اهل بیت العصمة ومفاتیح الرحمة والاوصیاء بالحق والهادین للخلق
سلام الله علیکم معالم دین الله ومعادن حکم الله ومظاهر لطف الله
ومخازن علم الله ومهابط وحی الله وحملة کتاب الله وخلفاء رسول الله
سلام الله علیکم اعلام الهدایة واقطاب الولایة وانوار الملکوت
واسرار اللاهوت وینابیع العلوم وعالم الغیوم سلام الله علیکم
مصابیح الظلام وسادات الانام وهداة دار السلام و
ائمة کل الکلام ورحمة الله وبرکاته



قضیت منزه است ... [illegible]

... [illegible] ... و فیض ... [illegible]

... لا تنقل ... [illegible] ... اول ... [illegible]

... [illegible] ... تعلیمیان ... [illegible]

... [illegible] ... ونقصان ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... اول ... [illegible]

... [illegible] ...

ظاهر و مشهور نزد اهل تعلیم و خرد است
که میان معلول اول و علت اولی واسطه
نیست و مذهب تعلیمیان است که صدور
موجودات از باری تعالی که مبدأ اول است بتوسط
حضرت که ازو از عبارت ... اول امری است امر او
یا کلمه او تعالی میخوانند و علت اولی عقل کل را که معلول او
امر باری تعالی است حق باری تعالی از علت و معلولیت منزه است
و موصوف ایشان که و تحقیق حق و ابطال باطل درین از جمله مهمات است
حیث که از تحقیق آن غافلند از معرفت حق محجوب مانده اند و الحق در صورت
هر که از انصاف در حق تأمل کند داند که او را ... حکم ... که اصحاب تعلیمیان ...
لازمست ... که او را از عاقلیت حاصل است که حکم میکنند که از واحد حقیقی جز واحدی صادر
نشود ... اگر از واحد حقیقی مثلا دو موجود در یک مرتبه صادر شود علت آنکه از دو موجود
اول صادر شد غیر علت آنست که از موجود ثانی صادر شد پس این دو علت متغایر اگر
در ماهیت واحد حقیقی داخل باشند واحد حقیقی ... و اگر از و خارج باشند سخن در صدور آن
از و همان سخن که در صدور آن دو موجود که فرض کرده ایم و جمیع این ... باطل معلوم شد
که از واحد حقیقی دو موجود در یک مرتبه باهم صادر نشوند پس معلول اول هم واحد است و آن
عقل اول است این تقریر حکیم است و بعد از تمهید این قواعد از آن غافل مانده که
ندانند که چون از واحد حقیقی واحد صادر شود ... اعتبار ... در شده ... صدور
دو موجود ... اعتبار میکنند صدور یک موجود ... اعتبار
میکنند پس آن اعتبار که با وجود معلول اول از مبدأ اول صادر شده است که اگر از و قطع
نظر کنند هیچ موجود از وی صادر نشود ... هیچ موجودی ... که ...
... حکم را ... از واحد ... لازم آمد و از جهت علت اول ... راه ... حق
بر و ... و تعلیم که از ... قبل ... حکم آمیز از تنزیل انما امره اذا اراد
شیئا ان یقول له کن فیکون امر و کلمه نام کرده اند این آیه اقتضا میکند که
صدور موجودات از باری تعالی موقوف بکلمه کن است و بلفظ ... که ...
فایده ... بیان کرده که امر عبارت ... از آن کلمه است پس اثبات ...

تعلیمیان

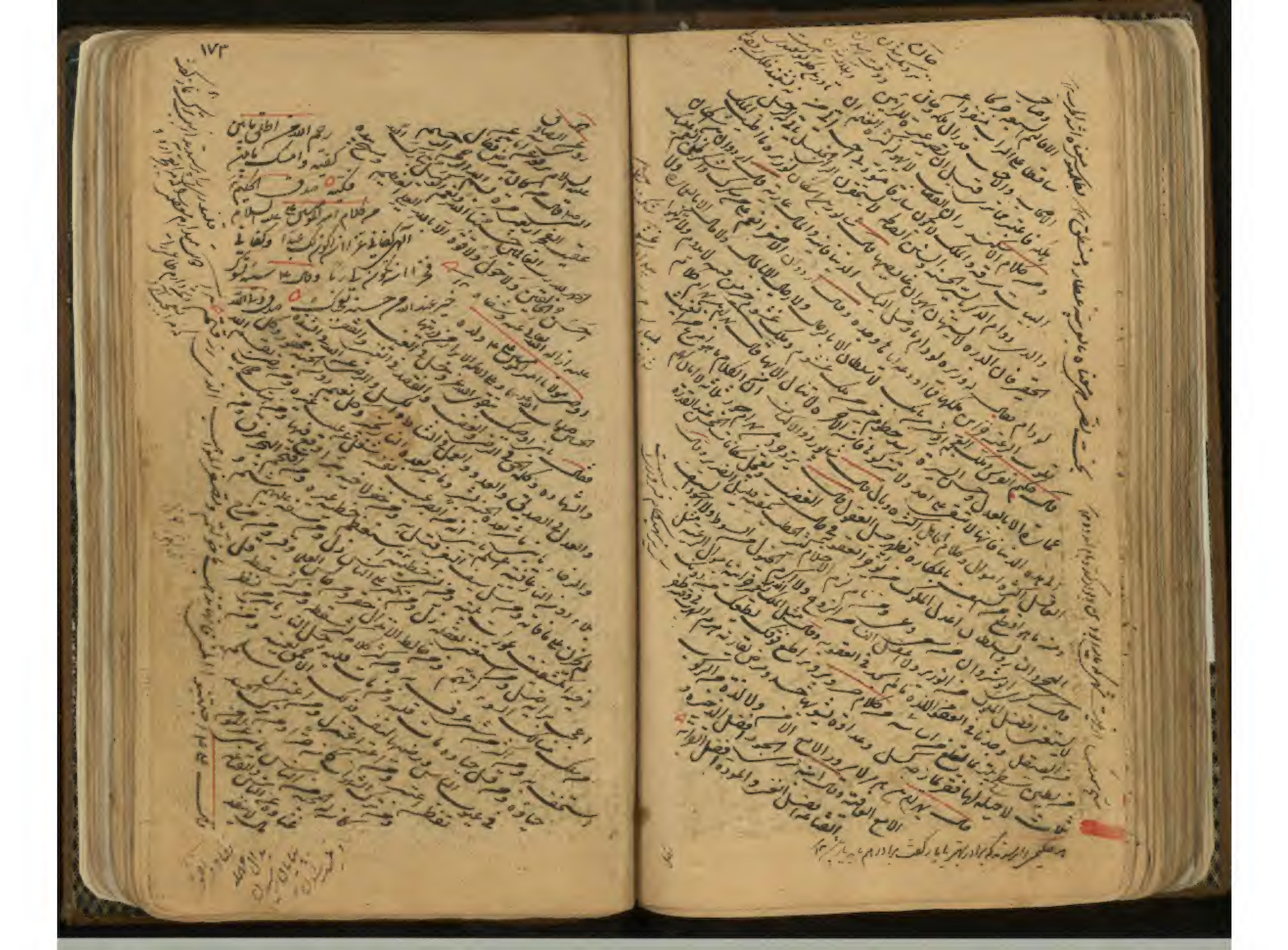
کلمات قصار
وپند بانان ایران
ازفردوسی نوشته

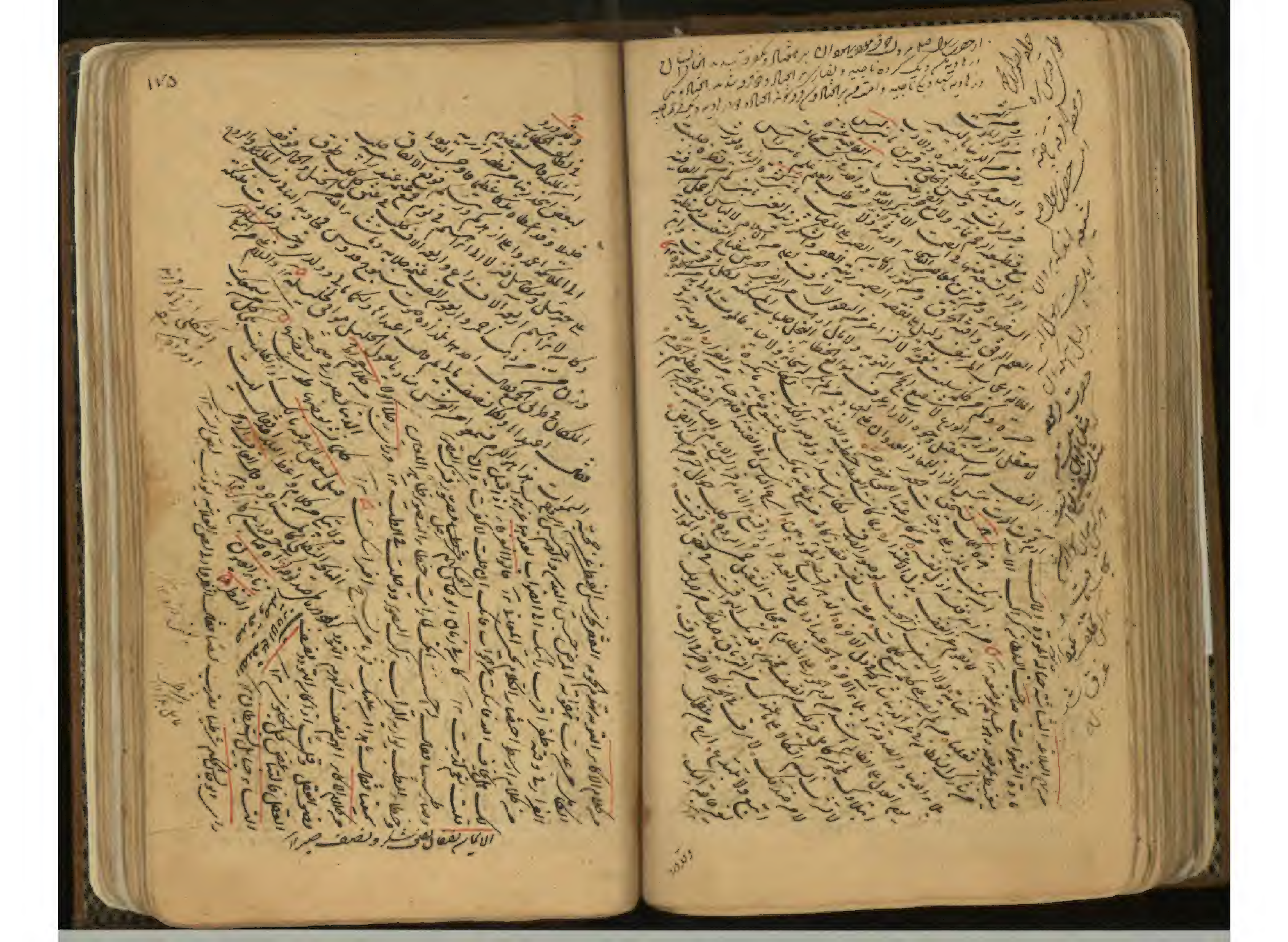
تعریف وحدت وقول تعلیمات

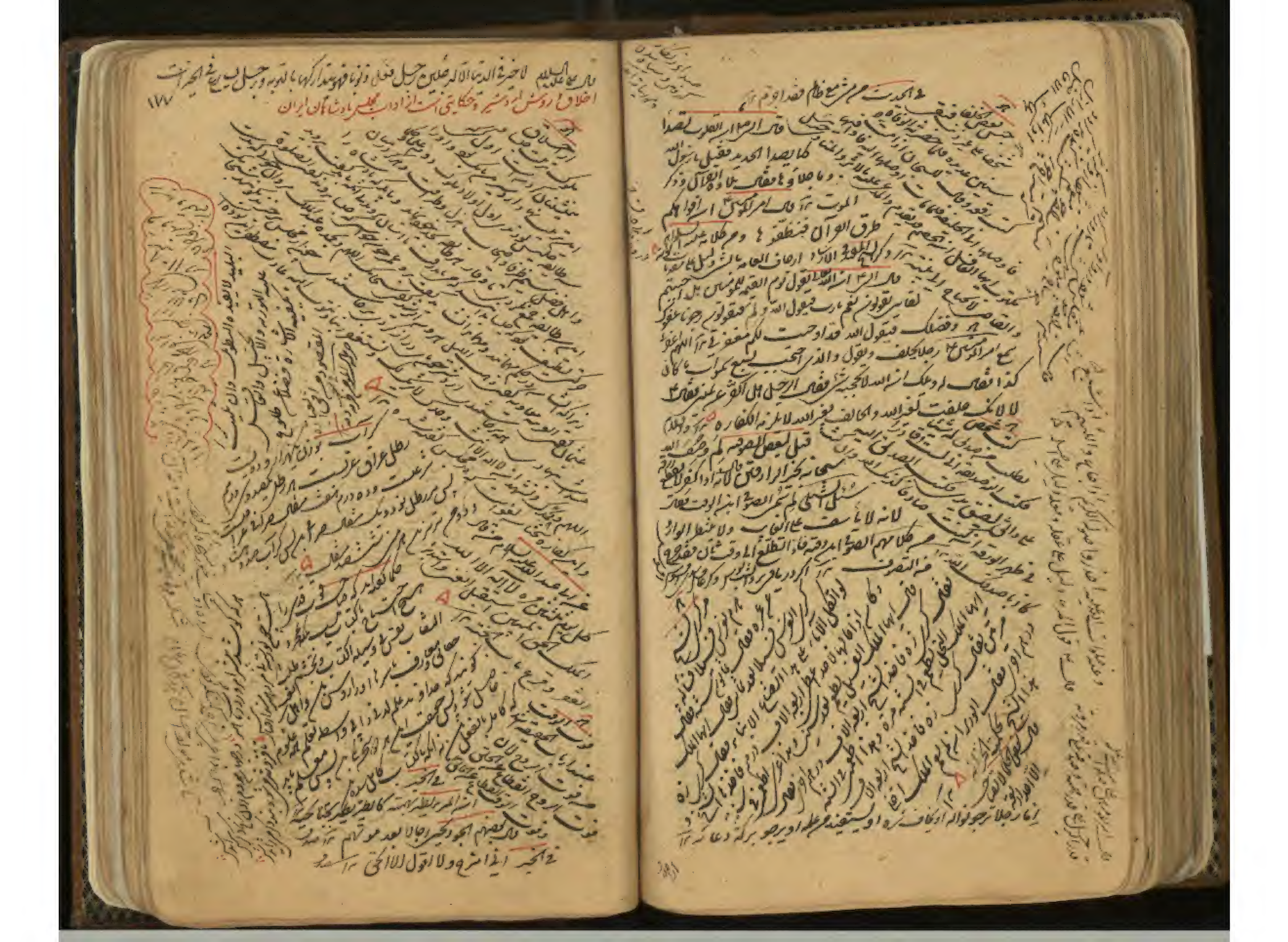
اعتبار درآید که ابن تعلیم بدعوی ثبوت آن مسعود نه هم از حکمت و هم از شرع
شواهد یافته می شود ۵ بدانکه اطلاق لفظ علت او را در عبارات حکما
مرجح بعد احتیاط است و برامر او که مصدر موجودات است صواب بل هر
وصف و تنزیه که افاضل حکما و اهل معرفت از عقلا حواله جانب او ما کرده اند
اشاره بامر او سبحانه است که روی با عالم وحدت محض لا یزال دارد و روی با عالم
کثرت و امکان و او را آنچه که اوست از هر دو روی منزه و متعالیست چنانکه

اشاره است

در عبارت محققان لذا کرهم السلام آمده ما جاء فی الله فهو فینا اما مرد
می شد که در غلو یا تقصیر معتقد بحد مزال اقدام لبابست و صراط مستقیم دین الله بین
المقصر و الغالی از موی باریکتر و از شمشیر تیزتر است ۵ والله [illegible]







قال عليه السلام لا خير في الدنيا الا لرجلين رجل يعمل ذنوبا فهو يتداركها بالتوبة ورجل يسارع في الخيرات

اخلاق و روش اردشیر و حکایتی است از آداب ملوک پادشاهان ایران

وليس معك منه شيء

كانت تتردد الى المرأة يهودية

كانت تتردد الي في زمن خديجة وحسن العهد من الايمان

كلام وخطب رطب ويابس كف وخوان منتظر

[illegible]

ومن كلامه ان الطمع يجري امور الدنيا
على غرض فتمامها منها بالقضاء
والقدر ومنها ما بالاجتهاد ومنها
بالعادة ومنها ما بالطبع فاما الذي بالقضاء و
القدر فالرزق والاجل والاهل والولد والسلطة
واما الذي بالاجتهاد فالعلم والفروسية والكتابة والجنة
والنار واما الذي بالعادة فالاكل والشرب والنوم والنهوض و
النكاح واما الذي بالطبع فالحلم والصدق والتواضع والسخاء والرفق

[illegible]

والشاب والصائم واهل الاخرة [illegible] الطاهر و[illegible]
[illegible] العبد [illegible]
وقيل [illegible] الحلق [illegible] حسن الصوت [illegible]
ان الله جميل يحب الجمال واما [illegible] المعشوق فهو اما حياة واما [illegible]
وكل منهما [illegible] فافضل [illegible]
الصانع المطلق [illegible]
والشقيق والحيوان كالخيل والمعادن كالذهب والياقوت الا غير ذلك
ومن احسن [illegible] الاحمر والذهب [illegible]

[illegible]

مجاهدة السفهاء [illegible] الاكبر [illegible] مجاهدة الاعداء [illegible] بالسيف

[illegible]

كن فوق المراه ... حتى ... الحديث ... صلعم

واللباس ... لذته ... ولده ... ثلث ... قيل ... البقر

وقيل ... ولده ... موقوفة ... قبل ... الوقف

السمه ... وعليه ... كرامته وان

... لقارب المراه ... قبل ...

فيقضى حاجته قبل ... حاجتها منه وبهذا ...

الحكم ... فانه ... القول ... الولاده ... علم ...

لم ... لملاعبه ويكره الجماع في المحاق واول الشهر

... رمضان قيل وليله النصف

[illegible]

... الرسول ...

... رجل من اليهود ...

... عليه مكتوب ... هذه الاسما وقال ...

... لا كافي ... سلطان

ولا سبع ولا سيف ولا ... اعدائكم ...

اشعا ادوناى ... الوهى ...

ساماى الوهى ... صواب ...

[illegible]

وعظ و پند ما اگر نداره و غم عمر داده ایم گویا گران برآمده کار سبکتران

ذكر الصلاة والعجائب عن ابن عباس رضي الله عنه قال لقيت كعب الاحبار فقلت
كم انزل الله على الرسل من كتاب وصحف فقال مائة واربعة فقلت كم قرأت منها قال
اثنين وسبعين قلت هل وجدت فيما قرأت دعاء اذا دعا العبد اعطي ما سأل
قال نعم وبينما هو قال اللهم اني اسألك يا من ملك حوائج السائلين ويعلم
ضمائر الصامتين وان لك في كل مسئلة سمعا حاضرا وجوابا عتيدا
وان لك من كل صامت علما ناطقا محيطا مواعيدك صادقة و
اياديك فاضلة ورحمتك واسعة ونعمتك سابغة الا منك
بنظرة كريمة يا ذا الجلال والاكرام فقال ابن عباس انزلت العلم
رب العزة في المنام وسمعت منه هذا الدعاء كما قرأته ۱۲ قال رجل

مراد آنست که موزونیت بالطبع باشد و بطرق اکتساب
بسبب علم عروض حاصل میتوان شد

حيف شده‌ران

نقل الاكابر
قالت البنت ولا البنين وهب ولا الرجال ... الزرقاء من امرأة
البنت وارضعت باللبن ولا اصبع النفل ... واجرت العلة ... اسمها ... حدرة النفل
... كانت ... الشمس من سيرة ثلثة
... ايام الغرب لها المتكل فقالوا ان
... فلانا اغرب من العنقاء واعجب من الفزارة
... من الاخوار

[illegible] ... ارحل الصالحا ...

افضل الاعمال ما اكرهت نفسك عليه

عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم ونقض الهمم وحل العقود

مرارة الدنيا حلاوة الآخرة وحلاوة الدنيا مرارة الآخرة

فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك والصلوة تنزيها عن الكبر والزكوة تسبيبا للرزق والصيام ابتلاء لاخلاص الخلق والحج تقوية للدين والجهاد عزا للاسلام والامر بالمعروف مصلحة للعوام والنهي عن المنكر ردعا للسفهاء وصلة الارحام منماة للعدد والقصاص حقنا للدماء واقامة الحدود اعظاما للمحارم وترك شرب الخمر تحصينا للعقل ومجانبة السرقة ايجابا للعفة وترك الزنا تحصينا للنسب وترك اللواط تكثيرا للنسل والشهادات استظهارا على المجاحدات وترك الكذب تشريفا للصدق والسلام امانا من المخاوف والامامة نظاما للامة والطاعة تعظيما للامامة

[illegible]

روي ... عن النبي ... من قرأ سورة ... يوم الاحد ... [illegible]

قال رسول الله لا يمين لولد مع والده ولا لمملوك مع مولاه ولا للمرأة مع زوجها ولا نذر في معصية ولا يمين في قطيعة

قال الشيخ شهاب الدين السهروردي ... [illegible]

... ثم الخنصر ثم السبابة ثم البنصر ... [illegible]

فان الملك بها ... [illegible] ... الفقر

... بالسنة والادب ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

لما قتل الحسين عليه السلام ارسل محمد بن الحنفية الی علی بن الحسين فخلا به ثم قال يا ابن اخی قد علمت
ان رسول الله كان جعل الوصية والامامة من بعده لعلی بن ابی طالب ثم الی الحسن ثم الی الحسين
وقد قتل ابوك ولم يوص وانا عمك وصنو ابيك وولادتی من علی وانا احق بها
منك فلا تنازعنی فی الوصية والامامة ولا تحاجنی فقال عليه السلام يا عم اتق الله
لا تدع ما ليس لك بحق انی اعظك ان تكون من الجاهلين يا عم ان ابی اوصی الی قبل ان يتوجه
الی العراق وعهد الی فی ذلك قبل ان يستشهد بساعة وهذا سلاح رسول الله
عندی فلا تتعرض لهذا فانی اخاف عليك نقص العمر وتشتت الحال فان اردت
ان تعلم ذلك فانطلق بنا الی الحجر الاسود فقال علی بن الحسين لمحمد بن الحنفية ابتدی فابتهل
الی الله عز وجل وسله ... فابتهل فی الدعاء وسأل الله ثم دعا الحجر فلم يجبه فقال علی بن الحسين يا عم
لو كنت وصيا واماما لاجابك فقال له محمد فادع انت يا ابن اخی
فدعا الله عز وجل علی بن الحسين ثم قال اسألك بالذی جعل فيك ميثاق الانبياء
وميثاق الاوصياء وميثاق الناس اجمعين لما اخبرتنا من الوصی والامام
بعد الحسين عليه السلام فتحرك الحجر حتى كاد ان يزول عن موضعه ثم انطقه الله عز وجل بلسان
عربی مبين فقال اللهم ان الوصية والامامة بعد الحسين بن علی الی علی بن الحسين بن
علی بن ابی طالب عليه السلام

[illegible]

[illegible]

مقام الاستدلال در نماز از موجبات وسبب رفع درجات گردد والا فهو داخل

فیمن کان ربنا به یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم الله والله یهدی من یشاء

العبد قرأ او شیع واو عبدا واطع قالت والکلب عن خصال منها للغفران

یکون مؤمنا فانه بخصال والا الکلب خیر منه الاول اکثر الاوقات یکون جایعا وذلک

آداب الصالحین والثالث انه لا یکون له موضع معین وذلک من اخلاق المتوکلین والرابع

ادامات ما یبقی منه شیء وذلک من علامات الزاهدین والرابع انه لا ینام من اللیل الا قلیلا

وذلک من صفات المحبین والخامس انه لا یترک باب صاحبه وان ضرب وطرد وذلک

من شیم المشتاقین والسادس انه یکون راضیا من الدنیا بما یعطیه وذلک من شأن

المتواضعین والسابع انه اذا غلب علی مکان تحول عنه الی غیره وذلک من خصال الراضین

والثامن انه اذا طرد وضرب ودعی اجاب وذلک من علامة الصادقین والتاسع

انه لا یخلی ذخیرة لغد وذلک من صفات المتوکلین والعاشر انه اذا مات لم یخلف شیئا

کان قبل من هذا الکلب خیر منه فیکون قدوة ما الله من اعلم من الاسلام لا من یستعد

للحق والباطل والاسلام لا یستعد الا للحق ولهذا قال الله تعالی ان الدین عند الله الاسلام

[illegible]

قال صاحب الفلاح نقلا عن آدم انه من عزیز الزمان او افسح منه

انسان وزان درهم مع مثله سکرا وانقدا ذلک من اول الیوم تحت الشمس

برج السرطان الحمل وادیم ذلک الا ان یحل الشمس برج السرطان و

فعل ذلک کل عام فانه لا یمرض السنة ولو منع الطبیعة صورة ان البلوة

[illegible]

اول بر داشته آن علمدار بحر صفا شنیدم از قول اروم و برالفة

جعفر الصادق ثم و آنکه اسلام تقوی و نفع عام [illegible]

آموخت [illegible] و گر [illegible] دریافت [illegible]

[illegible]

قال امير المؤمنين صلوات الله عليه عجبت لمن يشتري العبيد بماله فيعتقهم كيف لا يشتري

الاحرار بمعروفه فيسترقهم ۝ عجبت لمن يرجو رحمة من فوقه كيف لا يرحم من دونه

عجبت لمن يحتمي الطعام لاذيته كيف لا يحتمي الذنب لاليم عقوبته ۝

از ارقام او ... و نظام حال عالم الهي ارائه و اثبات ملكين اولي السيئة ان هو واقع ...

عدم وقوع اوست ... ملكوت ... الهي ...

جهل بعضي لازم آمد ... علو كبير ...

و علي اكرم ... العالم ...

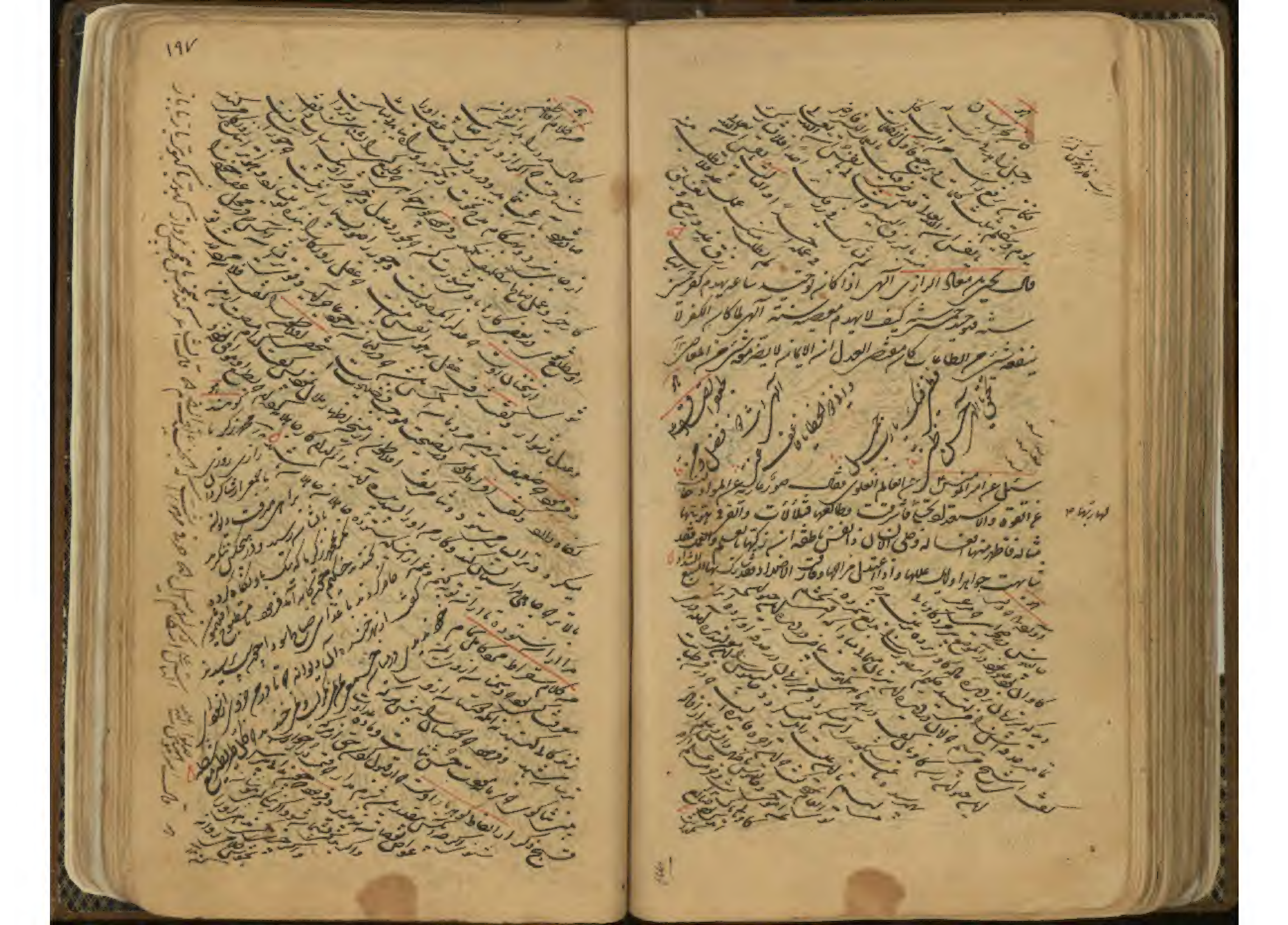
الملائكة جمع ملاك وهو مقلوب مالك بفتح اللام وهو ماخوذ من الالوكة وهي الرسالة و

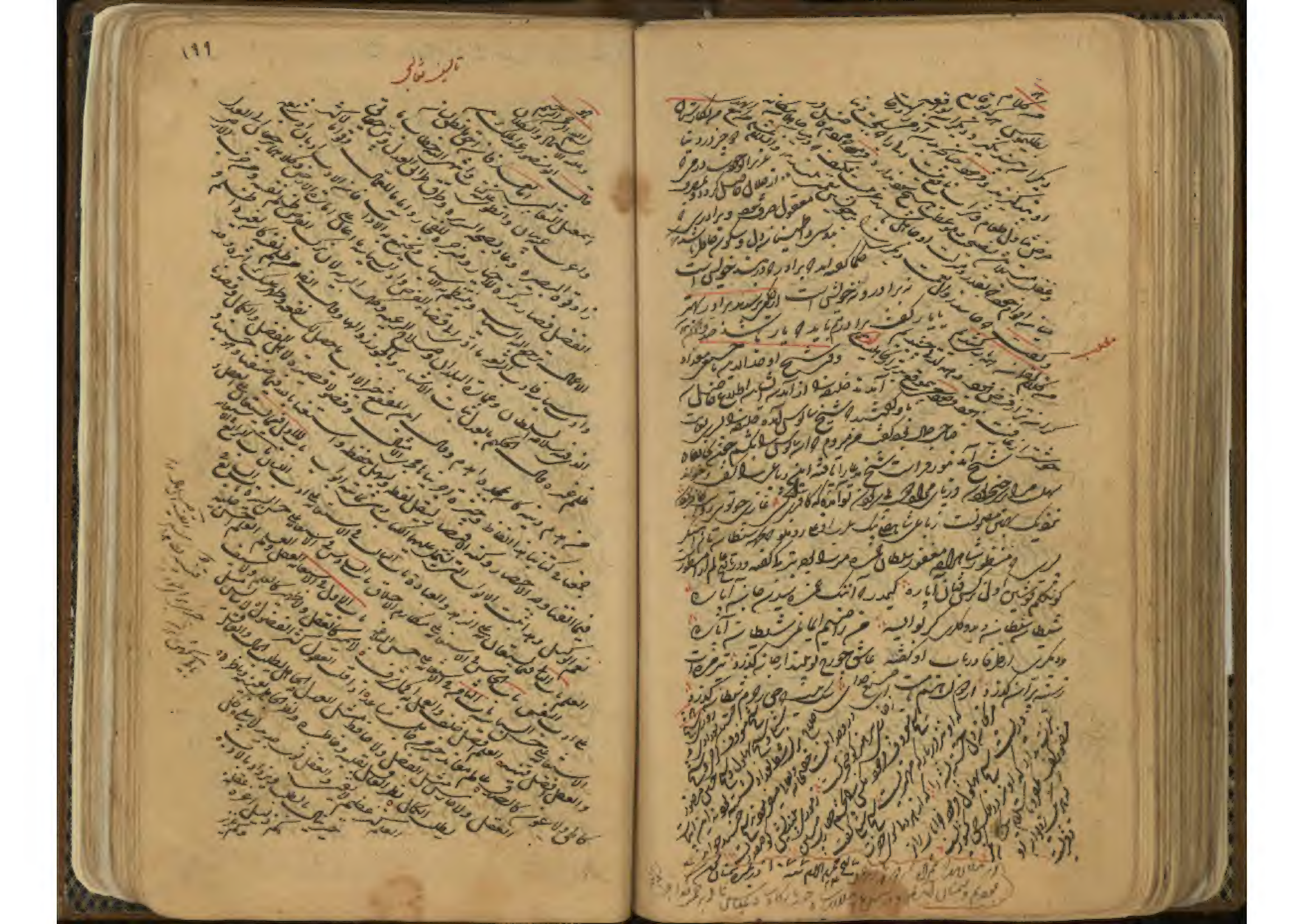
خفف مالك في الاستعمال وقيل ملك

[illegible]

قال النبی صلی الله علیه وآله من اراد [illegible] [illegible]
لامیر المؤمنین علیه السلام من کثر کلامه کثر خطؤه ومن کثر خطؤه قل حیاؤه ومن قل
حیاؤه قل ورعه ومن قل ورعه کثرت ذنوبه ومن کثرت ذنوبه مات قلبه ومن مات قلبه کانت النار اولی به

[illegible]







هرکه دولت [illegible] که گفت [illegible] خوبش [illegible]

[illegible]

ای ترک [illegible] ای روح جان

از بهر خدا [illegible] وصال

آنروز که زاده بود در گلستان

قحط میان [illegible] و [illegible] دهان

[illegible]

[illegible]

خوف امراض از ماکولات ردیه

اعراض [illegible] نماید و [illegible] از ذنوب [illegible]

کم [illegible] و در کثرت اغماض والله [illegible]

هرکه از خود [illegible] ظلال [illegible] و ظلم اهل [illegible]

صحبت عوام [illegible] در لذت

جهت آن [illegible] آرزو [illegible] عقل [illegible] کند [illegible]

بدترین خصلت [illegible] و بهترین [illegible]

[illegible] سوال [illegible] و [illegible] نعمت [illegible]

[illegible] خوله و گشت [illegible]

نعمت [illegible]

[illegible]



[illegible]

فصل في صقال السيوف

[illegible] والسلاح [illegible] على الاسكندر

[illegible] باخذ الصابون ويجعله في قرع

[illegible] يتقاطر من الدهن ثم يخلط ماؤه ويطرح

الدهن ثم يجلى السيف بالنار في مواضعها

[illegible] العلوية حتى يحمر بالغاية ثم باخذ الصابون المذروع

الدهن وليطرحه على لبد على قدر السيف طوله وعرضه

وليضع عليه السلاح من الجانبين ليعلق على اللبد والصابون المذروع

منه الدهن حتى يستقر ويكون بمنزلة المسن [illegible]

قال ابو بكر وغاية المدح ان يقال [illegible]

لا يريد مدحك وغاية الذم ان يقال [illegible]

قال الخليل اشهر ان اكون عند الله من اربح الناس

وعند الناس من اوسط الناس وعند نفسي من اقل الناس

قال الخليل من استعمل الحزم في وقت الاستغناء عنه

استغنى عن الاحتيال في وقت الحاجة اليه [illegible]

قولهم ارسل حكيما ولا توصه [illegible] الدرهم [illegible] قال بعضهم المتعلق

في حواشي الكتب كالشنوف في آذان الابكار [illegible] وقال

الخليل اجعل ما في كتبك راس مال وما في صدرك للنفقة [illegible]

روي ان [illegible] اوحى الى موسى لا تقتل الساحر فانه [illegible]

[illegible]

والوفاء [illegible]

[illegible] وعليك [illegible] ولا تغتر بقول [illegible]

[illegible] والذم [illegible] تواضع [illegible]

[illegible] النفس [illegible] التواضع [illegible] الاحوال مع كل [illegible]

بالسوء [illegible] وعليك [illegible] الادب وجميع الفضائل [illegible]

[illegible] ولا تنظر الى [illegible] الادب [illegible] ولا [illegible]

[illegible] وعليك [illegible] فاعلم [illegible]

سواء [illegible] صغيرهم وكبيرهم [illegible]

في الله [illegible] الخلائق [illegible]

[illegible] الفضل [illegible] العدو [illegible] البخيل [illegible]

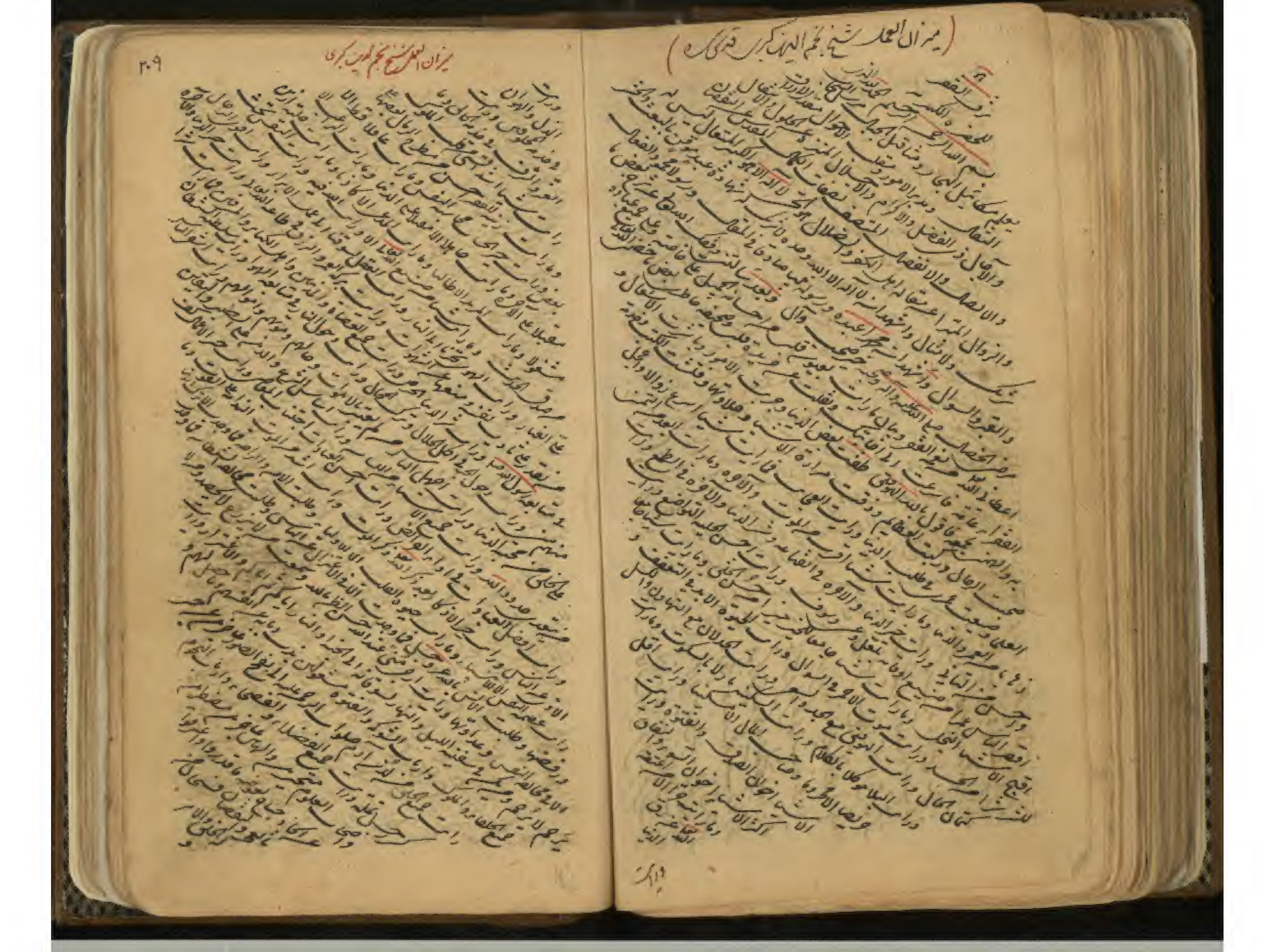
[illegible] الصلوة [illegible] والبخل [illegible]

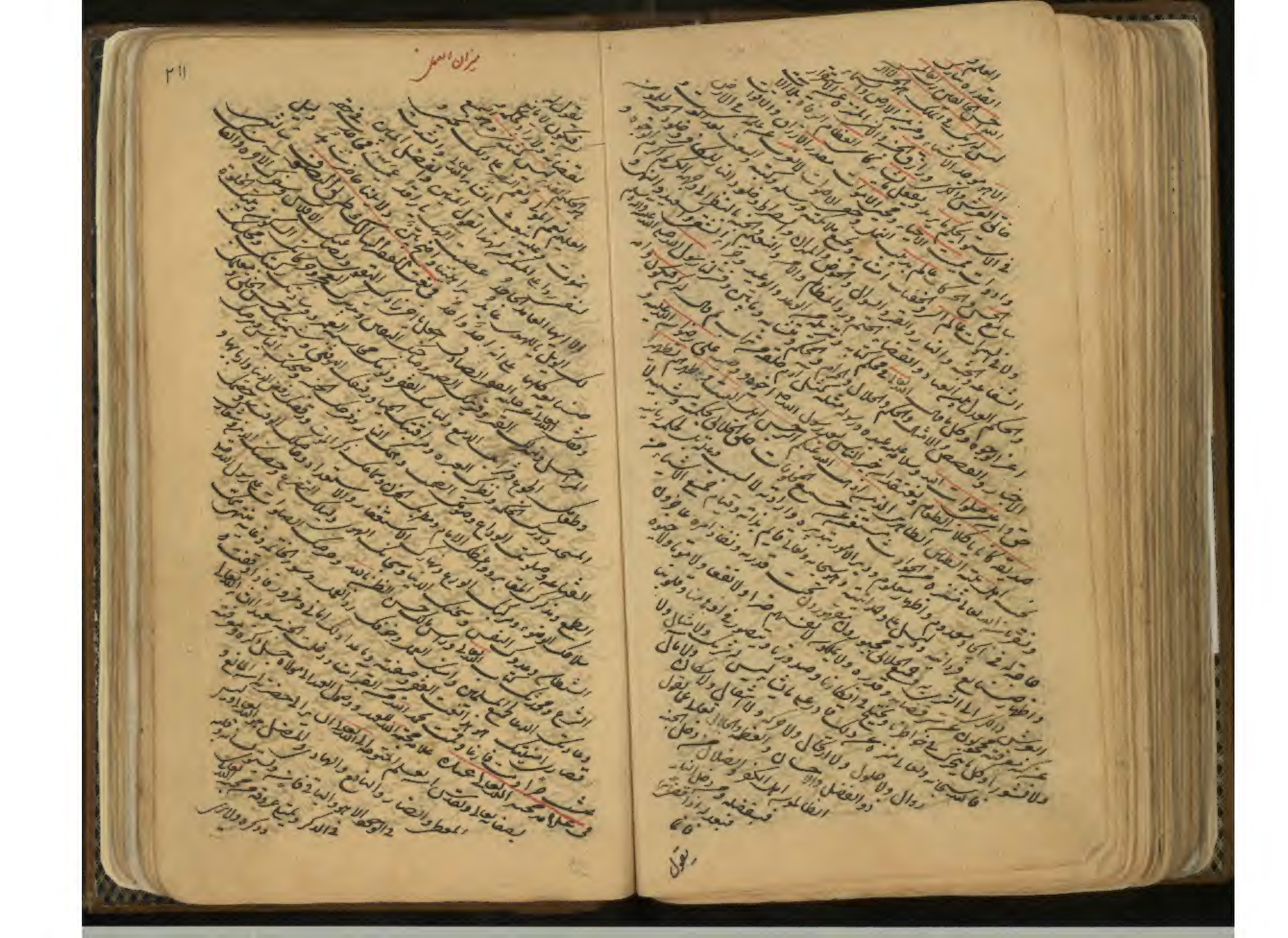
[illegible] الناس [illegible] الطاهر [illegible] الاعلى [illegible]

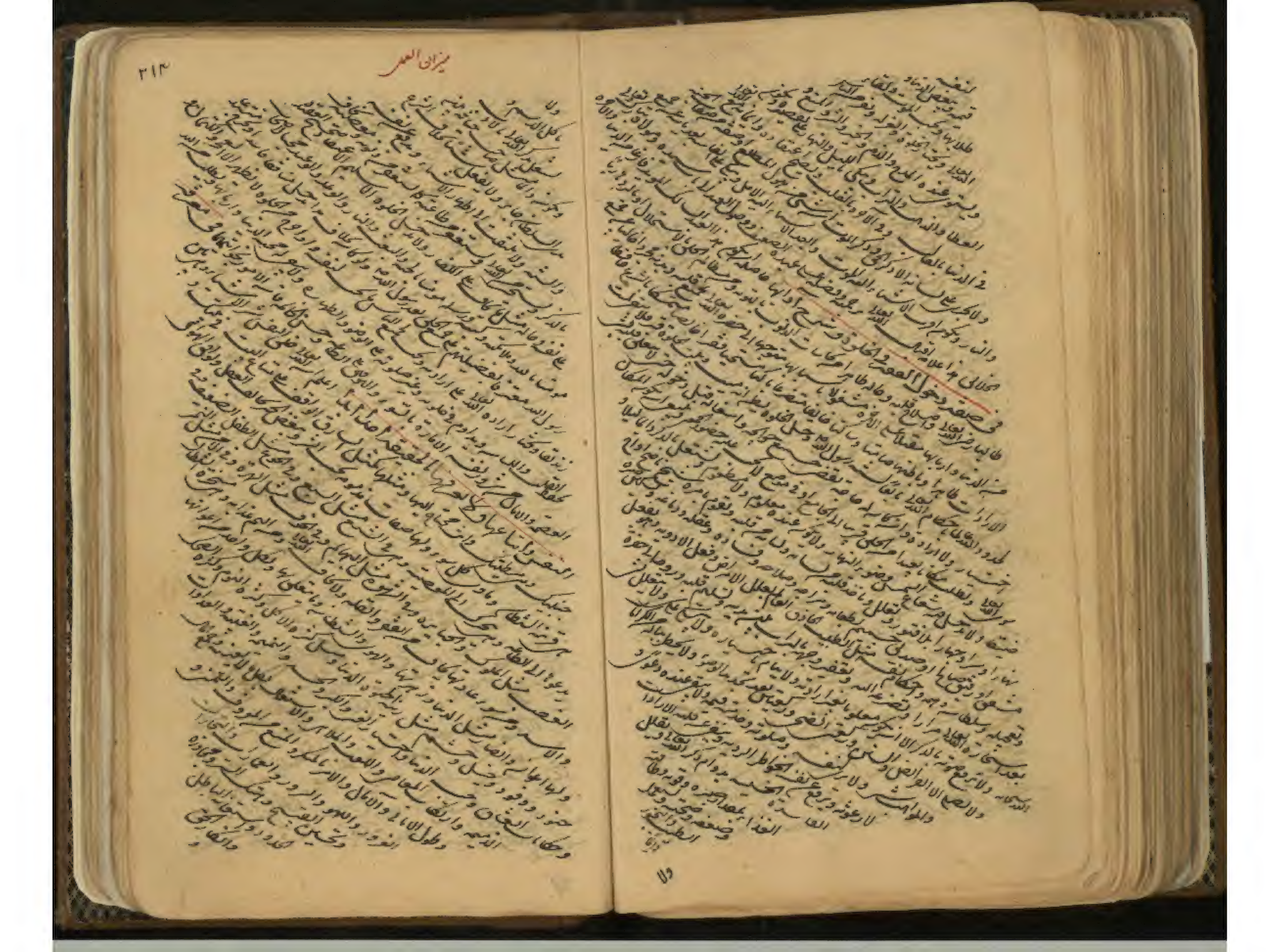
[illegible] النفس [illegible] الاحوال [illegible]

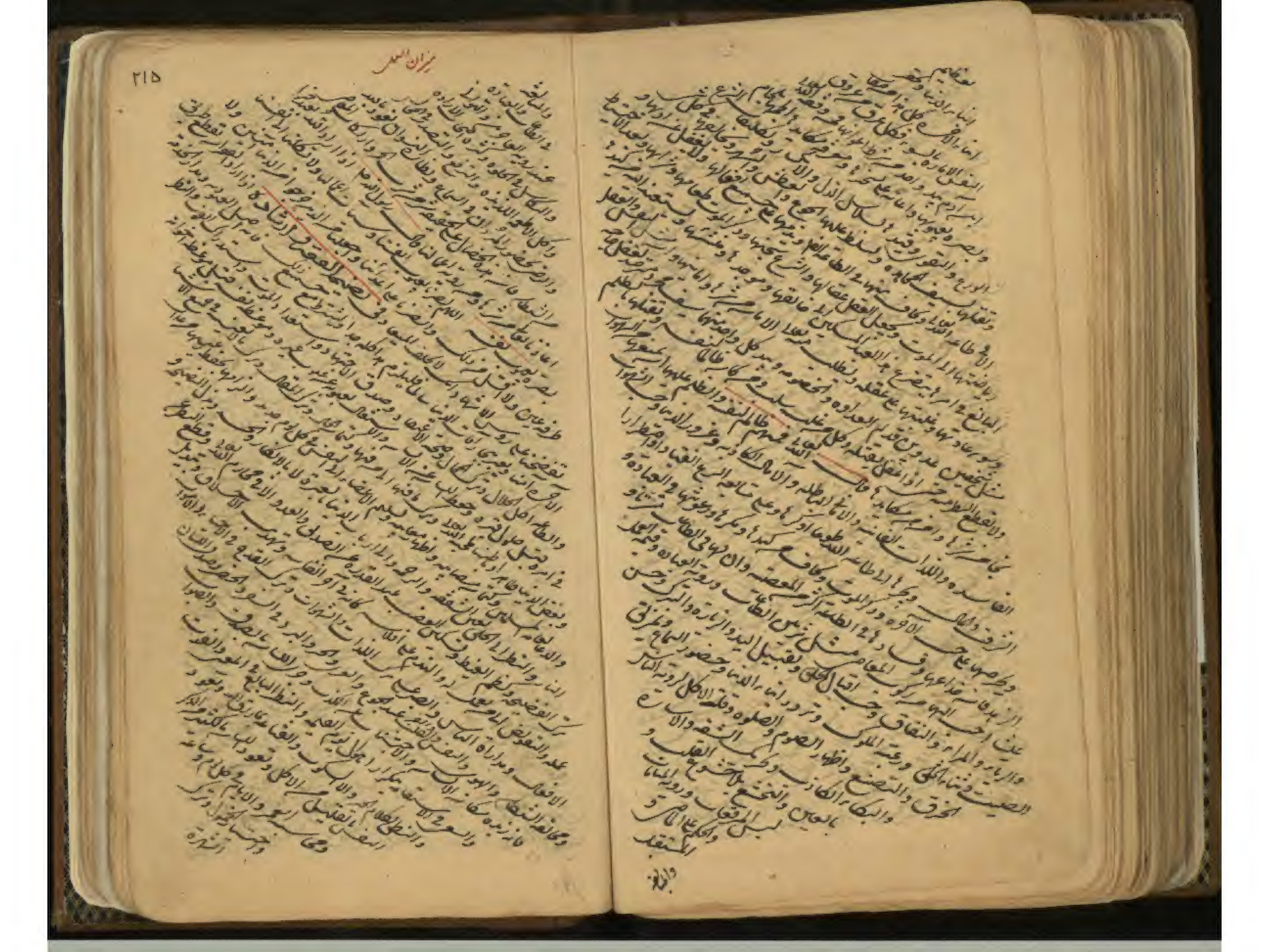
[illegible] الرزق [illegible] كل [illegible] مبين [illegible]

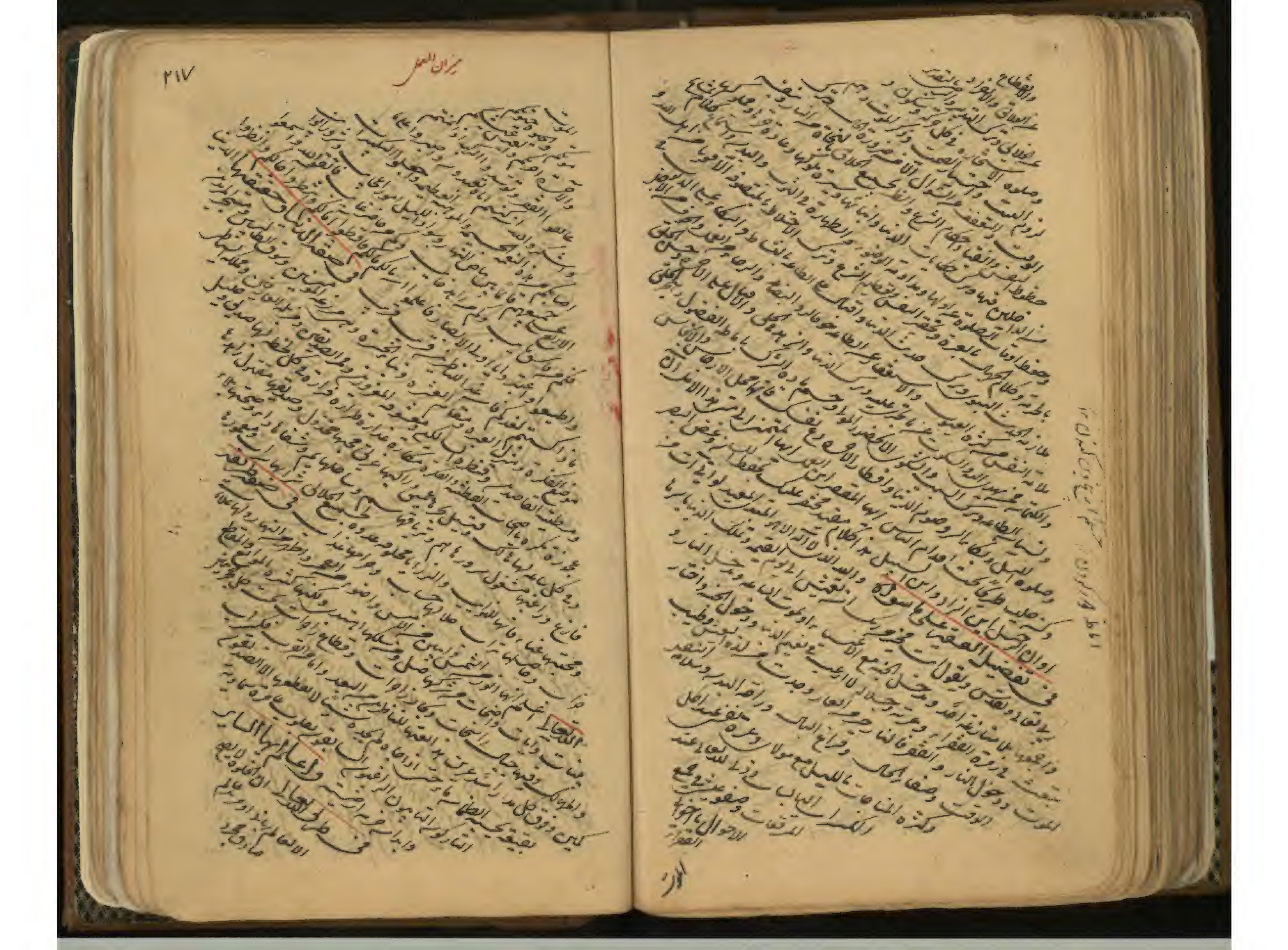
[illegible]



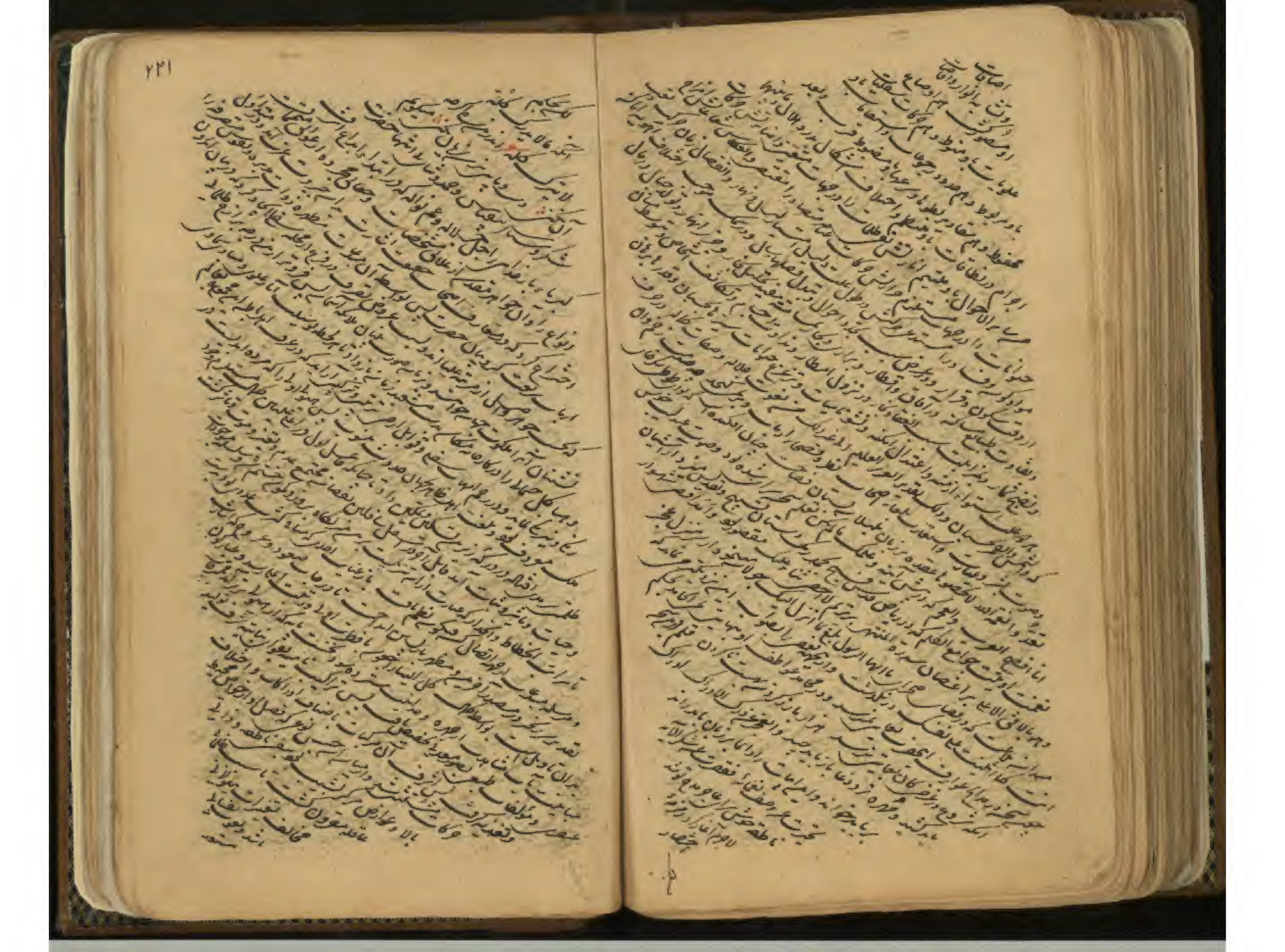


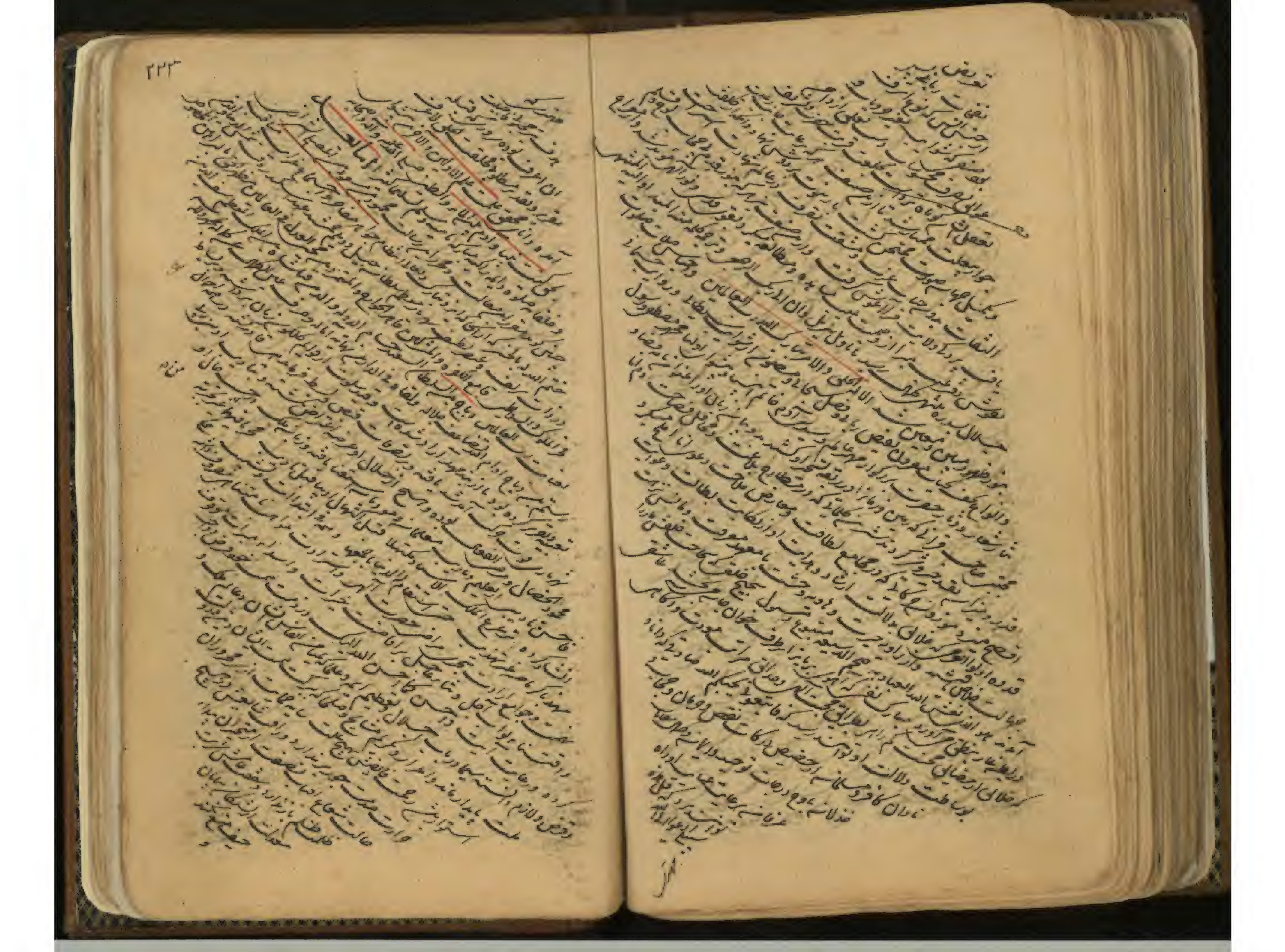


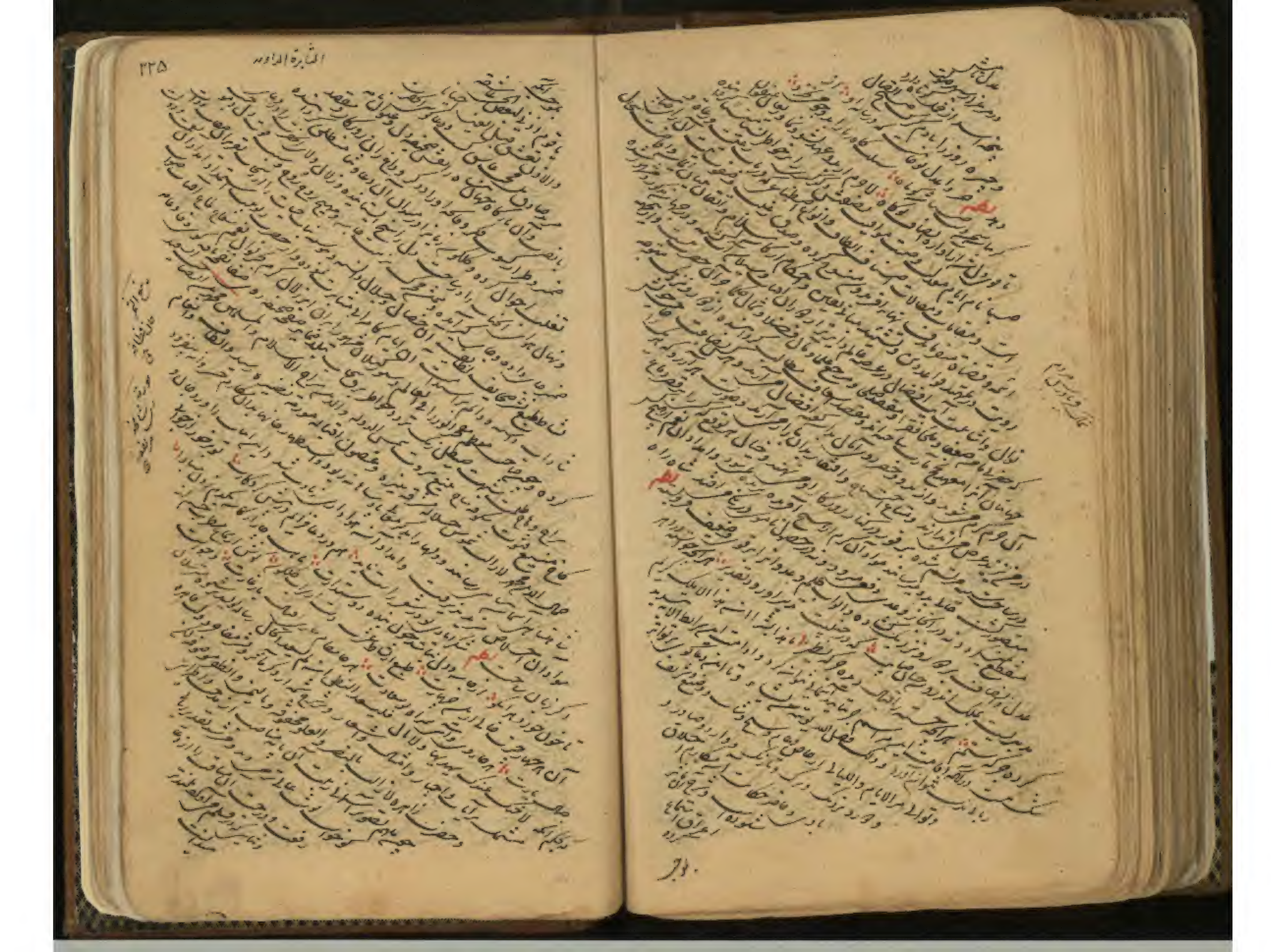


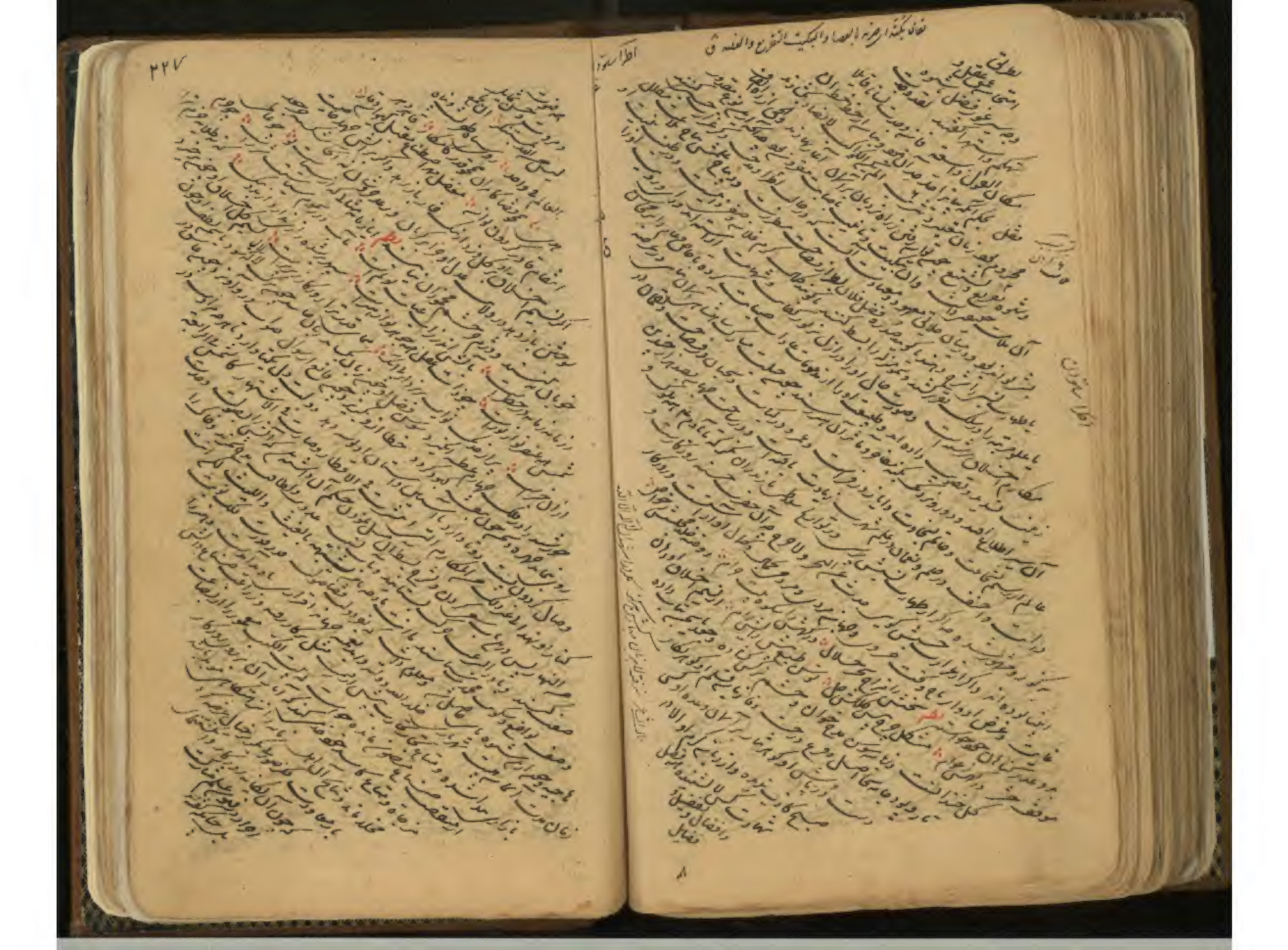


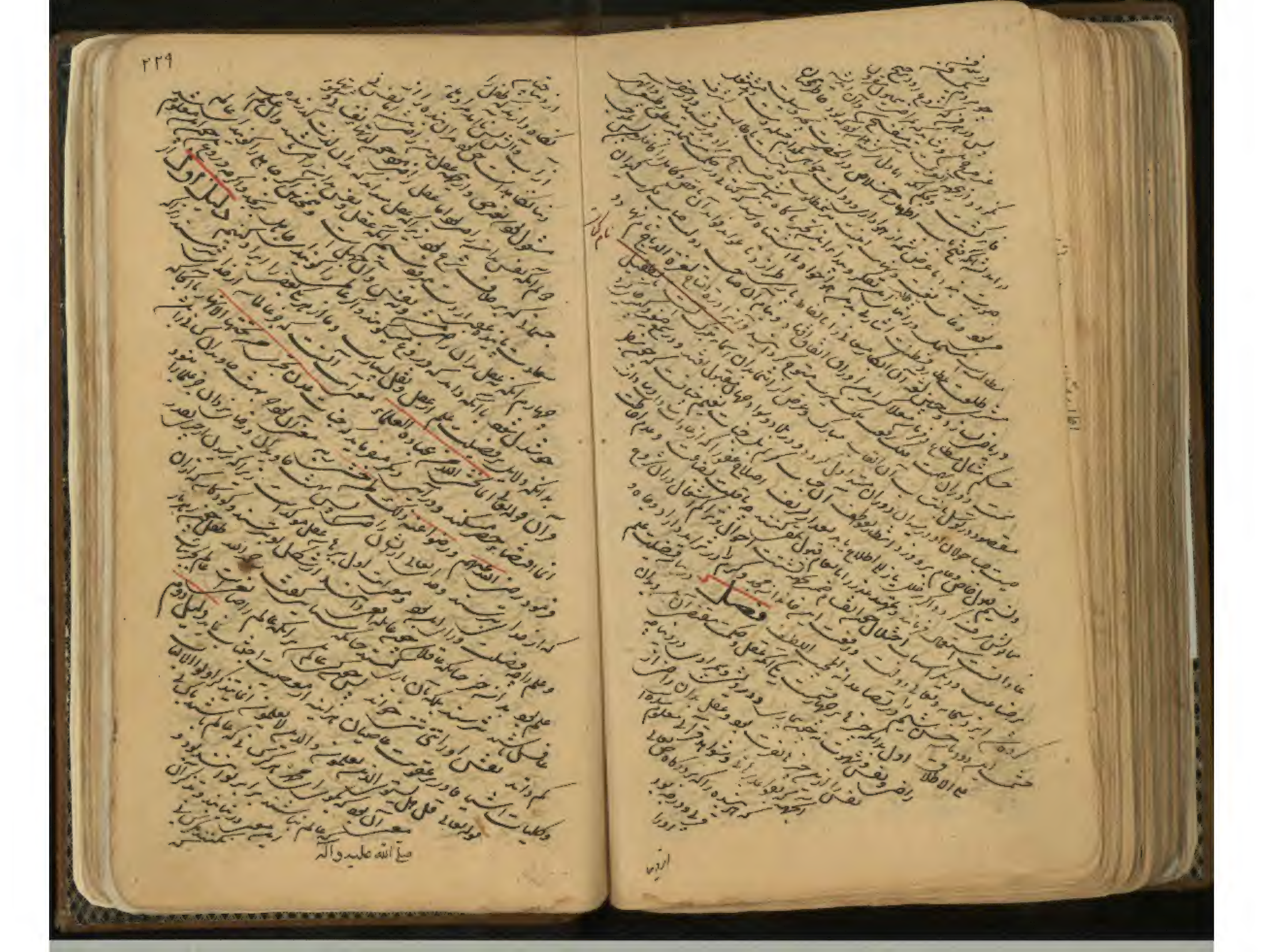










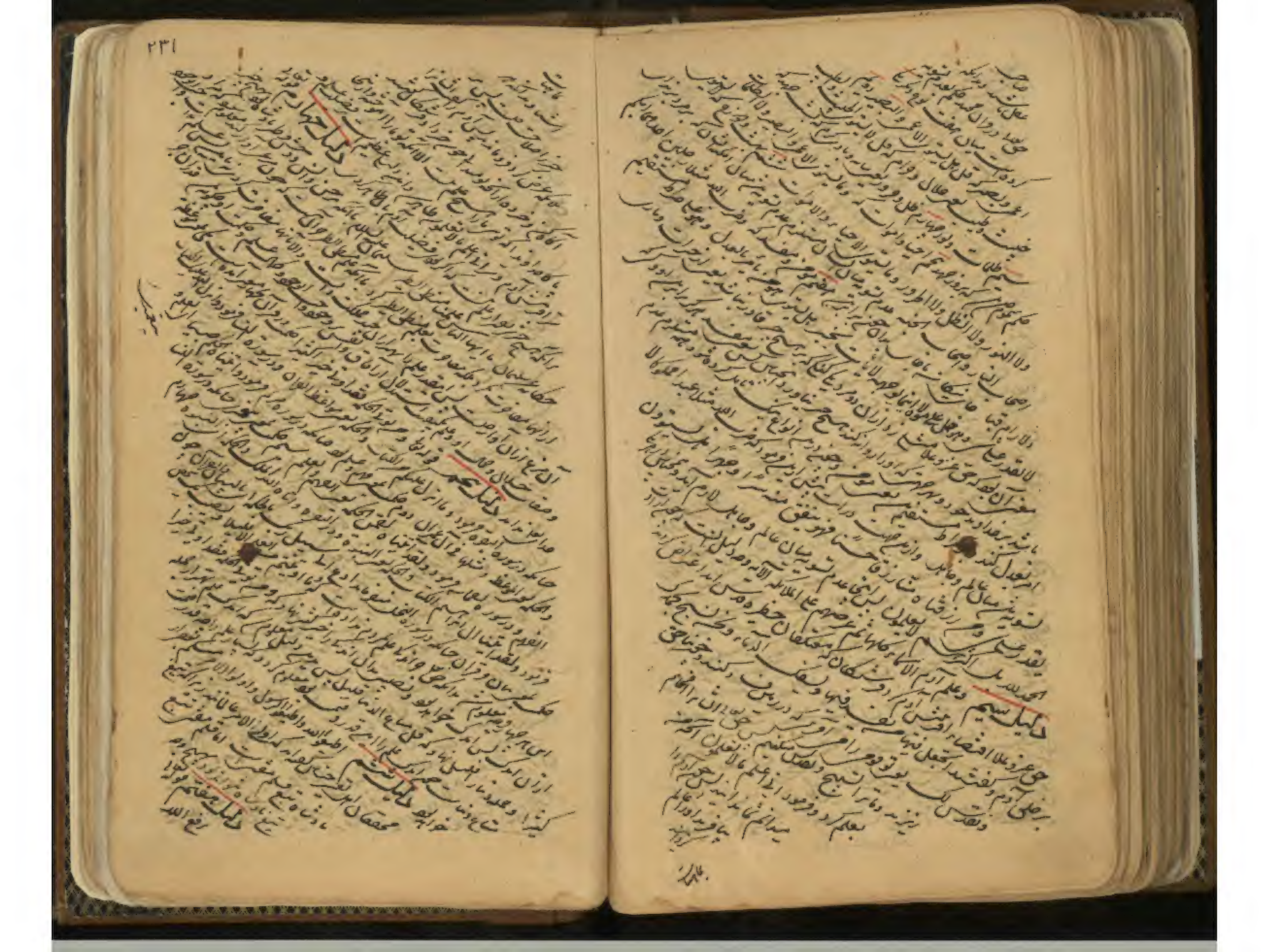


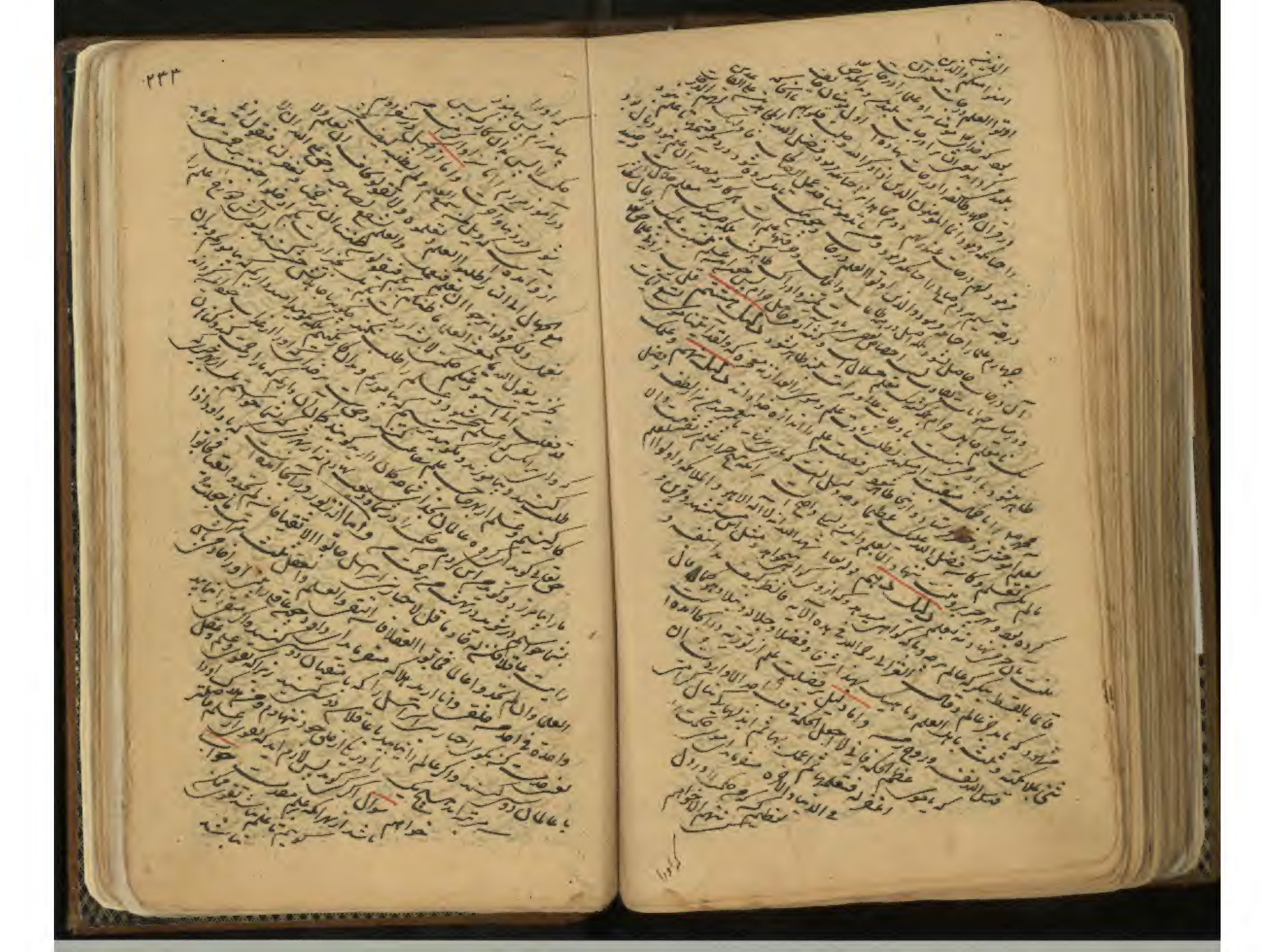
دلیل اول

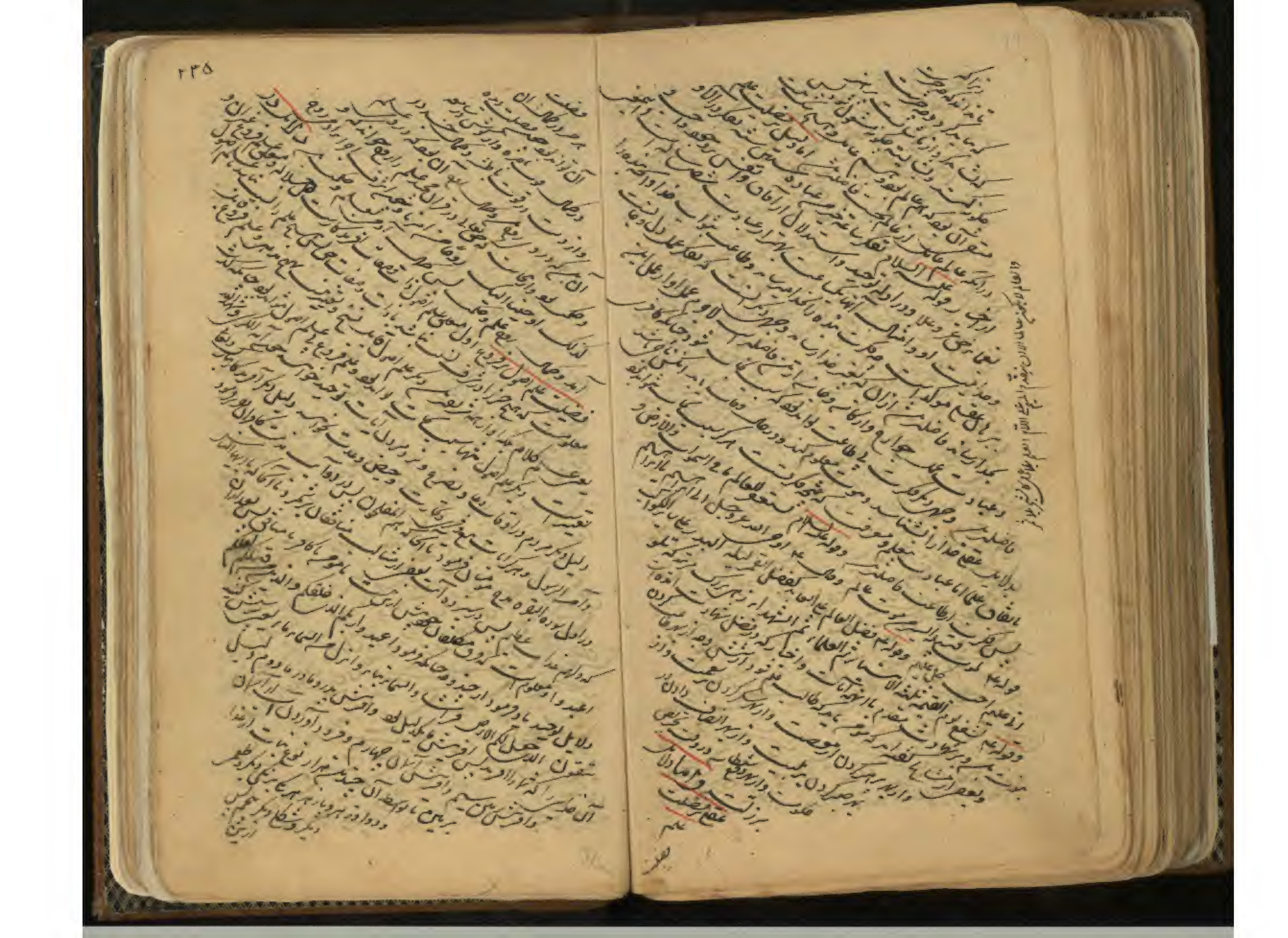
فصل

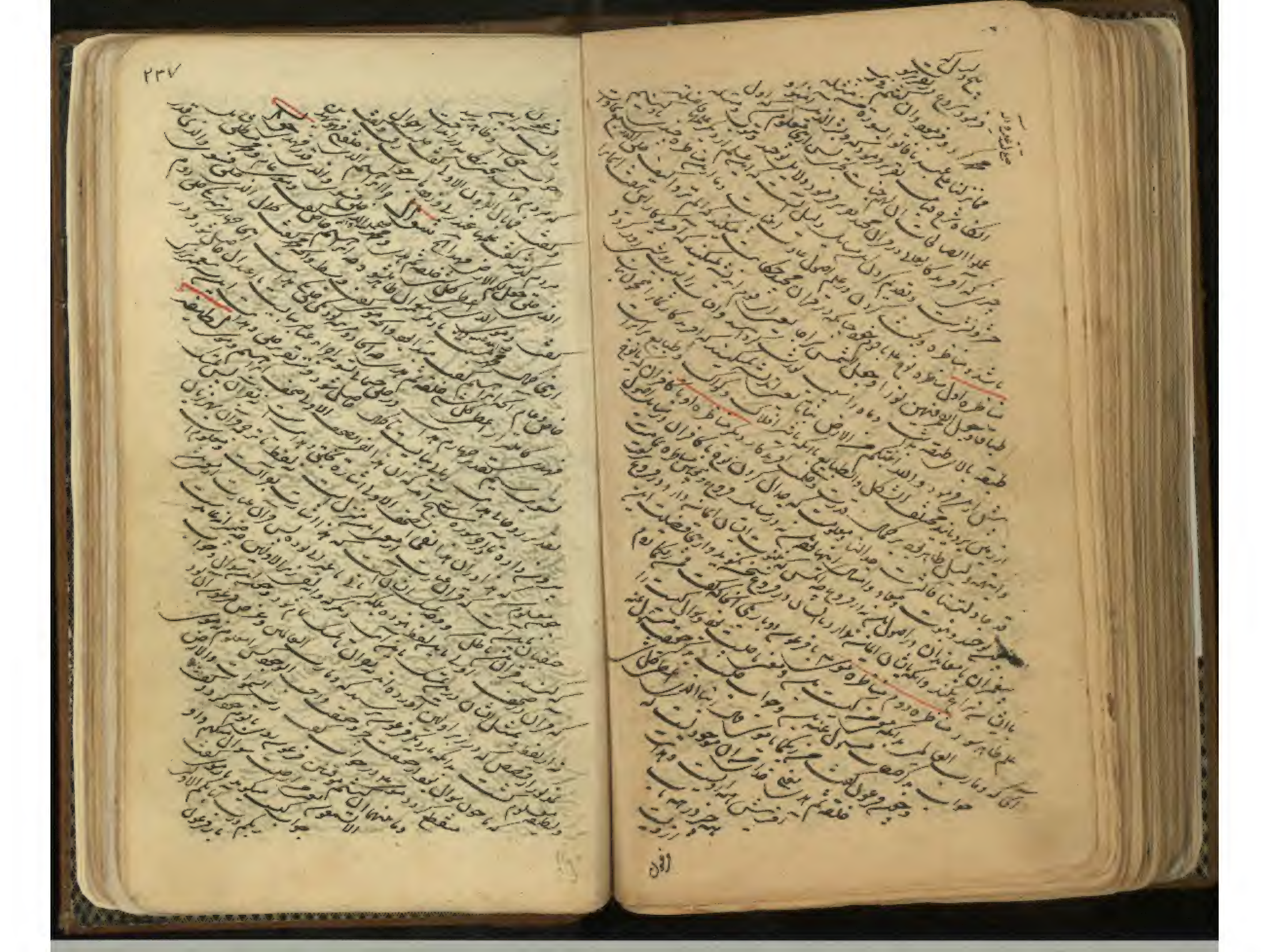
دلیل دوم

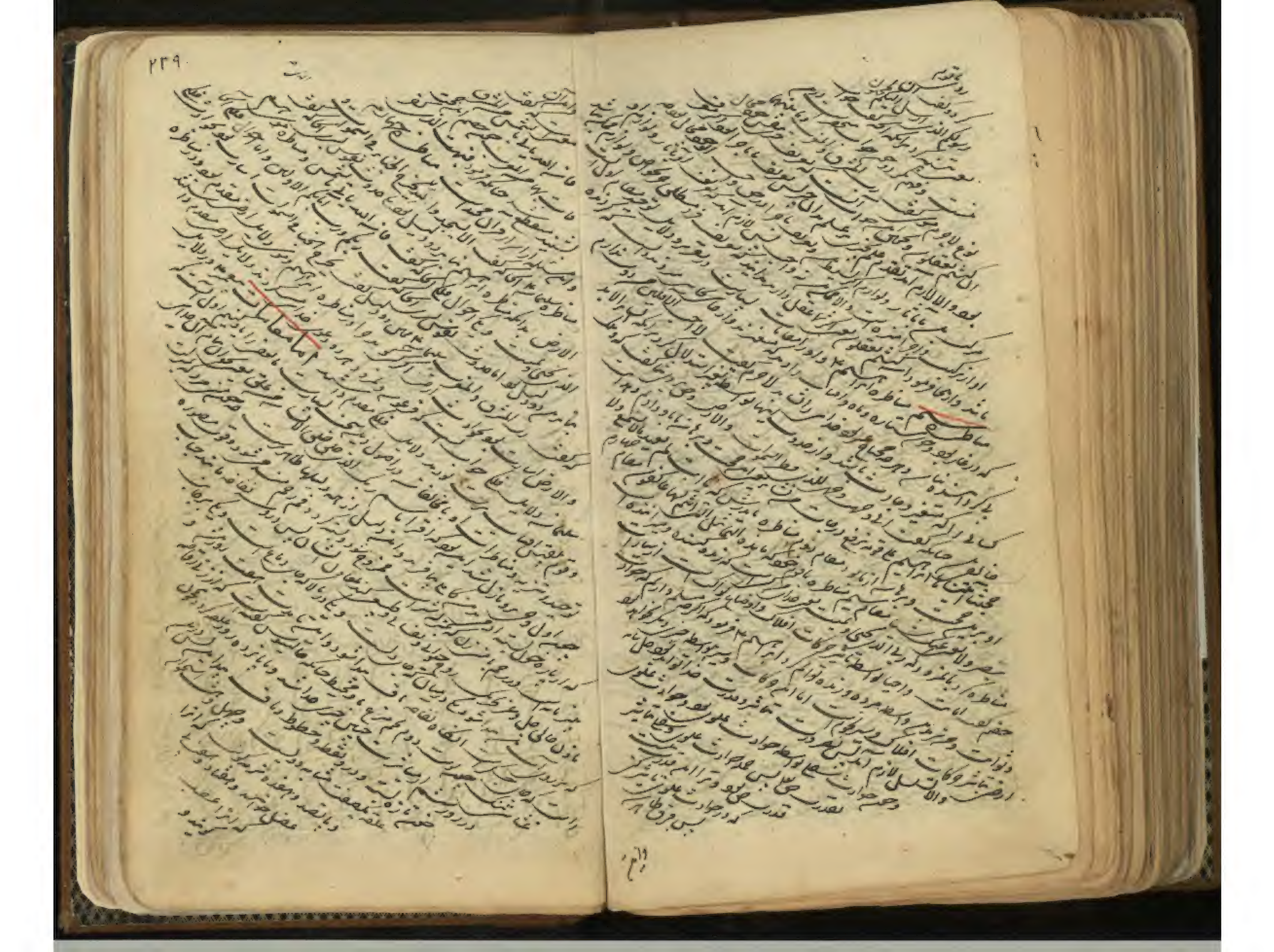
صلی الله علیه و آله

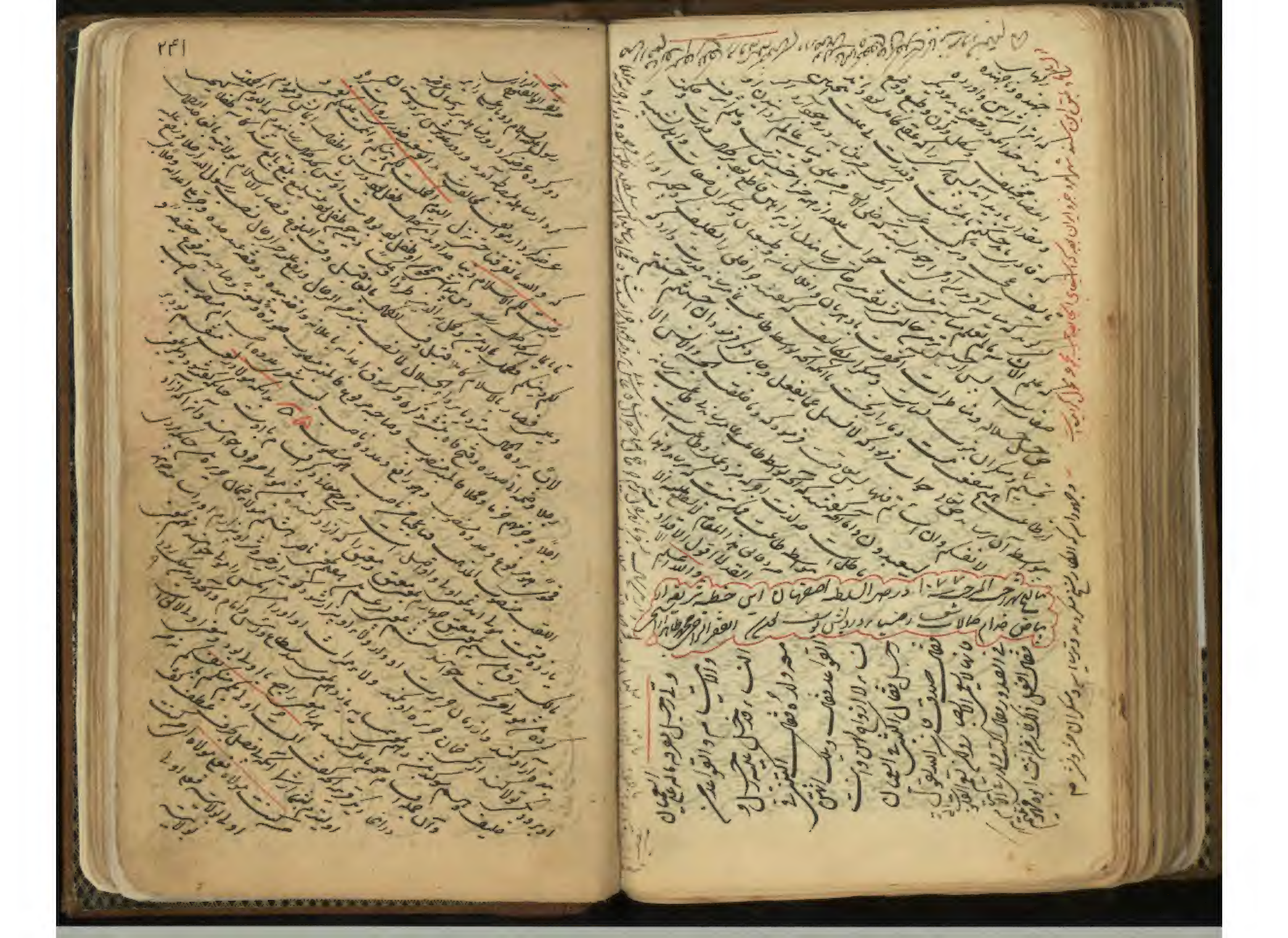


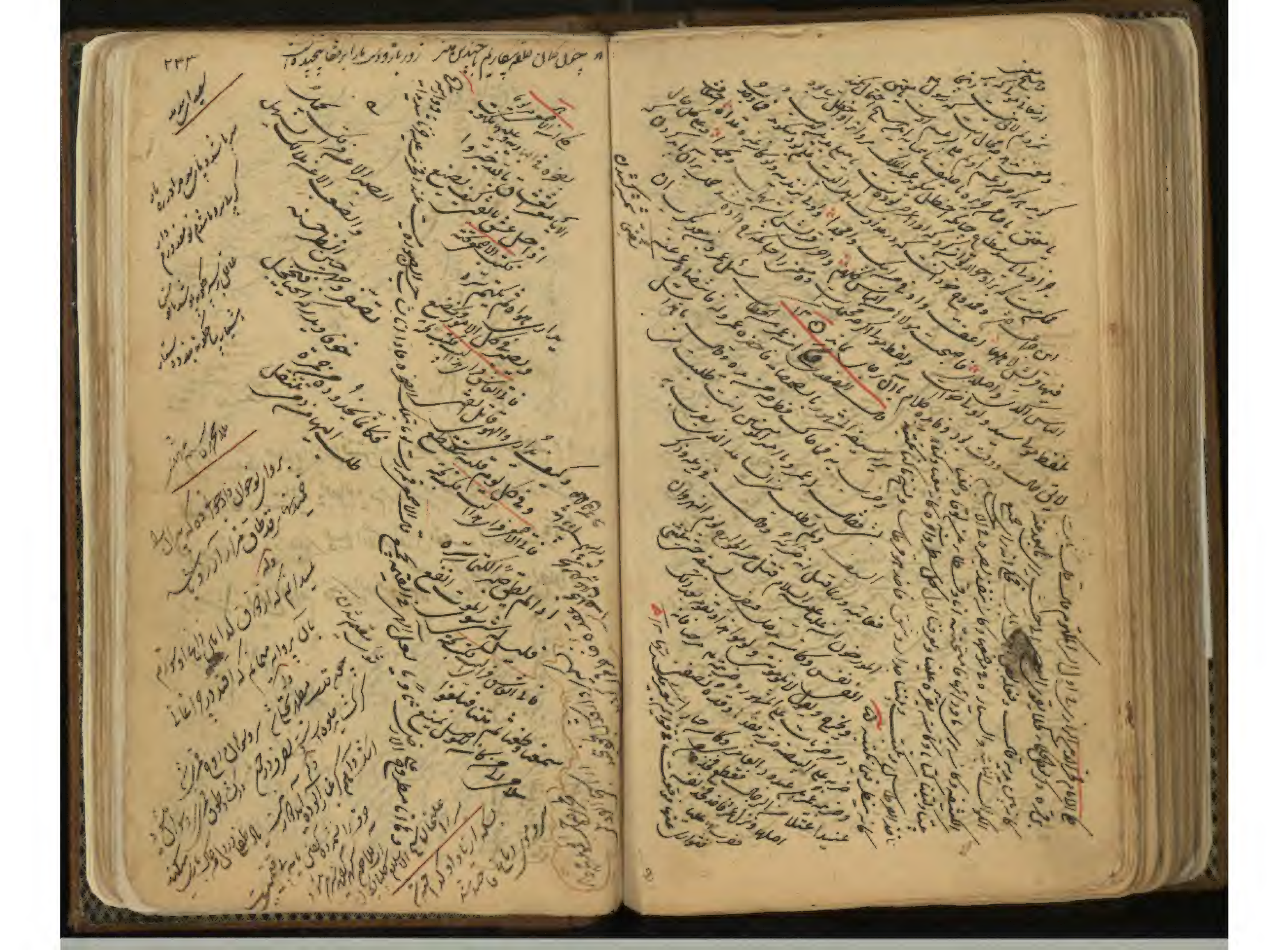














ان السلطان صلاح الدين افتتن بنغبتيه حتى ملك حبها قلبه فعلم ابوه

فمنعه عنها فاهدت اليه في بعض الايام بكرة من العنبر فكسرها فوجد فيها زر من التبر

فلم يدر ما تريد فاطلع سره على القاضي الفاضل فقال اهدتك العنبر وسط

زر من التبر دقيق اللحام فالزر والعنبر معناهما زر هكذا استتر في الظلام

قال السيد ... مثل الذي يعلم الخير ولا يعمل به مثل السراج يضيء للناس ويحرق نفسه

فصل

نقل عن الشيخ الفاضل التقي ... الورع ... قدس سره ... العلماء ثلاثة عالم بالله وعالم بأمر الله وعالم بهما جميعا فالاول عبد ... [illegible]

... عالم بالله وبأمر الله ... [illegible]

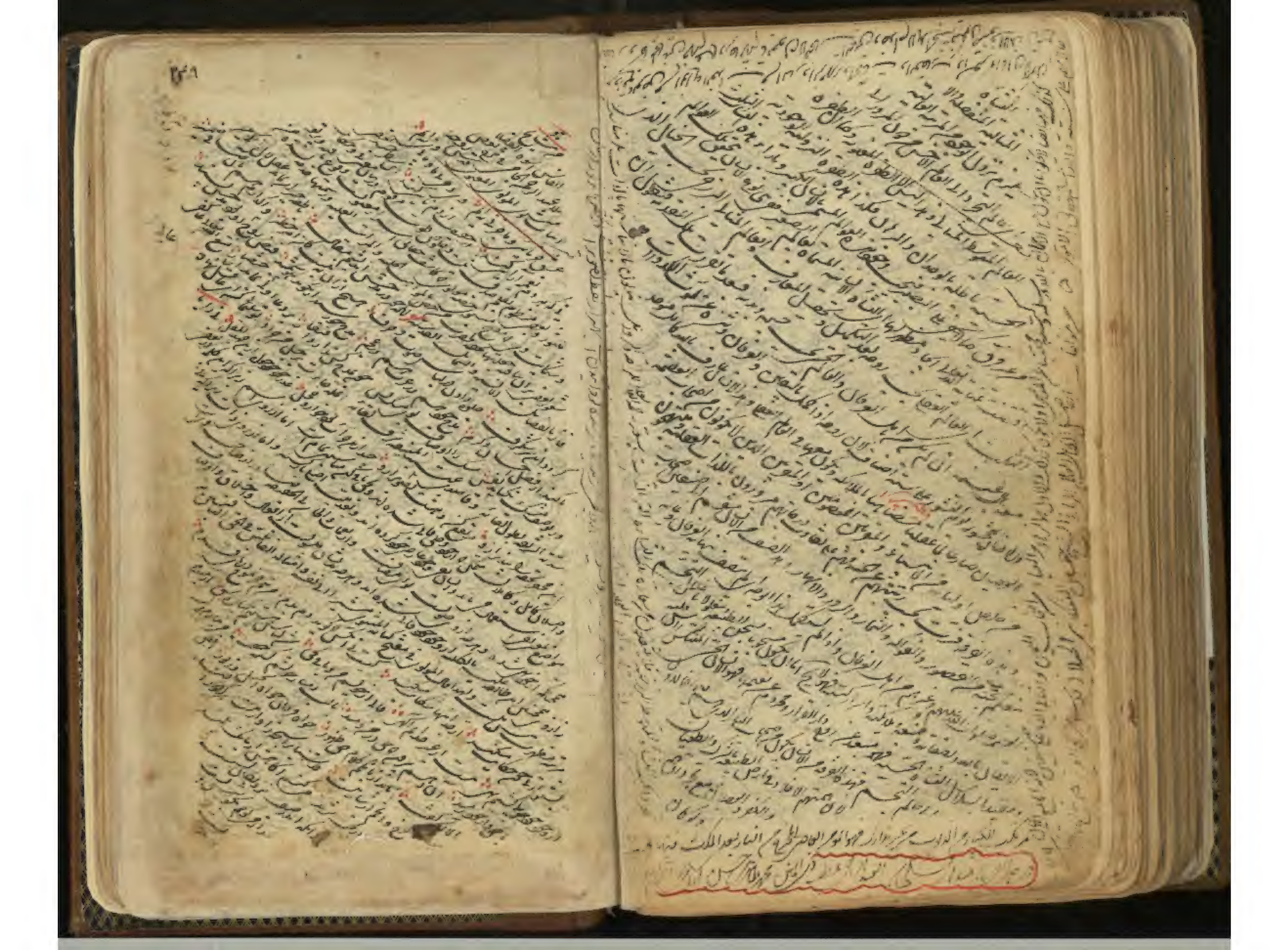
... [illegible]

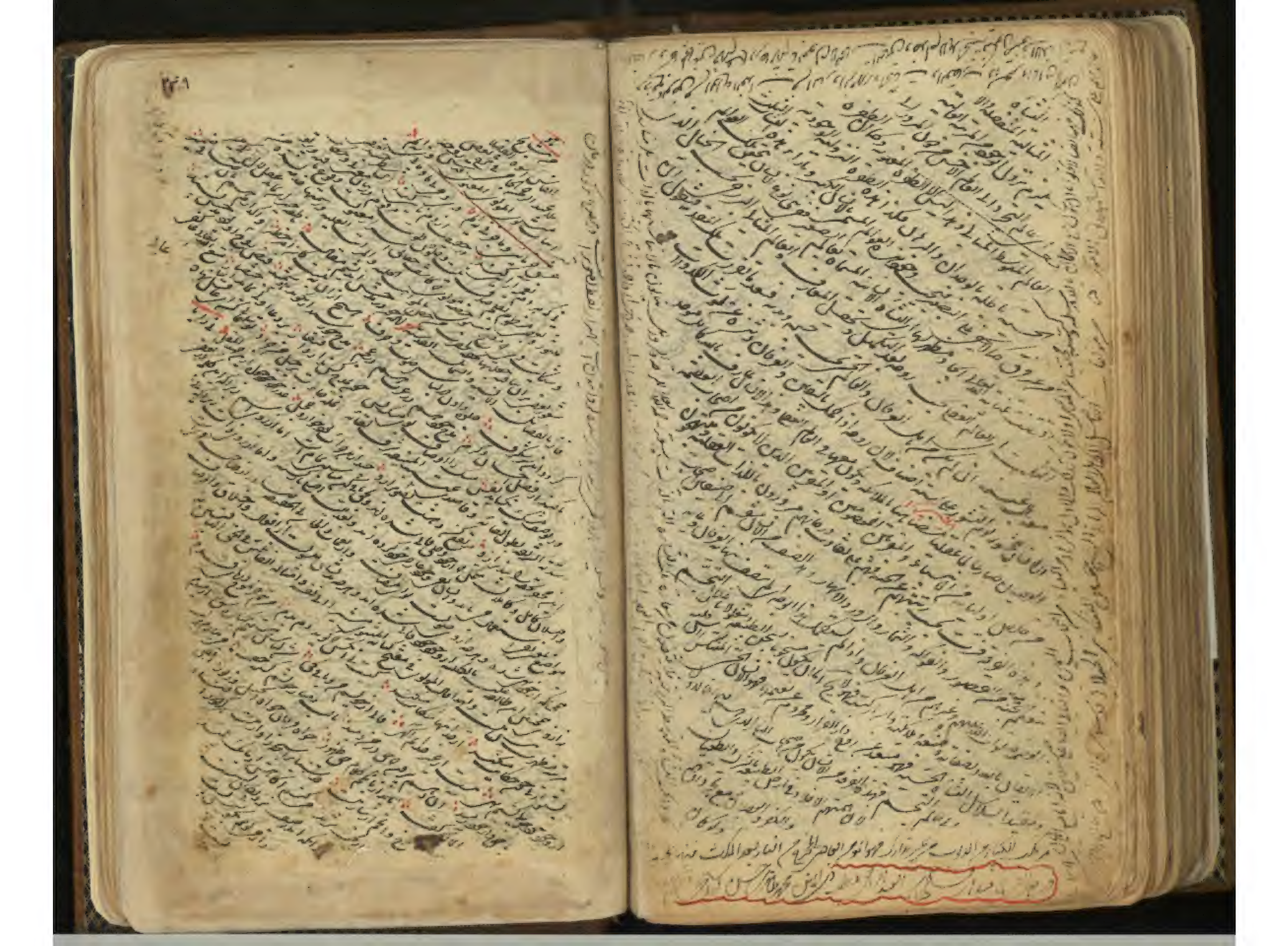
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ... [illegible]

... والصلوة على ... محمد وآله ... [illegible]

... [illegible]









همچنان که قصه جز و فلان درجست و رو چه مردان چه یلان
در شهر و قرض اکه فی عام کذا قد بات فلان و فلان و فلان

[illegible]



فالبحر بحر على ما كان في قدم ان الحوادث امواج وانهار

فضيلة ولا تتم الفضيلة الا بالوضة

ساعات النهار

ذروق بكور غدوة ضحى

هاجرة استواء ظهيرة رواح

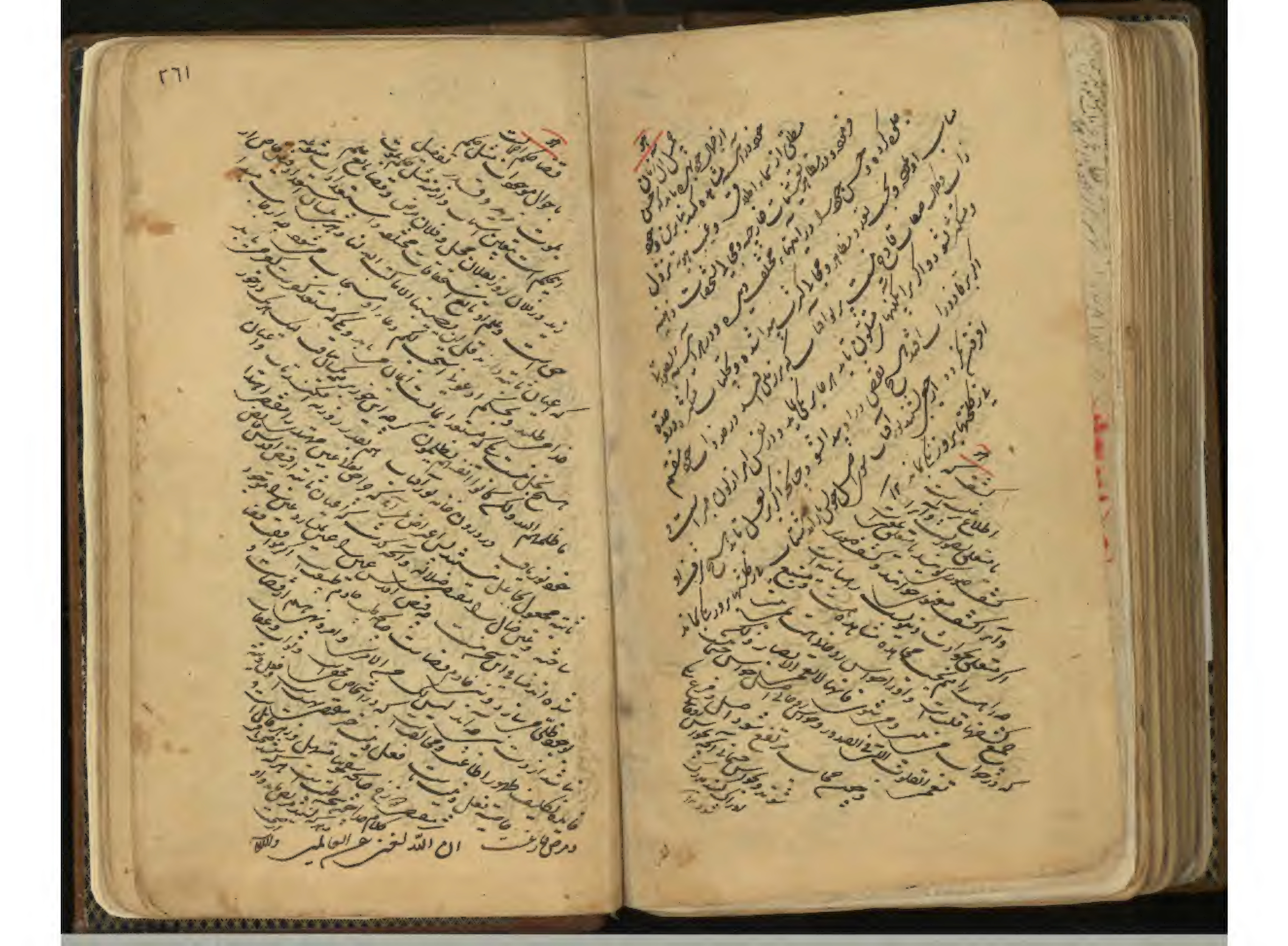
عصر غروب ... عشا

ساعات الليل

شفق غسق عتمة سدفة

فحمة زلفة ... اصيل

سحر فجر صبح صباح



ان الله لغنی عن العالمین والله

[illegible]

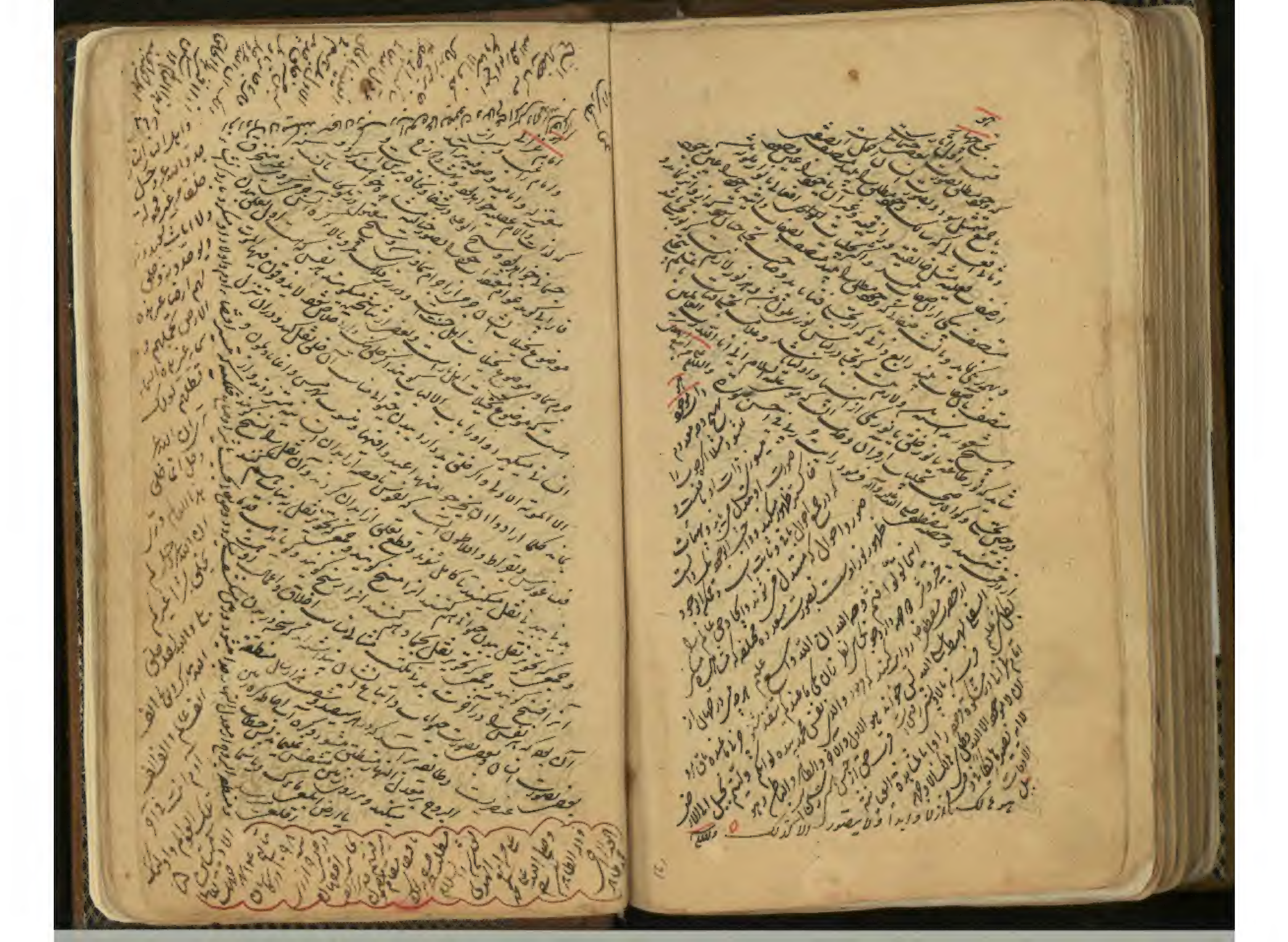
عالم مثال [illegible]

[illegible] عالم [illegible] ارواح [illegible]

[illegible] النفوس المنطبعة [illegible]

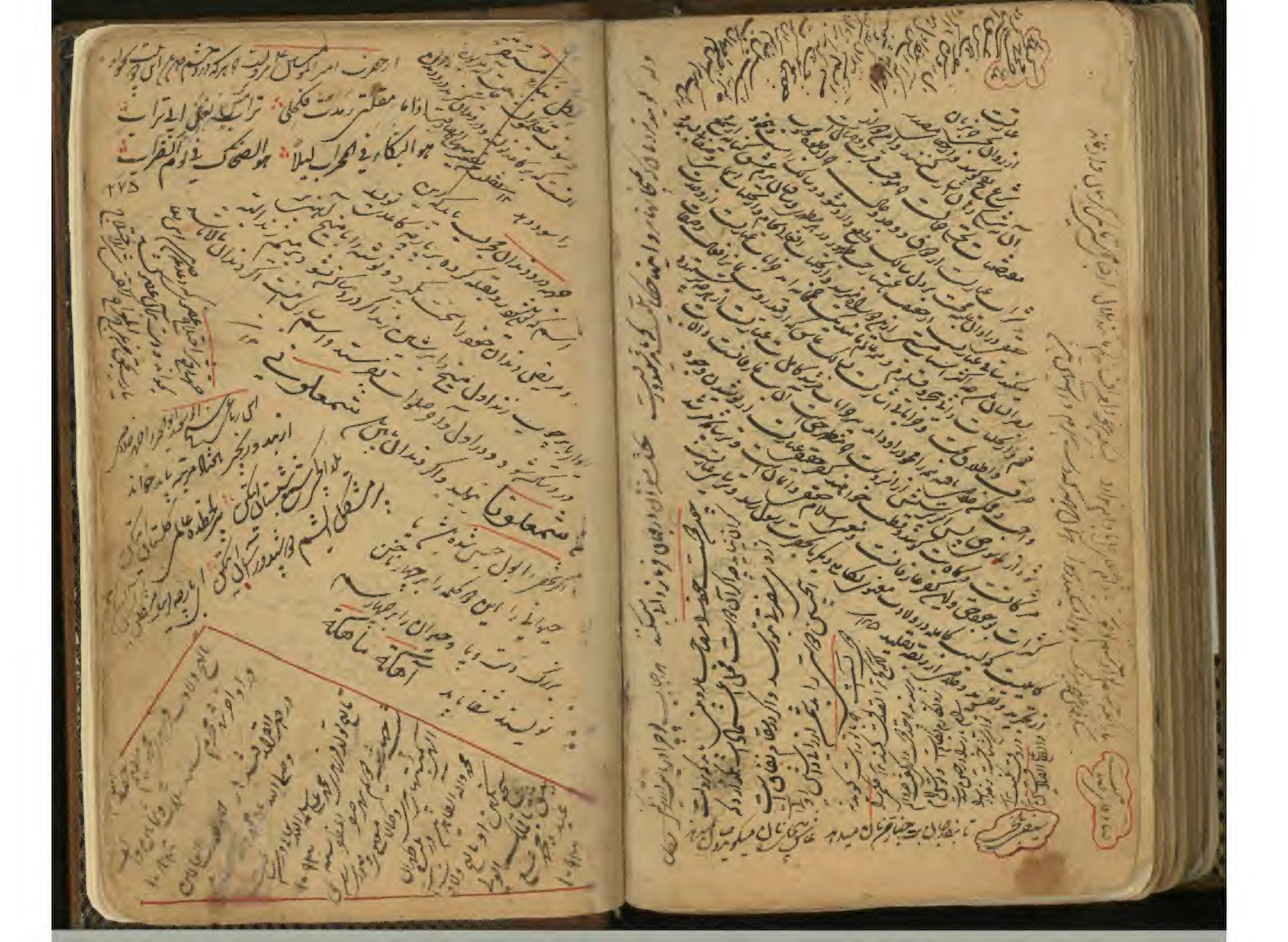
[illegible] العالم [illegible]

[illegible]





[illegible]



معمیات

من علامه حسین علی اردی

باسم مزید

وقت مستی گه گه از ارغوان رخ زمی داری بر نگار هر زمان

باسم شاهی

ز خون دلم ز چشم تر شد رخساره و دامن پر از گهر شد

باسم درویش

چنان کشاد ز هم شانه سنبل مویش که زیر زلف تمامی نهفته شد رویش

باسم نسیم

از لب خود وعده و تمکین ز آفتاب در دلم آرزو و در فکر آن لعل ناب

باسم حبش

چون ز نقاب مهر رو زاهد خلوت نشین با خبر یکذره بخلوت آمد آتشین

باسم الغ

بر چشم آتشین ترکش نکردم ز یغمای ترکانه دلهای عالم

باسم زیرک

یافت قسم دل این بیقرار اندکی بسیار ز هم نام یار

باسم باقی

ذات تو هر کرم که توان آشکار کرد چون خورشید با خلایق دهر آشکار کرد

باسم طیفور

کس بمقام وصل او گر نرسد بدان محل ای دیار وصله فوق دیار من طلب

باسم فرشید

کرم کسی که هر کسی دارد کرم کرم دارد وشش در جهان محترم

باسم بشیر

ای شعله پر تو ز تنگ ماهی خورشید و ستاره را پناهی

باسم نیر

از دل آرزوی پروانه شد چاره آفتاب عیش کس ترا ست بیچاره

حسام

در سنگ خم بر راه آن شه داد صبح و شام پیش ستاره بیچاره

والد

در پرده زلف چین رخ مه افروز آن مه رسل کرد نهان شب شد روز

لطف الله

همی بخسار او با زلف جادو شبی بر طرف مه افتاده هر سو

محمدی

ای شمع ز دل خویش ای خون خوندی رفت یار دلبر از جا غم دل چه چوندی

شکری

شوخی که از جفا دل اهل الفت هر دل ز دلبری بطرافی دگر شکست

شاه غریب میرزا

ظاهر آمد پیش رو چندی ز نور در غیب آنکه بود در ضمیر روشن آن راز دل خواهد نمود

و چنینه باسم سلیمان ... ارزان

سلیمان

بر خیال عقل و جان کردم نثار / سوی دل آخر چو مهمان آمد یار

نقی

بعشق عاقله عقل باز شد از رم / چو دل ز عاقله ام رست بی با جان رم

علا

چو نیست از رشک تر بر گل کلاله / مصور شد دو سنبل بر دو لاله

محب

سبز ملیحی که عالمهاست بر دوش / میل شغب بود ممیز بسویش

علا

آزیم در میان سخن یار دلپذیر / چون نیست بر کنار ز عنبر خورده گیر

زکی

عاشق را که گرم روش / ارزه وصل خود مران ای صنم

مدعی فرده را که چو شنگ / بانگ و بوست نقد گز ارزه

صدر الاسلام

چرخ از شرار آه من شد پر کواکب صبحگه / شمود در بالا و گرد صد آه چو تیر و مهر و مه

معین

بسنجیدن غم گفت میدار / خدنگ ها ترازو در دل زار

نور

صحیفه که نو آرد بهار بر دلش / شکوفه است و نغمه عندلیب مضمونش

نوز

نام تو پیش دیده نمود / کردم نظر در درون دل بود

فرخ

آنرا که از تو مرتبه بندگی بود / از بندگی بنام تو فرخندگی بود

باسم درویش

باسم درویش

در نام تو عیب مختصر یابند / هر حرف از آن کتاب دیگر یابند

آن نام که دو قریب است از قفل و طلا / خود لیش اگر خواهد شود دریابند

بهمن

نتوانم از این عشق نهان گفتن هیچ / زین گنج نشان نمیتوان گفتن هیچ

آن نام که دوست بر او هم پنهان / خواهم گفتن نمیتوان گفتن هیچ

باسم حاکم

در مجمع بلبل ز گلبن حرف تحسین زرنگار / راند کام دل نهان میدید بر جای خار

اسد

بر رفع از طرف رخ گشود نگار / گوشه ابرویم نمود دو بار

خداداد

جان من تنهایی رو بهر خدا / تا دل خود را فدا سازم فدا

شیخ طاهر

خطا گویم اگر گویم تیره شد دل / بلی گوید خطا چون هست غافل

حسام

رشک ... بر راه آن تشنه داد / صبا چون شام لبان تاره رخ شبانه باد

شادینه

در شب رویت یک تو آن گهی غافلش / نام صنم که هست دلها تشنه آتش

ملا شهاب معمایی

باسم درویش

از زاهد شهر اگر نه‌ای اندیش / یا طالب آنکه رهرو کار تو پیش

گر در حضور مجلس رندان آ / در باب یکی طاعت یک شب خویش

دارا

هر که که دل حزین و ملال باشد / در حضرت آن وزیر با دانش و داد

از ذوق امید گوشه‌ای وقف / ز الطاف بلطف هر دو را جایزه داد

حاتم

بی لعل لبت بار تو از بیم لب / قطره‌ها خون همی بارد زرده‌ها در رخسار

شیخ زین

در خارستان چین و خطا هستم بیابانم / که چیزی از خطا خواهد مقبول چیزی از چین هم

جانی

هیچ آفت و هیچ دل آزار / نصیب جان ما باد نه از یار

اسد

سخن از عافیت میگویم / دایم اسباب درد میجویم

ابلی

قامت و رخ ز حوش ارتقان توان / تا یکی هر دم کند آنرو دامن کز نهان

ابوالوفا

ابوالوفا

دلبر بوصل ما ندارد غلطت / جز داعیه جفا ندارد غلطت

ابرو گشاده آمد و با ما نمود / گو نیند آمد و فا ندارد غلطت

اویس

بی جهت نبود که ذره زاضطراب / گشت بیخود بیوفا بوالهوای آفتاب

بیرم

عمری از ستم حسودی نالید / آواز جور یار را رقم دیدا

حکیم

ای دل از حسن ماهرو کرها / گر چه دوریم زان پری پیکر

از جمال رخش خبر داریم / یا بر خ رهگذیم نظر

عادل

رخ خورشید رو بود محفل ما / بیوش از غافلان بهر دل ما

بدر

دیدن نتوانیم زاندیشه خویش / در دیده نهان غیر جمال رو کش

نقش

چو شد با خار همدم در چمن گل / بر آید دگر در چشم بلبل

علی

همه شیر افکنان زان پری رو / بیابید دل سنگ از زور بازو

معمیات ملا شاه علی اشتغال

باسم امیر

معدم شب تار ما که خواهد بودن — وقت آزار ما که خواهد بودن

با دلشدگان دلشده باید یار — ما دلشده یار ما که خواهد بودن

سهراب

یکبار که چهره آن نگار آید آگاه — دیگر بتوان متصلش کرد نگاه

بدر

چون قال رخش ز چشم بیدار رود — یکیک در رنگ از غم بیدار زرد

امین

چشم تو ز رخسار گشاید نقاب — میرود از خویش مه و آفتاب

باقر

تیر دلدوز یار چاره بود — چون دل و سینه پاره پاره بود

رضی

عاشقان زانکه بر آن رو نگهست — پیش آن خیل رخ او مهر و مهست

میرمعز

چو بگشود آن ماه سیما نقاب — بشد از رخ خود مه و آفتاب

قباد

جمهور عاشقان ابتر — زان ماه مباد یار دیگر

غلام

کاش رحم کنند رعنایان — که غم و درد کشته به پایان

عابد

خوش حال شهید عشق در خاک — چشم مهر تو برد با دل چاک

باسم پیر

بس چشم آفتاب و ماه بود — یار رخ با کس زهر جانب بود

رفیق

در میان سروقدان جهان — آفت بجد بود بروش جهان

میر

چو اغیار بینیم در رهگذار — ز دنبال گیریم از هم کنار

میر

رشته جانها تافته از بس — بر آئینه کاکل پر خم

خلف

دل هر کس ز یار بیند جفا — دل بجو بجوید ما وفا

قرا

هر زمانی از برای دلبری — ماه من بو شد قبای دلبری

یونس

شب و روز چشم بود بر سپهر — ز بس شکل او هست مانند مهر

میرهادی

دل بتو او نزار ها دید — چون طالب ماه یار را دید

بها

زتاب روی تو آن آفتاب عالمسوز — بجای خویش نماند مه و ستاره روز

جلال

غنچه آلوده بالا عارض گل — دل مجروح از یاد چو بلبل

حاتم

آنکه در دل زلف عنبر بوی دلدار آورد — مشک را منفعل کرد در چشم گهر بار آورد

داود

بسکه درد دلبریان در دل بجو بود — کار دل چاره ما را ان نه بجد بود

روح

گل چیده و گشته کام بهار · رفته و کرده دیده شکل خوب یار

شاه

برده یار از رخ چو ماه گشود · وه که رخسار ماه وش بنمود

شاه

بنهاد چو بنمود عذار آینه تابان · بر ماه رخش مهر دل پیر و جوانان

شاه

تا آشناسدکی و جور بش نکند · دل صبور حقه شود آخر صد طور

شاه یوسف

فلک شد با هزاران دیده حیران · که آن رخسار مه وش را چو خورشید چهره آورد

صدر

در هجر آه عاشق ابتر · جنبش صبا گشت پیش رخ دلبر

میر اشرف

ز حسن وجهی آنچه در غیب بود · بکرات در چهره آن مینمود

ولد

تا از دل و جان بر آورد دود · پوشیده از زلف و باز بنمود

شاه

آن گل که شکفته غنچه از خنده او · در باغ گل و شکوفه شرمنده او

بلبل بفغان از گل و بروی گلشن · دلهای شکوفه بود مانند او

یوسف

که زبان بلندی گر بیش کرد در دوست · سود با پایان دل در درد با پایان اوست

میر محمد

بعد بهتر ز جهان علم او زانه کرمان · بر عزم هر طرف خساره ها بر زد دل

من ملا شرف الدین علی یزدی

باسم قطب

گوید شرف از بهر تبرک همه دم بسم · ورزانکه دهد حل این لغز مراد است

در نسبت تألیف اگر پنج و چهل و پنج · باشند چو اطراف و اسط اش علی مراد است

جهت حل معمای مولانای فاضل مدقق مذکور تحقیق آنکه نسبت تألیف میانه کدام

اعداد می‌باشد و طریق تحصیل آن ضرورت است لهذا اظهار می‌نماید که

نسبت تألیف مطابقت نسبت فضل اعظم و اوسط و فضل اوسط

و اصغر است بالنسبت اعظم و اصغر مثلا شش که اعظم است و

چهار که اوسط است و سه که اصغر است فضل شش بر چهار دو و فضل چهار

بر یک نسبت فضلین مذکورین نسبت ضعف و نصف است

و نسبت اعظم و اصغر در مثال مذکور ایضا نسبت ضعف و نصف است طریق استخراج

اعظم هرگاه مجهول باشد آنست که فضل اوسط بر اصغر ضرب شود در اوسط و

حاصل ضرب قسمت شود بر فضل اصغر بر فضل اوسط بر اصغر دارد پس خارج

قسمت را بر اوسط باید افزود و آنچه بهم رسد اعظم است در مثال ۶ و ۴ و ۳

شش که اعظم است اگر مجهول باشد یک را که فضل چهار است بر سه ضرب کنند در

چهار همان چهار شود و چهار را قسمت باید بر دو که فضل اصغر است بر فضل

اوسط بر اصغر تو بهم رسد پس دو را افزوده بر چهار شش شد و ظاهر است که اعظم

اعداد مثال مذکور شش است و هرگاه اوسط مجهول باشد طریق استخراج او آنکه

فضل اعظم را بر اصغر در اصغر ضرب کنند و حاصل ضرب را بر مجموع اعظم و اصغر قسمت نمایند

بس خارج قسمت را بر اصغر بیفزایند آنچه حاصل شود اوسط خواهد بود و هرگاه
اصغر مجهول باشد فضل اعظم را بر اوسط در اوسط ضرب کنند و حاصل ضرب را
بر اعظم و فضل او بر اوسط قسمت نمایند پس خارج قسمت را از اوسط کم نمایند
آنچه بماند اصغر است ۵ والله اعلم بحقایق الامور و علیه التکلان (?)

باسم فاطمه

چو در تناسب تألیف قدر پنج بگیر ... بگیر ثالث او را از فرق بکن صحیح
کمال دوری اوسط بدل اصغر ساز ... که هست زهره زهرا قرین ام مسیح

فاراد انه اذا فرضنا فی التناسب التألیفی خمسة الاصغر والتسعة الاوسط و
استخرجنا الاعظم بالقاعدة التی برهنا علیه وکان خمسة واربعین حصل ه و
ط و مه. ولما کان الکمال الدوری لط لفظة فا اعنی واحدا وثمانین فاذا
بدلنا الاصغر بهذا الکمال الدوری للاوسط خرج فاطمة کما لا یخفی علی العارف الفطن
بدانکه کمال ظهوری آنست که واحد را تا عدد مفروض با هم جمع نمایند و کمال
شعوری آنکه واحد را تا عدد مفروض جمع کنند و باز تا واحد برگردند و جمع نمایند
که کمال شعوری را کمال دوری اسم گویند و هر عددی را که در نفس خودش
ضرب کنند حاصل ضرب را کمال دوری آن عدد گویند مثلا
یک را تا پنج جمع نمایند و باز برگردند تا یک و جمع نمایند ۲۵ میشود و پنج را در نفس خودش
ضرب نمایند باز ۲۵ میشود و علی هذا القیاس بدانکه فاطمه آنست که طرفین کمال
شعوری و کمال ظهوری ... وسط که نه است کمال شعوری آن ۸۱ است
که فا باشد و کمال ظهوری آن ۴۵ که مه باشد ... حضرت ... شیخ بهاء الدین محمد ...

معمیات

من معمیات شیخ علینقی قمره (?)

باسم امان

آن شوخ که امروز بخوبیست علم ... بوسیده بود ... بیداد و ستم
تا صید دلم کند با برو و مژه ... گردست عیان تیر و کمان از ابهام

رجب

تا چند رقیب شد ... بجا احوالش ... تا کی عاشق بود پریشان حالش
محنت زده که از وصال نومید ... گردیده برآور ز خال آمالش

خسرو

بهشت آنجاست کو برقع گشاید ... مثال حور هر دم رو نماید

سیری و مهدی (?)

آید چو خزان برو بدعوی ... دلها روشن جهان قمری

دستان

بینا شد دیده را از لطف آن نوری که افزاید ... ز بی دوان بلکه بخشد دیده را دیدار او هم

بابا

ریزم رنگ از آن که بر شکلم ... نگار ... از قاصدی که دیده کشود است در نگار

فرهاد

هست صحرا نورد دیوانه ... پیش زنها در شهر فرزانه

پرویز

در حسن نظیر ندو مه پاره بدو ... لیکن زدن و بیرون ... خوبت
پر میگرد دکشاده روای یاران ... باآن دو نظیر خویش وین نیکوست

محسن

گیرد آن که چون شب ... ... جمع ها مرنگ زلف یار ما

محب

هر که شد محبوس خوبان کام دل صد تلاش
شد ز محبوبان چه خواهد عاشق از خوبان دلش

قلیل و جلیل

شام هجران واداین دل پر انقلاب
حسرت بیحد چه باید کشی در وقت آفتاب

بابا

مژده بهر فدا ای یک باد صبحگاه
جنبش تحت آید نهفته سوی حباب آب گاه

شهاب

ار کدا گوش مغزی که بر اندکاری
از رشته اسباب مردان که ماند مالی

ادهم

فغان که رو قدان با برند و عربده جویند
یکی چو خود ابدا اربرد هند و عربده جویند

قبا

تا شد ز قبیله آنه و باز آمد
از جمع قبیله رفت و باز آمد دل

جیب

به دل جگر نقش دست قضا
مهری زند و به نقش خاتم غم دل

دیوانه

دوش بر در منقل و شب و شمع رسید
بگذشت فراق و باقیست پروانه وصال

رمزی

نقاش کند چون هزار ای عاشق
بر هر گل نقش او وجود نقصد ریست

قلندر

تیر غمش که نهان این دل نالان دارد
سربسته رنگ در جان دارد
یک یک بکش بگو چنین ای ابراهیم
زنگار ندارد آنکه پیکان دارد

باسم

باسم گلگش

لب ملید و نمک اوفتاد مرا بر دل ریش
است آن گل ملیس نیسان چه هار حول خویش

رندک

خطار زد و چو مه ما سر را بگذاشت
آیین جهان فتنه گری را بگذاشت
آن گل چو ز تار زلف برید نوشت
با مو خطا آیین دگر را بگذاشت

سلیم

از صبح دل خلق دام تو اسیر
از شانه وار با دم مردی دیگر
تاری که از آن دو زلف بگشاید باز
بندند به هم چو حلقها زنجیر

تاج

آمد که ز رشته شد با وصل ما
گفتند تنگ ای دل ای وصل
لب بند و اگر پیا پیا از نام خوشت
محتاج نباشد بغیر از دل

شاه هم

سودا ... آه سحرگاه بهبل
در آه تو نیز سوز جانکاه بهبل
پر رونق از ندیدن روی مهیت
آید چو شیر رونق ای آه بهبل

شمس

سرم در گذرگاه نگران او
صدف دل جهان شمس ابر نیایی او

طاهر

ای بو الهوس آنکه حسرت نگو منکر
هر لحظه از غمش چه دلیل گو منکر
آخر تو از آنها چون نظر خواهی ست
هر دم که از کلاه او منکر

حل مجمل معمای شیخ علی نقی که کاتب حروف در هنگام صحبت مومی الیه
بطریق تتمه نوشته است باسم خسرو مثلث خور هر دم رو نماید
آفتاب خورشید مثال معنی در صورت لفظ که دل روح و عین روان است برتو
افکن تقیه خاطر گردیده و در مرتبه که رو نقد آینه ضمیر مجری جلب فکرت صورت
پذیر حسن نپذیرد و چه هنوز روانه مقام برچین دارد اگر یکبار دیگر رو نماید که
سه بار لفظ دال الشمس را هر دم صادق آید خسرو اقلیم طبیعت که نوعیت چاه
عمیق فکر دقیق و تفکر مراتب نا یابد غایت مطلب است مربع نشین تخت سعر
عزت و فراغت و شیرین مذاق در یافت های مقصد خواهد شد ۱۲

باسم رجب گردیده برآور ز جمال آماتش

فرود در معنی طلب در دریای حسن تفکر غوص نموده و چون بر گردیده صدف
مراد را از گوهر رجب رجحان آمال که چون روی خوبان که گزیده ترکیب
موالید ثلاثه اند مصفات مالامال آورده و دل مشتی معور تغلیس میکوشد

باسم امان گردست عیان تیر و کمان از دو هم

در تحلیل و ترکیب این معما تیر فکر صاحب سخن که ارباب کمال چون جمال جانان
دیده دلش مید هند گوشی بزور و کمان ارشست نهاده از جسته و در هدف
مراد نشسته که صدای زه تحسین قطار کمال و علم الامان نشان برخاسته
و بگوش جان ارباب هوش رسیده امثال مقبول ارباب فکر است
معمای شیخ معمار هر گز در اول معمیات منتخبه شیخ که نقل شده اگر خواهند ملاحظه فرمایند

من معمیات میر حیدر کاشانی

باسم محمد

آن شاه رسل که پاک زانی و شد کوزه — در سکه او شده زر اسلام سره
با پیش ارکخیش گلو — خواندیم از فاتحه و البقره

حبیب

شبها که تمام عاشقان می دارند — چشم و دل من بخواب راحت یارند
سا و سیر گو که برد صبر و قرار — اول ز دل و دیده چو خواب دارند

حسن بیگ

مرغ دل من بیار خود مشغولست — پیوسته بتقلید از خود مشغولست
کار دلم اینست که از دور رنگ — لاغر با پلنگ خود مشغولست

تمر

با آنکه ز بیداد شما ای خوبان — گردید خراب کشور دل یکسان
ما شاد ز تریم از آنکه من بود آباد — تا بیش شما یافته المش ویران

عزیز

گر روی خط سبز و جعد چین عنبر را — گر دست چو زیور رخ آن دلبر را
از کین بعد ار نهان کند آن زیور — از مهر بود نماید آن زیور را

ملا و میر

دل که بر زنجیر داغ غب دارد — دلبر اگر دمش بصاحب دارد

رسد خان

بر تربت قتل یاران گشته تقدیر — سخنه ایشو برآن بر هر سه تیر

بهشتی

رفتست چو آه من بکراه بچرخ — تا شکوه کند ز هجر آگاه بچرخ
در سوختن اختر بخت اغیار — یارب دارد شتاب هیچ آه بچرخ

باسم هیبت

ای خسته نکوگوی دراز ان زنهار و | نامد عملی از دل که نبود نیکو

هست این چه عملی که میکند روز شب | در راز و نیاز خویش آن را بر گو

نالک

زنهار نگوی دکار از ره ستم | نامد عملی زمن که باشی در هم

هست این چه عملی که کنه گفتیم داری | از لطف نقوال تو فارغ ز الم

امت

تنها نه میان چشم تو از آفت جان | در عالم خاک شد نکو نیز فتان

مشهور بخونریزی و عشاق کشی | در عالم بالا شده چشمت میدان

ایاب

هر کار که میکند ز روی اخلاص | نام تو اگر نگفت دم میماند

عزیز بیک

عرا رطلبی زیار یاد آر نگار | تا تن بیدی و جان و دل و سینه دگر

ملک

پنهان دل گرم گلغتی ناله بدست | کاندرون داغ سوز بنز همه دل

باسم رجب

روزی بنز کاین دل خون گردیده | گیرد دندانه از لب جانانه

باسم کلثر

ای قیان شکر لب چنین | همه را از شماست شیرین

طهت

یک قسمه از تمام کمالات کم شده

باب فولاد

باسم فولاد

نگردد هیچگه فصل بهاران | دل فولاد دلبر یار یاران

والی ایاز

سهلست اگر دل مصیبت دیده | اسباب نبوده است کم کم سوخت

سالم

هر که یار عداوت نه یکدلانه نبود | چو در عداوت این روی کرد یکدل بود

بابا تیر

آیا پدر هر برس معقولست | یا جوان پدر قلندر دلبر ماست

شیخم

کی چون ز دل آتش فت بدست

باسم شاهی

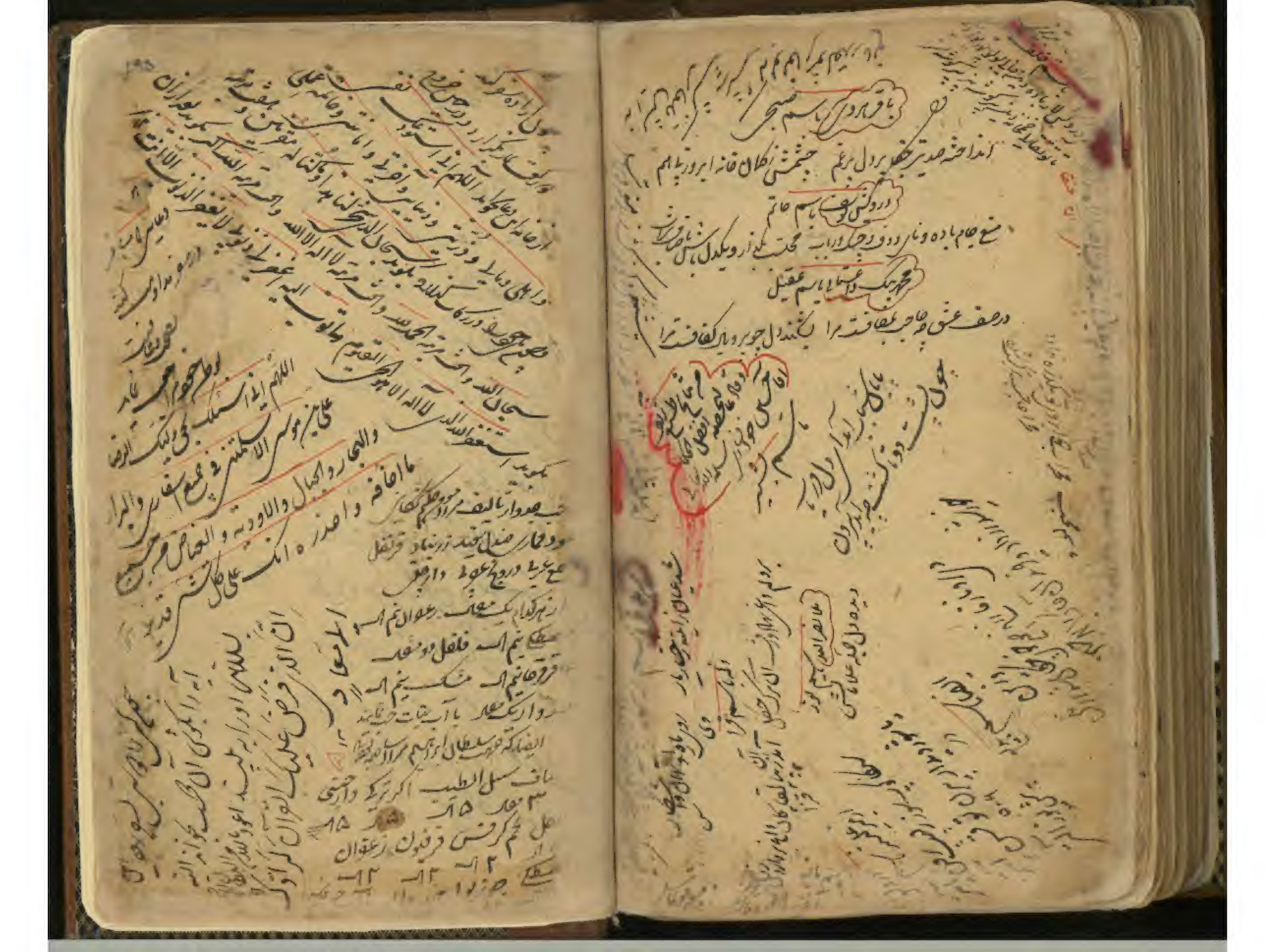
جز نام نکو بر آوری شیخانه

ناهی

ز هیئت دل دیده ایم از غایت شیر یار

باسم عتیق

عشقبازی میکند جان نگار | در تصور هر شب بار وی یار


استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه
انک علی کل شیء قدیر

معمیات کاتب الحروف محمد طاهر

باسم برهان

عرض حال خویش بلبل کسی بر آن گل نخو — آه دل امروز بر دی سوز جان فردا بگو

باسم کرم

گرد از درهای غم شسته باری دل ابشتر — دیده ام دلدار انگور کم جوشید از دو

طیب

وصل خوبان بی الصد رنج و تعب — میطلب میطلب تا یابی مطلب

داعی

هست جمعیت زلفها پریشان زلف را — سر که بود یک سر دل ما یکی از روش جدا

گودرز

نقاش پرگره باز جبین از منش بد — گشاید رو چو خوانه چو مثل چو قرین جبید

باسم داود

مهر را می شکند خط مشق از رنگ — خار در دل ما هست چون رخ خود نماید

صورت هلیل بجم مشکند گلها را — خار در دل ما هست چون رخ خود نماید

باسم محمدی

زاهد صورتش میکرد انکار بتان — محو شد چون بدید روی ما در میان

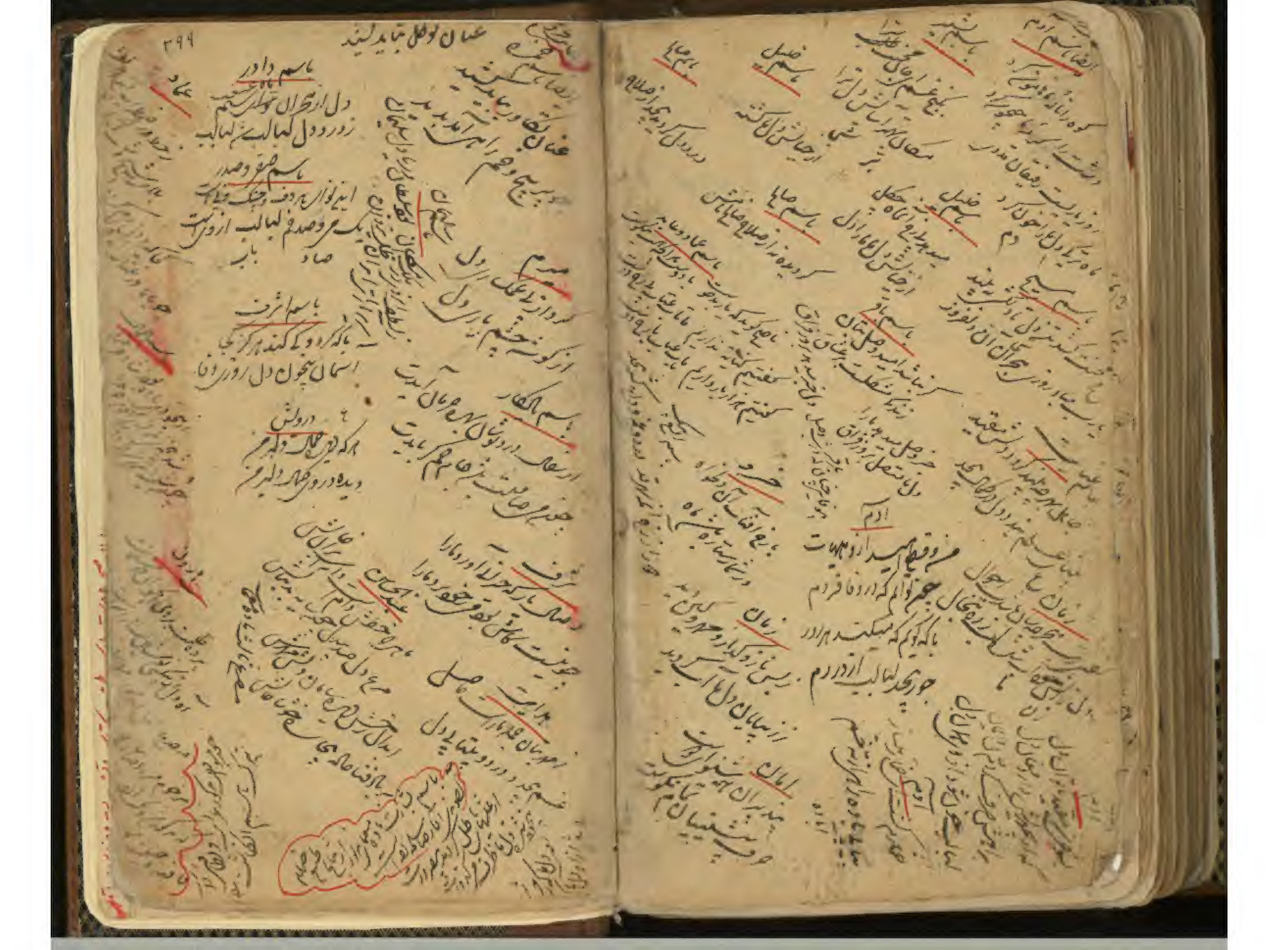
باسم بدر

تا گر زیست از بدی ذات بدان — بدیعوبا چار چیز آتش بدان

حروف نوروز ... کل باید خواند

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم ان هذه سنة جدیدة
اوصلتنا الیها ونعمة عتیدة
النعت بها علینا فصل علی محمد وآل محمد
واجعلنا فیها وفیما یتلوها من الصالحین
واکتبنا ممن سلک مسالک المتقین
یا رب العالمین اللهم یا محیی العظام
البالیة ویا مهیج القوی النامیة احی
قلوبنا بنور الوفاق واغسل صدورنا
من ضجاج وساوس الشیطان یا
من بیده ازمة الامور وبقدرته
تجری الاعوام والدهور ولا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم



ملا عبد [illegible] تخلص

ایضاً [illegible]

باسم [illegible] وصل نشان

[illegible] دیده او ان

خسته دل [illegible]

ان ماه [illegible] عقل و دین [illegible]

زاید زمان حیات واید

نرماند از ما و دل عاقبت

در دخو با غیر تکلم گفته ام

پیش همدردان مکرر گفته ام

زهره یار از قسم متصل لصفوه دل

از ان کیتم که بسوز [illegible]

در مجلس [illegible]

فاسد پیش همه [illegible]

هر که [illegible] که آن الف بهم [illegible]

بر رخ او دل آشفته بر آتش [illegible]

درد دل با غم کس خواهیم گفت

پیش آمد درد دل خواهیم گفت

اگر گوییم غم مخور بسیار [illegible]

وجهی باشد نباشد این غم [illegible]

زعالم چیده دامی و میگوید بهواران

کلام پر دام چیده را ببینید از ان

طبع ما دارد از ازاد که ما [illegible]

گو گریان دل ما خواب [illegible]

[illegible] کاتب الحروف محمد [illegible]

باسم [illegible]

در صحبت [illegible] ما را [illegible]

جان زیبا [illegible]

شهر دل از روز [illegible]

رحمت [illegible]

بر انکس و صلش [illegible]

نبرد دل [illegible]

۳۰۱





مطلب

تحقیق بسیار عالی است در لغات عرب

از شرحی که میرزا اشرف والد حکیم شفا بر نصاب الصبیان نوشته

اللهم صل علی محمد وآل محمد

